

۳۳ رشد امور راهنمایی

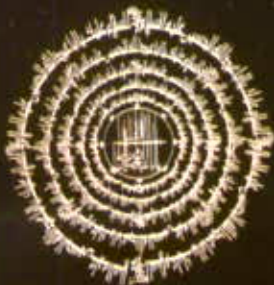
سال نهم - بهار ۲۰۰۰ زیال - سال ۱۳۸۱

همراه با ویژه نامه آموزش هنر

www.Koshdmag.org



- زبان خارجی در مدارس راهنمایی ● کیمیاگران نقش
- گفت و گو با استاد اکبر صوتی ● وجه تسمیه
- زیباشناسی هنر اسلامی ● از نگاه تولستوی





- مدیر مسئول: علیرضا حاجیان زاده
- سردبیر: جعفر ربانی
- مدیر داخلی: منصور ملک عباسی
- طراح گرافیک: پریسا سنندسی
- چاپ: شرکت افست (سهامی عام)
- تیراژ: ۴۵۰۰
- نشانی دفتر مجله: تهران
- صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۷۵۸۵
- تلفن امور مشترکین: ۸۸۳۹۱۸۶
- آدرس امور مشترکین: تهران
- صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱
- E-mail: info@Roshdmag.org

دفتر انتشارات کمک آموزشی، این مجله را منتشر می کند. رشد کودک (نوزده پیش دبستان و دانش آموزان کلاس اول دبستان) رشد نوآموز (برای دانش آموزان دوم و سوم دبستان) رشد دانش آموز (برای دانش آموزان چهارم و پنجم دبستان) رشد نوجوان (برای دانش آموزان دوره راهنمایی) رشد جوان (برای دانش آموزان دوره متوسطه) مجلات رشد معلم، رشد تکنولوژی آموزشی، و آموزش ابتدایی، آموزش فیزیک، آموزش شیمی، آموزش زبان، وادیه فارسی، آموزش زبان، آموزش ریاضی، آموزش ریست شناسی، آموزش جغرافیا، آموزش معارف اسلامی، آموزش تاریخ، آموزش تربیت بدنی، آموزش هنر، آموزش علوم اجتماعی، مدیریت مدرسه، برای دبیران، آموزگاران، دانشجویان تربیت معلم، مدیران مدارس و کارشناسان آموزش و پرورش.



طراح جلد از: پریسا سنندسی

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات کمک آموزشی



- سر مقاله
- ▼ تعلیم و تربیت و مدرسه زدایی (۳)
آنتونی گیدنز
- ▼ نعمت های مهربان در بهشت (۴)
محمد حسن مکارم
- ▼ وجه تسمیه (۸)
تیمور رضایی
- ▼ عدد ۱۲ (۱۲)
میرزا جلیلی
- جدول (۱۵)
- ▼ پروژه آزمون گروهی (۱۶)
ملا نوری
- ▼ ویژه نامه: آموزش هنر
- گفت و گو با استاد اکبر صوتی (۲۲)
- ▼ زیبایی شناسی هنر اسلامی (۲۸)
زهرا رهنورد
- ▼ کیمیاگران نقش (۳۰)
شبناز باقری نژاد
- ▼ نمایش در مدرسه (۳۲)
سینا کریمی
- نمایشنامه های مدرسه (۳۴)
- ▼ هنر و زندگی (۳۶)
جعفر ربانی
- از نگاه تولستوی (۳۹)
- ▼ پیشنهادهایی برای تدریس علوم پایه دوم راهنمایی (۴۰)
سپیدانیک نژاد شیبانک
- ▼ زبان خارجی در مدارس راهنمایی (۴۲)
ترجمه سعید قریشی
- درس های تاریخ (۴۶)
- ▼ تولید یک برنامه آموزشی در جغرافیا (۴۸)
منصور ملک عباسی
- ▼ دوره راهنمایی تحصیلی در ایران، هدف ها و چالش ها (۵۲)
اکبر حسینی
- ▼ اندیشه های تازه در خصوص آمادگی جسمانی... (۵۸)
ترجمه ماندانا آجودان
- آیا شما شجاع هستید؟ (۶۲)

نگاه

پایان بهمن سال انتشار مجله فرصتی به دست می‌دهد تا نگاهی به پشت‌پرده عملکرد خود را بازبینی کنیم و نقاط قوت و ضعف خود را، ضمن نگاه به آینده، مورد بررسی قرار دهیم.

✦ این مجله از آثار انتشارات کنون، پیوسته و البته به کثرت، رو به رشد بوده است، هم از نظر کمی و هم به لحاظ کیفیت و محتوا، اگرچه در مورد اخیر، نقایب نهایی از شما خوانندگان ارجمند یعنی دبیران مدارس راهنمایی در سراسر کشور است.

✦ در عین حال این راهم خاطرنشان می‌سازیم که به تازمه دفتر انتشارات کمک آموزشی از این پس شماره تابستان نخواهیم داشت و این مجله و سایر محلات رشد تحصیلی سه شماره در سال انتشار خواهند یافت.

✦ چنان‌که استحضار دارید سال گذشته ما ویژه‌نامه‌هایی را، به ترتیب، درباره تاریخ، کتاب‌های کمک‌آموزشی، نقش تربیتی معلم و هنر، در این شماره تقدیم شما کردیم. قصد داریم امسال به موضوعات دیگری چون ریاضی، دبلی، اقتصاد آموزش و پرورش و... پردازیم. عجالتاً شماره بعدی را همراه با ویژه‌نامه ریاضی خواهید خواند.

✦ در سال آینده حداقل یک شماره را به طور فوق‌العاده، ویژه علوم تجربی، می‌نموشم خواهیم کرد. این کار با پیشنهاد و همکاری گروه علوم تجربی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی انجام خواهد شد و محتوای آن در ارتباط با آزمون نهم خواهد بود. به قرار اطلاع آزمون نهم از سال دیگر قرار است در دبیرستان در سراسر جهان برگزار شود و این همان آزمون است که در دوره گذشته آن، آموزش و پرورش ما، در مقایسه با کشورهای دیگر، متأسفانه رتبه رضایت‌بخشی به دست نیامد. به هرحال، گروه علوم تجربی قصد دارد با انتشار این ویژه‌نامه و به موازات آن انتشار ویژه‌نامه‌ای برای دوره ابتدایی که از سوی مجله رشد آموزش ابتدایی انتشار می‌یابد آمادگی بیشتری در معلمان و دانش‌آموزان به وجود آورد. ویژه‌نامه ما، به یاری خدا، در پاییز در اختیار شما قرار خواهد گرفت.

✦ از دوستان و همکاران ارجمندی که طی سال گذشته برای مجله مقالات و مطالبی فرستادند سپاسگزار می‌کنیم و خواهان تداوم همکاری آن هستیم. و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین



تعلیم و تربیت و مدرسه‌زدایی

آنتونی گیدنز

یکی از مجادله‌انگیزترین نویسندگان اخیر پیرامون نظریه آموزش و پرورش ایوان ایلچ* است. او به خاطر انتقادهایش از توسعه اقتصادی مدرن معروف است. ایلچ توسعه اقتصادی مدرن را به عنوان فرابندی توصیف می‌کند که از طریق آن، ملت‌هایی که قبلاً خودکفا بودند مهارت‌های سنتی خود را از دست می‌دهند، و مجبور می‌شوند برای سلامتشان به پزشکان، برای تعلیم و تربیتشان به معلمان، برای سرگرمی به تلویزیون و برای معیشت خود به کارفرمایان متکی باشند. ایلچ استدلال می‌کند که نفس مفهوم تعلیم و تربیت اجباری - که اکنون در سراسر جهان پذیرفته شده است - باید مورد سؤال واقع شود. ایلچ بر ارتباط میان توسعه آموزش و پرورش و شرایط ضروری اقتصادی برای انضباط و سلسله مراتب تأکید می‌ورزد. او استدلال می‌کند که مدارس برای اجرای چهار وظیفه اساسی به وجود آمده‌اند: وظایف مراقبت و نگهداری، توزیع افراد میان نقش‌های شغلی، یادگیری ارزش‌های مسلط و تحصیل دانش و مهارت‌های از نظر اجتماعی پسندیده. مدرسه به صورت یک سازمان نگاهبان درآمد است زیرا حضور در آن اجباری است، و کودکان را بین سال‌های نخستین کودکی و ورودشان به کار «از خیابان‌ها دور نگه می‌دارد».

ایلچ از مدرسه‌زدایی جامعه طرفداری می‌کند. او خاطرنشان می‌سازد که آموزش و پرورش اجباری ابداع نسبتاً جدیدی است؛ پس دلیلی وجود ندارد که به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر پذیرفته شود، چون مدارس به برابری یا تکامل استعدادهای خلاق فردی کمک نمی‌کنند، چرا نباید آنها را به صورت کنونی‌شان به دور افکنیم؟ منظور ایلچ از این گفته این نیست که کلیه شکل‌های سازمان آموزشی باید ملغی شود. او می‌گوید آموزش و پرورش می‌باید برای هر کسی که می‌خواهد یادگیری دسترسی به منابع موجود را فراهم سازد - و در هر زمانی در زندگی، نه فقط در دوره کودکی یا سال‌های نوجوانی. چنین نظامی باید این امکان را به وجود آورد که دانش در سطحی گسترده پراکنده و توزیع شود، نه اینکه به متخصصان محدود گردد. آموزندگان نباید ناچار باشند به یک برنامه درسی استاندارد تسلیم شوند بلکه باید در مورد آنچه تحصیل می‌کنند از حق انتخاب برخوردار باشند.

این که از لحاظ عملی این نظریات به چه معنا خواهد بود کاملاً روشن نیست. اما ایلچ به جای مدارس چندین نوع چارچوب آموزشی پیشنهاد می‌کند. منابع مادی برای یادگیری رسمی در کتابخانه‌ها، مؤسسات کرایه‌ای، آزمایشگاه‌ها و بانک‌های ذخیره اطلاعات، که در دسترس هر دانش‌آموز و دانشجو باشند نگهداری خواهند شد. شبکه‌های ارتباطات، دایر خواهد گردید، و داده‌های مربوط به مهارت‌های افراد مختلف را و این که آیا آنها مایل اند دیگران را تعلیم دهند یا به فعالیت‌های یادگیری متقابل بپردازند، ارائه می‌کنند. اسنادی در اختیار دانشجویان گذاشته خواهد شد که به آنها اجازه می‌دهد از خدمات آموزشی هر طور و هر گاه که مایل باشند استفاده کنند.

ربرئیس

* ایوان ایلچ (Ivan Illich) یکی از متفکران سیاسی-اجتماعی نیمه دوم قرن بیستم است که در عرصه تعلیم و تربیت نظرات تازه و در عین حال نندروانه‌ای دارد. ایلچ در وین (اتریش) متولد شد. در رشته الهیات و فلسفه تحصیل کرد و در رشته تاریخ درجه دکترا گرفت. نظریه جامعه بدون مدرسه او سرودهای زیادی به پا کرده است.



نعمت‌های مقربان^۳

در بهشت*

محمدحسن مکارم

و حور عین کامشال اللؤلؤ المكنون جزایما كانوا یعملون
لا یسمعون فیها لغوا ولا تألیفاً الا قیلاً سلماً مسلماً (۱) مقربان در بهشت
همسری از حور عین دارند، همچون مری و اریذ در صدف پنهان اینها
پاداشی است در برابر اعمالی که انجام می‌دادند. در باغ‌های بهشت،
به لغو و بیهوده‌ای می‌شوند، نه سحبات گناه‌آلود، تنها چیزی که
می‌شنوند سلام است، سلام!

در سوره مبارکه الفعه، خداوند برای گروه مقربان چندین نعمت
بهشتی ذکر می‌کند که حاکی از جلالت مقام و رفعت شأن آنهاست:
بر تخت‌هایی که صاف کشیده و به هم پیوسته است قرار دارند. در حالی
که تکیه بر آن کرده‌اند و روی یکدیگر قرار گرفته مجلسی پر از
انس و سرور دارند. بوجوانانی که همواره در شکوه و طراوت جوانی
به سر می‌زنند گردآوردنی می‌گردند، در خدمت آنها هستند و جام‌ها
و کوزه‌هایی پر از شرابی پاک که از نهرهای بهشتی برداشته شده، در
دست دارند. به شرابی که عقل و هوش را ببرد و مستی آورد،
بوجوانان بهشتی هر نوع میوه‌ای که آنها میل باشند، به آنان تقدیم
می‌کنند و گوشت پرندگان از هر نوع که بخواهند مهیاست.

میس به نعمت بعدی که همسران پاک و زیباست می‌پردازد و با
تشبیه لفظی آنان را توصیف می‌نماید: زنانی که سباهی چشم آنها
کاملاً مشکین است و سفیدی اش کاملاً شفاف و خندان‌آرای چشمانی
درشت هستند. از آنجا که بیشترین زیبایی انسان در چشم او است،
روی این ویژگی به طور خاص تکیه شده است. عطر این تشبیه،





سلام کردن فرشتگان به بهشتیان، می فرماید: «آنان که در دنیا اهل نفا بودند، درهای بهشت به رویشان گشوده می شود... در دنیا که بودند، کرداری پاکیزه و نیکو داشتند و چشمانی گریان از خوف الهی؛ شب آنها به خاطر بیداری و مناجات با پروردگار روز بود و روزشان به خاطر ترس و پرهیز از آلودگی های دنیوی مثل شب

بود؛ خدا نیز بهشت را جایگاه آنها و بهره مندی از نعمت های بهشتی را پاداششان قرار داد. (۴) سخن چنین شخصیتی پیرامون آخرت و آیات معاد، در حقیقت تفسیر صحیح قرآن است. چه کسی را می توان یافت که به پیامبر (ص) از علی (ع) نزدیک تر بوده باشد و بیش از او از دریای معرفت کتاب خدا سیراب شده باشد؟! هم او با چنین احاطه ای بر ماهیت دنیا و آخرت و ویژگی های هر یک از آن دو، در جمله ای حکیمانه چنین نتیجه گیری می کند: «آیا هیچ آزاده ای نیست که این لمآظه و ته مانده غذا را (اشاره به دنیا) برای اهلش رها کند. ارزش وجودی شما انسان ها بهشت است. به هوش باشید که خود را به کم تر از آن ن فروشید» (۵)

حکایتی از مرحوم علامه طباطبایی

لذات دنیوی در مقایسه با نعمات جاوید بهشتی هیچ است و به قول علی (ع) لمآظه ای بیش نیست؛ با این حال آزاده ای می خواهد که از آن دست بکشد و آخرت را به دنیا ن فروشد. حوران بهشتی از نعمت هایی است که در سرای جاوید، نصیب مؤمنان خواهد شد، اما گاه بعضی از علمای ربانی به دیدن جلوه هایی از نعمات بهشتی، در همین دنیا نایل شده اند؛ از جمله این افراد میرزا علی آقا قاضی رحمه الله (متوفای ۱۳۶۶ هجری قمری) و شاگرد گران قدر او مرحوم علامه سید محمد حسین طباطبایی رحمه الله (صاحب تفسیر المیزان) است. علامه طباطبایی گوید: «روزی در مسجد کوفه نشسته و مشغول ذکر بودم، حوریه ای از طرف راست من وارد شد در حالی که جامی از شراب بهشتی در دست داشت و به من تعارف می کرد. همین که خواستم به او توجهی کنم، یاد حرف استاد مرحوم فاضل افتادم که گفته بود: چنانچه در

چشمان زنان بهشتی مانند مروارید پنهان در صدف است؛ مروارید تا وقتی که در صدف قرار دارد و هیچ دستی به آن نرسیده، از همیشه شفاف تر است؛ به علاوه، ممکن است اشاره به این مطلب باشد که آنها از چشم دیگران کاملاً پنهانند، نه دستی به آنها رسیده و نه چشمی به آنها افتاده است.

نعمت بعدی که جنبه غیر مادی دارد، این است که در بهشت، دروغ، تهمت و افترا نمی شنوند، کلمات نیش دار و سخنان لغو، جایگاهی ندارد. هر چه در آنجاست صفا و زیبایی و ادب و مناسبت است. جز سلام چیزی نمی شنوند. سلام و درود خداوند و ملائکه او و سلام و درود خودشان به یکدیگر. محیط آنها آکنده از سلام و سلامت است و نتیجه تمام گفت و گوهای آنها همین است و به صلح و صفا منتهی می شود. اصولاً قرآن بهشت را «دارالسلام» خوانده است (۲)

انسان با خواندن این آیات شریفه آرزو می کند کاش دنیای ما هم همین گونه بود؛ سخن لغو به گوش نمی رسد، کسی بی جهت به اثم و گناه منهدم نمی شد، گوش افراد به شنیدن حرف های بی خاصیت پر نمی شد، آرامش و سکوت حکم فرما بود، سکوتی که لازمه به خود آمدن و اندیشیدن است، اندیشه ای که مقدمه به حق رسیدن است، حقی که اگر جملگی به آن رسند، رابطه ای و فضایی جز «اسلام» ایجاد نمی کند، فضایی که از آن بوی بهشت به مشام می رسد.

عظمت نعمت های بهشتی از دیدگاه علی (ع)

امیر المؤمنین (ع) که حقایق آخرت و بهشت را از سر چشمه زلال آن، یعنی حضرت محمد (ص) کسب کرده است و آیه ای نازل نشده مگر آن که پیامبر آن را بر علی (ع) تلاوت فرموده و او را به عمق و ژرفای آن گاه نموده است؛ نعمات بهشتی را با هیچ نعمتی در دنیا قابل مقایسه نمی داند. گویی سال ها در آنجا بوده و از آنها بهره مند گردیده است. می فرماید: «خیر و خوشی که به دنبال آن آتش است و عصب الهی را در پی دارد، خیر نیست؛ شر و سختی ای که بهشت و رضوان خدا را به دنبال دارد، شر نیست؛ هر نعمتی کم تر از بهشت، کوچک و بی اهمیت است (اشاره به خوشی های دنیوی) و هر بلا و گرفتاری که کم تر از گرفتاری به دوزخ باشد، مایه آسایش و قابل تحمل است (اشاره به ناخوشی هایی که انسان در راه خدا و برای امان از آتش جهنم در دنیا تحمل می کند)» (۳) جای دیگر از اشتیاق و انتظار بهشت به آمدن مؤمنان سخن گفته و با اشاره به آیات آخر سوره زمر و



بین نماز، یا قرائت قرآن و یاد در حال ذکر و فکر، پیشامدی کرده و صورت زیبایی را دیدید. یا بعضی جهات دیگر از عالم غیب را مشاهده کردید، توجه نمایند و دنبال عمل خود باشید، لذا چشم پوشیده و توجهی نکرده. آن حوری به رخاست و از طرف چپ من آمد و آن جام را به من تعارف کرد، روی خود را برگرداندم، او نیز رنجیده شد و رفت. (۶)

این سرایی است که الهه حلال خواهد یافت
 حنک آن قوم که در بند سرای دگرند
 سعیدی

خاطره‌ای جاودانه

اینک خاطره شیرین زیر رایه عنوان حسن ختام می‌آورم که معلوم شود نقش تربیتی و اصلاحی آیات و تمثیلات قرآنی، میدان عملش تا به کناست. امید که بر یقین و اطمینان خاطر خواننده عزیز، نسبت به قدرت اسلام در ایجاد «مدینه فاضله» بیفزاید. در مرداد ماه ۱۳۶۱ برای گذراندن دوره تربیت مدرس معارف اسلامی، همراهِ دو بست نقر از دبیران دینی و قرآن سراسر کشور به تهران دعوت شدم. این دوره آموزشی یک ماهه، در محل تربیت معلم شهید السراجی، در منطقه نوبران، پیش‌بینی شده بود و اساتید مدعو، همگی از استوانه‌های دینی و فرهنگی و فرهیختگان حوزه و دانشگاه بودند که سال‌ها در به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی زجر کشیده بودند و به غلت عشق و علاقه‌شان به حبیبی کبیر - رسولان اله تعالی علیه - و اطاعت از او، سوتی در سینه‌چال‌های رژیم شاهنشاهی گرفتار آمده بودند و بعد از پیروزی انقلاب نیز محصلانه خدمت می‌کردند که بعضی از آنها بعداً با تیرکین منافقین به شهادت رسیدند؛ خداوند، حقشان را بر ما حلال گرداند. به هر حال، خود را در میان جمعی از فرهیختگان و اساتید دیدم که صفا و صمیمیت آنان یادآور بهشتیان بود. مادام که تمثیلات و تشبیهات پیرامون اوصاف مؤمنان را در این مجموعه جمع‌آوری می‌کردم، این جماعت را به یاد می‌آورم که چگونه مصداق‌های زیبایی آن هستند؛ آنچه از خطبه‌ها و حکمت‌ها و نامه‌های امیرالمؤمنین (ع) گردآوری کردم، اوصاف مورد نظر امام (ع) را در آنان مجسم می‌دیدم و صفات متضاد را در لحظه هماء؛ در چهره‌های نورانی آنها و اعمال و رفتار محصلانه‌شان هویدا می‌یافتم. با خود می‌گفتم: اگر جمعیت ۶۵ میلیونی ما در حال حاضر و بالأخره دنیای پنج یا شش میلیاردی ما این چنین تربیت شوند، دیگر با بهشت موعود چه فاصله‌ای داریم و چه نعمتی کم داریم! جانی فلاسفه و دانشمندان چون افلاطون، اگوستین، فرانسیس، تامس مور، اسپن کانه، ویل دورانت و ... را حالی

می‌دیدم که سال‌ها در تدارک طرح تأسیس «شهر اومنی» و ایده‌آل بودند و بعضی جایگاه جبین نظامی را تنها در «خیابان اسکان» تصور می‌کردند و تحقق آن را محال می‌پنداشتند. (۷)

اعضای این جامعه دو بست نقره، صبح خود را از بیخه‌های شب شروع می‌کردند؛ وقتی که چراغ خانه‌ها خاموش بود، صدای زلفت و آمدن توپیل‌ها نمی‌آمد، گنجشک‌ها هم خفته بودند. ولی ستارگان پندار و به روی پندار دلان چشمک می‌زدند، ستاره‌ها را جمع می‌کردند و سجاده‌ها را پهن؛ ناله شب به پامی داشتند و با حائل خویش به راز و نیاز می‌پرداختند؛ قهر می‌دمنند و به مرقعه صبح بر می‌خاستند و تاروشن شدن هوا، کتاب خدا را در زیر می‌گشودند، هسته‌آهسته، آیات را نغمه می‌کردند و دل خویش را صیقل می‌دادند. در لحظات طلوع آفتاب، در کوهپایه‌های اطراف مرکز نام برده قدم می‌زدند و ضمن استنشاق هوای پاک و ورزش صحیح‌گهی، در آفرینش و آثار تصحیح خدا همیشه می‌نمودند و به تسبیح و تحمید حق می‌پرداختند. بدون تأخیر و عیبت، بر سر کلاس درس حاضر می‌شدند و از اوقات استاد وقت شناس و فاضل بهره می‌بردند. هیچ‌گاه ندیده‌ام که می‌پروا کلام استاد را قطع کنند و ایدانشیدم که عیبتی از او بردارند. او را بلکه خود را اعلام او می‌دانستند و محضرش را قدر می‌شناختند. اتفاق افتاد که نشسته با استاد صحبت کنند و شنیده شد که عبادایشان به گوش او سنگینی کند و خلاف ادبی ظاهر شود. استاد هم هرگز خود را برتر از شاگردانش نمی‌دانست و کلمه‌ای حاکمی از تعاضد از میان دولتش بیرون نمی‌آمد؛ محفل انس بوده جای اظهار وجود. آشپزها در روزهای اول، خود مدیریت توزیع غذا را به عهده داشتند، مکتد کسی دوا بر ندارد... چیزی نگذشت که تغییر روش دادند، هر وعده، ابتدا، حوراک خود را بر می‌داشتند و به اندرون آشپزخانه می‌رفتند و همه چیز را به این جمع می‌سپردند. هر روز برادران یک استان، کار توزیع غذا و شستن کلیه ظروف را تقبل می‌کردند و از خدمت به برادران دینی خود لذت می‌بردند. هر که به انداز نیاز، در و تریج و ... می‌گرفت و دره‌ای اسراف نمی‌شد، در سطل‌های زباله سالی غذا حوری، هرگز مواد غذایی دیده‌نشده اثر کسی می‌نشد بود، مجدداً می‌آمد و باروی گشوده از او استقبال می‌کردند و حوراک اضافه تقدیم می‌نمودند و هرگز کمبودی احساس نگردید. کشاورزی که بران فروش کتب خود به همکاران در مرکز مستقر گردیده‌ها را این جمع را نمی‌شناخت، چهارچشمی کتاب‌ها را با خود می‌برد و دست روی دخل پول می‌گذاشت، نگذاشت این بی‌شکلی را بپذیرد.

چیزی از او کم شود. یک هفته طول نکشید که تغییر روش داد، در نمایشگاه را در تمام طول شبانه روز باز گذاشت، کتاب‌ها و صندوق پول را رها کرد و رفت. فقط یک آگهی به دیوار نصب کرد: تخفیف ۱۵٪ بر مبنای قیمت پشت جلد. صحنه‌ای تماشایی بود، او شب به شب می‌آمد، صندوق را خالی می‌کرد و می‌رفت، بعد دیدیم، دو سه روزی، فقط یک بار می‌آمد، کتاب‌های جدید می‌آورد و پول‌ها را برمی‌داشت. خط تلفنی برای تماس همکاران به شهرستان‌ها اختصاص داده بودند. اپراتور می‌نشست، زمان می‌گرفت و هزینه مکالمه را محاسبه می‌کرد. به او گفتند: در اینجا خلافی صورت نمی‌گیرد، کار را به خودشان بسپار، فقط جدول محاسبه نرخ شهرستان‌ها را به دیوار نصب کن و برو. هر که می‌خواست با خانواده خویش تماس بگیرد، یکی از دوستان را صدا می‌زد، برایش زمان می‌گرفت، هزینه دقیقاً حساب می‌شد و کمی بیش از مبلغ احتسابی را در صندوق کنار تلفن می‌ریخت تا مدیون نباشد. یادم هست سکه‌ای روی آسفالت زمین ورزش مرکز تربیت معلم افتاده بود، هر صبح که برای ورزش صبحگاهی می‌آمدیم، باز همان پول را در همان محل می‌دیدیم، کسی به آن دست نمی‌زد، جابه‌جایی آن در اثر برخورد با جاروی سرایدار مرکز اتفاق افتاد. با این که در دو سه سالن بزرگ، به عنوان استراحتگاه می‌خوابیدیم و تحت خواب‌ها حدود یک متر با هم فاصله داشت و دوطبقه بود، هیچ موقع لازم نشد که به افراد مجاور خود بگویم صدای رادیو را کم کنید، می‌خواهم بخوابم، و این در حالی بود که اکثراً مقید بودند اخبار را مرتب گوش کنند. در جمع ما احدی اهل دود و سیگار نبود، اگر هم وجود داشت، آن چنان به دور از محوطه سیگار می‌کشید که به چشم نمی‌آمد و کسی آزرده نمی‌شد... روز پایان دوره فراموش ناشدنی بود؛ آشپزها این اردوی یک ماهه را استثنای اعلام کردند، اپراتور تلفن بی‌نهایت تشکر می‌کرد، سرایدار از نظافت محیط و عدم احتیاج به کار زیاد، زبان به مدح و ستایش جمع گشود؛ کتابفروش لیست کتاب‌ها را آورده بود و کل مبلغ جمع شده در صندوق را در طول اردو، بیش از کل قیمت کتاب‌ها، با محاسبه تخفیف، می‌دید و می‌پرسید: چه کسی پول اضافه ریخته، بیاید و پس بگیرد، احدی چیزی نمی‌گفت و طلبی احساس نمی‌کرد.

جمع، حاضر نبود از هم جدا شود، اشک در چشم‌ها غوطه می‌خورد و سرازیر می‌گشت، آدرس‌ها و شماره تلفن‌ها رد و بدل می‌شد و چاره‌ای جز وداع باران نبود. آری، این چنین بود محفل آنان

که با قرآن سروکار داشتند و نهج البلاغه می‌خواندند. افسوس که شرح کامل آنچه دیدم در این دفتر نمی‌گنجد. حضور خلوت انس است و دوستان جمعند و آن یکاد بخوانید و در فراز کنید (۱۰)

زیر نویس

۱- واقعه، ۲۶-۲۲

۲- تفسیر نمونه، ج ۲۳ ص ۲۱۴

۳- نهج البلاغه فیض الاسلام، حکمت ۳۸۰

۴- همان، خطه ۲۳۲

۵- همان، حکمت ۲۴۸

۶- مهر تابان (پادنامه علامه طباطبائی) ص ۱۹

۷- مدینه فاضله در متون اسلامی، فصل اول (به قلم مؤلف) از انتشارات دفتر انتشارات اسلامی (قم)

• این نوشته برگرفته از کتاب «امثال القرآن» تألیف نویسنده محترم مقالات دینی این مجله است که برای شما انتخاب شد. کتاب فوق را دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم منتشر کرده است، پاره‌ای از مقالات این کتاب قبلاً در همین مجله به چاپ رسیده است.



در مورد این که منشأ زبان چیست و کی و چگونه به وجود آمده است، هنوز بین زبان‌شناسان اتفاق نظر وجود ندارد. در این حدیث طبر خلاصه به چند نظریه اشاره می‌شود:

۱. نظریه مدھیون: در چارچوب برخی از جهان‌بینی‌های مذهبی، همه پدیده‌های جهان از جمله زبان، سجد و دست‌زدایی و موهبت الهی است. به عبارت دیگر، جداوند زبان سجد به معنی آرزای دست.

۲. نظریه طبعیون: طبعیون عقیده داشتند، وجود دسته‌ای از لغات در زبان‌ها که آدم او آفریده می‌شود، مانند اخیر که از ایشور است، اغوغو و غیره نشان می‌دهد که رابطه میان شیای خارجی و کلمات، رابطه‌ای طبیعی است و در واقع حسن و پسنه زبان، آوازه‌ها هستند یا دست‌کم می‌توان بدقت گفته آوازه‌های او به‌عنوان راین نوع کلمات تشکیل داده‌اند معنی کلماتی که از طبیعت آمده‌اند شده‌اند.

۳. نظریه آواهای غریزی و طبیعی: این نظریه به نظریه طبعیون شباهت دارد و بر اساس آن، زبان تنها از آواهایی که بی‌ساختار شادی و خشم، درد، ترس، محبت و هیجان سر می‌آید، به وجود آمده است. طرفداران این نظری معتقدند، زبان منشأ از آواهایی مانند آوا، واج، آوا، آوا، آوا، آوا و غیره تشکیل شده است و در طول تاریخ به‌لایزال با تغییر یافته به شکل فعلی در آمده است.

۴. نظریه اشارات و حرکات: خلق این نظریه، انسان اولیه‌ای بود که برقراری ارتباط با دیگران از سیستم ایما اشاره‌ای (با نشان حرکات اعضای بدن، به‌ویژه دست‌ها که نقش عمده‌ای دارند) استفاده می‌کرده است.

۵. نظریه تکاملی: نظریه تکاملی که امروزه بیش از هر نظریه دیگری مورد قبول انسان‌شناسان فرهنگی، روان‌شناسان اجتماعی و زبان‌شناسان واقع شده است، در حقیقت زبان را عر به وقت تکامل انسان و پس از تشکیل اجتماعات اولیه مطالعه می‌کند و معتقد است که زبان گفتاری در انسان هم‌زمان با تکامل، یعنی پس از آن که انسان جدا از جنگل بیرون آمده و رستن در جلگه را آغاز کردند و افوخند زوی نو پایابستند و از دست‌ها برای به‌چنگ آوردن غذا، ابزارسازی و دفاع از خود استفاده کنند و به تدریج بعد از آن که دست‌گده گفتاری و معر و سازه اعصاب مربوط به مکانیسم گفتار انسان دچار تحولات لازم شد و اجتماعات اولیه شکل گرفتند، استخراج شد.

افلاطون بر این اعتقاد بود که همه آوازه‌ها با مفاهیم خود رابطه‌ای طبیعی دارند، اما ارسطو این نظر را رد کرد و گفت که رابطه لغت و معنی آوازه فرارادنی است و تفاوت و آوازه‌های زبان‌های مختلف فرارادنی بودن دلالت لغت بر معنی نشان می‌دهد. پس از این‌مضمون بر این مورد میان دانشمندان اختلاف نظر وجود داشته است. برای

نمونه، بعضی از دانشمندان اسلامی و ایرانی - به‌ذاتی بودن رابطه لغت و معنی اعتقاد داشتند. از جمله خلیل بن احمد و سیویه که باور داشتند، عرب الفظ را این‌شکل و هیئت امسی می‌سازد. مثلاً آوازه‌هایی که دارای مصوت‌ها هستند، بر روی کی دلالت دارند و آوازه‌هایی که دارای فاری، آوازه‌هایی مانند احریر که حرف اول آن تفاوت این پارچه مطافقت دارند و آوازه‌ها را می‌تواند احریر که تلفظ حسن آن‌ها یکی از نشانی این پارچه است نسبت به حریر. کلمه حاله بسیاری از آوازه‌های مستعمل در زبان عربی و فارسی دارای توجه‌تسمیه هستند که برای دانستن علت آنها باید با علم به‌شناسی و اشتقاق‌شناسی داشت یکی را فواید آگاهی به وجه تسمیه آن است که از طریق برخی آوازه‌های هم‌خانواده زبان وجود دعوت در معنای طاهرین آن‌ها، می‌فهمیم و دیگر این‌که چون یادگیری، عمیق و بی‌شک است. و همیشه که بر پیش می‌آید. مثلاً لغت عرب، حثک، محسوس، حثه (سیر) حر و حسان (دانا) که همگی از ریشه احریر است که از دست‌تسمیه‌ها و هر کدام معنای متفاوتی دارند، همگی به‌معنی دارای معنی

مخفا

تیمور رضایی

تهیه و تنظیم: تیمور رضایی



پوشش و پوشیده هستند. متأسفانه تاکنون معلمان و استادان، آن‌چنان که باید و شاید خود توجه نکرده‌اند. در حالی که این مهم در تمامی علوم و فنون کاربرد دارد. بسیاری از تعاریف در خود واژه نهفته‌اند و بهتر است، قبل از هر توضیحی خود آن اسم را تجزیه و تحلیل کنیم. وجه تسمیه یا علم ریشه‌شناسی و اشتقاق پیوندی ناگسستی و نزدیک دارد و در بسیاری از موارد یکی است. در این مقاله ما وجه تسمیه بعضی از لغات را شرح داده‌ایم:

آبشار: مرکب از «آب» + «شار» از مصدر «شاریدن»، به معنی سرازیر شدن و ریختن آب. در انگلیسی هم به آبشار «water fall» می‌گویند که دقیقاً معادل ترکیبی آبشار فارسی است.

آهو: از صفت «آسو» (āsū) که در اوستایی و سانسکریت به معنی تند و چست و نیز است. در پهلوی «ā huk» است و چون آهو جانوری است نندرو و چست و چالاک، نام آن «آسو» شده است و سپس «ه» به «h» تبدیل شده و به صورت «آهو» درآمده است.

آینه: کلمات «آیین»، «آدین» و «آدین»، هر سه در اصل یک کلمه

و از یک ریشه و به یک مفهوم، به معنی «زینت کردن» بوده‌اند. بعدها از این کلمه‌ها، کلمه «آینه» را ساختند، به معنی «آلت زینت» و کلمه «آدینه» را گرفتند، به معنی «روز زینت».

اقتباس: از «قبس» گرفته شده است و قبس یعنی پاره آتش که از آتش بزرگ گرفته شود. اقتباس کردن به معنی: «فرا گرفتن دانش از کسی و گرفتن مطلبی از کتابی» است.

الفبا: (alphabet): فنیقی‌ها علامت هر صوت را شکل یا تصویر شیء یا حیوانی قرار می‌دادند که نامش با آن صوت آغاز می‌شد. حرف اول را «آلف» می‌نامیدند که در زبان فنیقی به معنی «گاو میش» است و حرف دوم را «بت» می‌گفتند که به معنی خانه است. اصطلاح «الفبا» یا الفبا از ترکیب این دو کلمه فنیقی است.

ایرانیست: این کانی به وسیله دو دانشمند فرانسوی در شمال غربی «انارک» کشف شد و این دو دانشمند آن را به پاس مهمان‌نوازی ایرانیان، به این نام خواندند.

بازار: با «آش» + زار (پسوند اسم مکان‌ساز): مکانی در سرگذر که در آن آش و به تدریج چیزهای دیگر می‌فروختند (در پارسی باستان «آباکاری» مرکب از آبا؛ یعنی محل اجتماع و کاری به معنی چریدن بوده است - لغت‌نامه). چنان که می‌دانیم شوربا و جوجه با نیز غذا هستند.

بانک: از زبان ایتالیایی گرفته شده است. در قرون وسطا در ایتالیا صرافانی بودند که در خیابان‌ها روی نیمکت می‌نشستند و با مردم داد و ستد می‌کردند. چون در زبان ایتالیایی به نیمکت «بانکو» می‌گویند، از همین واژه نام «بانک» گرفته شد.

بربط: برخی بربط را مرکب از لفظ فارسی «بر» (سینه) و لفظ عربی «بط»، به معنی اردک و مرغابی پنداشته‌اند که شکل آن شبیه سینه اردک بوده است.

برگستوان: مرکب از «بر» (سینه) و «گست» (پهلوی) و «وان» (پسوند محافظت)، به معنی نگهبان سینه و پهلوی.

بشر: از آن جهت انسان را بشر می‌گویند که دیده و نمایان می‌شود. (لغت‌نامه)

بیدار: مرکب از «بید» (هوش و شعور) و «دار» که کلمه نسبت است و یک دال آن را حذف کرده‌اند. یا از «بید» و لفظ «آر» که پسوند نسبت است (لغت‌نامه).

بیمار: مرکب از «بی» (کلمه نفی) به اضافه «مار»، به معنی صحت و شفا. ۲. مرکب از «بیم» و «آر» کلمه (نسبت) و معنای ترکیبی آن منسوب به بیم و اطلاق آن بر مرض مجاز است، چرا که در معرض بیم مرگ است. ۳. تسمیه به ضد، مرکب از «بی» و «مار» (از میر و مردن)، به معنی بی‌مرگ.





تبدیل از ابتدا ساخته شده است. نام را می‌پاشند و تبدیل یعنی بریز و پاش.

تربیع: برای کتوت چین و شکنج روی آن، بدین اسم معروف بوده است (اعت نامه).

تقسیم: یا انصاف (به معنی کر از یک ریشه است) وقتی کسی تقسیم می‌گیرد، یعنی اراده می‌کند که کاری را انجام دهد، نسبت به حرف دیگران خود را که می‌کند، نه سخنان آن‌ها گوش نمی‌دهد.

جمعه: در زمان جاهلیت، این روز را «عربی» می‌گفتند. پس از ظهور اسلام، روزی عده‌ای از اصحاب جمع شدند و گفتند، بپردازیم و روزی عده‌ای از اصحاب جمع شدند و گفتند، بپردازیم. هم روز عربی و هم روزی را در هفته به عبادت اختصاص داده‌اند. اما آن جمعه «عربی» بعضی وجه سیمیه آن را اخصاص مسلمانیان برین چهار گزاردن در این روز می‌دانند.

خریزه: راجع به خریزه احمد کسروی نوشته است: «در زبان‌های بسیاری برای آن خیار را بزه می‌خوانند. چنان که این واژه را در کتاب فرهنگ پهلویک می‌یابیم و آن است که از میوه معروفه را هم خریزه گفته‌اند که معنی آن خیار بزرگ است.» حالت توجه است که امروز هم مردم ماضی از انسان که گنبد به و بوز احمد به خریزه خیار می‌گویند و به خیار نانگ!

خرومن: از مصدر خردنوس (Khraos) در اوستا به معنی خرد و شیدن، با واژه خروش و خروشیدن در زبان فارسی هم ریشه است. بنابراین خرومن به معنی خرد و شونده است به مناسبت پانگ ردن.

حفاش: در عربی «حفاش» به کسی می‌گویند که چشمش بیش ضعف بینایی دارد و در شب بهتر از روز می‌بیند و حفاش هم همین ویژگی را دارد.

دارکوب: «دار» (درخت) + «کوب» مضارع. وجه تشبیه آن چنان است که دارکوب به مقدار خود به تنه درخت می‌کوبد و حشرات را از زیر پوست آن خارج می‌کند و می‌خورد.

دارو: از کلمه «دار» (دارو) و «داری» (به معنی تنه درخت) است. در گذشته، گل و برگ و ساقه درختان را برای درمان دردهای کمر می‌زدند.

دفر: از کلمه یونانی «Diphthera»، به معنی پوست حیوانی به مناسبت آن که در قدیم روی پوست کتات می‌شده است. کتاب «دفر» نامیده‌اند.

دقیق: باریک، نازک، نکته باریک، در عربی به «آرد» دقیق می‌گویند. دردهای آرد «دقیق» نام دارد.

دلار: انگلیسی «Dollar»، واحد پول آمریکا و کانادا. دلار از

کلمه آلمانی «تالر» مصدر واژه «پوشیم تال» به معنی سنگه نقره‌ای گرفته شده که در ایالت بوهو آلمان در منطقه‌ای به نام تال «پوشیم آتال» ضرب می‌شده است و در قرن هفدهم سنگه که رایج در آلمان به شمار می‌رفت. مهاجران آلمانی که تال‌های نقره را با خود به قاره آمریکا بردند، استفاده از آن را در میان مهاجران دیگر رواج دادند. به تدریج نام این سنگه کلمه صورت «دلار» او بعدها به «دلار» تبدیل شد.

دولت: ثروت و مال. مال و ظرف را بدان سبب «دولت» گویند که دست به دست می‌گردد. (اعت نامه)

دیکنه: از مصدر «Dyken» به معنی تکمیل کردن. به روز فو لاندن یا کلمه «دیکنور» از یک ریشه است. آنچه کسی بگوید و دیگری بدون گو و کاست بگوید و اجرا کند.

زندان: وجه تشبیه زندان آن است که مسجونان است به آنند. زیرا احکام شرعی کتاب زردشت در ذات جرایم، گناهان بود که تم و پیش و مناسبت ناگفته، گناهکار را حبس می‌زدند (اعت نامه).

رستخیز: رستخیز، معنی کتب از «Rast» (مرد) و «خیز» (این حالت) را در رستخیز مردگان.

رحش: است رسته که به اعتبار رنگ سوز و سبزهش به این نام موسوم شده است.

سایه: مؤنث «سایه» به معنی بسیار زنده و فهمیده در بین عرب در زمان جاهلیت، هنگام دشمنان دادن به کسی یا این انگشته او نشاید می‌کردند و از این جهت، آنرا «سایه» خوانده‌اند.

سروششت: آنچه برای شخص مقدس شده است، به این اعتبار که عوام معتقد بودند، مقدرات انسان بر پیشانی (جونی سر) او نوشته شده است.

سه کار کردن: بدکار کردن. ظاهر منشأ اصطلاح این است که در او میل‌های چهار سیندر، اگر یکی از سلسله‌ها را کار می‌کنند، موندن سینه سیندر کار می‌کند و خوب کار نمی‌کند (مترادف پنج کار کردن در مولودهای شش سیندر).

شمشیر: وجه تشبیه آن «شموش» است، یعنی دم شیر یا گاو شیر: چه شمشیر به معنی دم و جان، هر دو آمده است. این صلاح به جان شیر و دم آن هر دو شباهت دارد. (اعت نامه)

شمه: به معنی جمع کردن است. زیرا هنگام تلفظ این حرکت، آه‌ها جمع می‌شوند و در تلفظ کسره (شکنش) آه‌ها به طرف پسین شکنه می‌شوند و هنگام تلفظ فتحه دهان باز می‌شود.

طباطبائی: لقب اسماعیل بن ابراهیم از اولاد حضرت امام حسین (علیه السلام) بوده است که «ف» از «ف» تلفظ می‌کرده است. آورده‌اند که در ایدم خردستانی به روز عید، والدین را گویند و فرموده که چه نوع جمله‌ای تو می‌پا کند؟ او گفت: «طباطبائی»، یعنی «ف»

قبلا. از آن روز اسماعیل به لقب طباطبائی مشهور گشت. این واژه را به معنی «سید السادات» هم گفته اند.

عرفات: جبرئیل امین سب معرفت آدم و حوا (بعد از بیرون راندن از بهشت) و آشنایی آنان در این کوه شد. بدین جهت، آن کوه را کوه عرفات و آن شهر را به مناسبت نزول و مدفن حوا که جده آدمیان است، شهر جده می گویند.

فوس: اسب. فر است به معنی زیرکی و تیزهوشی است و اسب حیوانی با هوش است.

قاضی: قضا به معنی حکم و قطع و فیصله دادن است. قاضی را از این جهت قاضی می گویند که میان طرف های درگیر حکم می کند و به دعوی آن ها فیصله می دهد.

قافله: کاروان. مصدر آن «قول» به معنی بازگشت است و از باب نین و ثقال به خیر، کاروان را «قافله» نامیده اند.

فطور: در عربی به معنی صبحانه و یا افطار هم ریشه است. زیرا از شب تا صبح چیزی خورده نمی شود و صبح در واقع افطار می شود. در انگلیسی هم به صبحانه «Breakfast» (شکستن روزه) می گویند.

کارزار: یکی از معانی اصلی «کار» جنگ است (میدان جنگ) و کاروان به کسانی می گفتند که به جنگ می رفتند.

کشتی: از کشتن گرفته شده و ناقص ششم هجری، یکی از فنون جنگ بوده است. از این تاریخ، به تدریج به صورت ورزش ملی در آمد.

کشکول: معنی ترکیبی آن کشیدن به کول است؛ چه «کش» به معنی کشیدن و «کول» دوش و کتف را گویند.

گل محمدی: پیامبر (ص) فرمود: آن شبنمی که مرا به آسمان بردند (شب معراج)، عرق من بر زمین ریخت و از آن گل سرخ روید. پس هر که بخراهد بوی مرا بشنود باید گل سرخ را بیوید.

مارمولک: از مصدر «مولیدن» به معنی خزیدن است.

مسکین: از آن جهت که از فرط فقر از مسکونی خویش خارج نمی شود.

معجم: نقطه دار. «الغیا» در زبان عربی به صورت کنونی نقطه دار نبوده است. نقطه گذاری کار ایرانیان است و عرب ها از آن ها تقلید کردند و چون حروفی مثل «ب» و «ت» و «ث» با هم تفاوتی نداشته اند، با نقطه از آن ها رفع ابهام شده است. بدین جهت حروف الغیا و نیز ترتیب الغیای را «معجم» گفتند. همچنین، عرب ها که زبان ایرانیان را نمی فهمیدند، به آنان و زبانشان «عجم» (گنگ و نامفهوم) می گفتند.

معرق: از «عرق» به معنی رنگ و هر چیز رنگ دار آمده است. کاشی «معرق»، نوعی کاشی کاری است که در آن رنگ های مختلف را بریده

و کنار هم می گذارند، و گل و بوته و نقش های بدیع به وجود می آورند و چون شبیه شاخه ها در هم پیچیده و رنگ های بدن است، به این اسم معروف شده است.

میزبان: مرکب از «میز» (مهمان) + «بان» (پسوند دارندگی و ائصاف).

نصرانی: منسوب به «ناصره»، شهری در فلسطین است. اعتقاد بر این است که «ناصره» محل تولد حضرت عیسی (علیه السلام) بوده است.

هفت خوان (خان): بعضی وجه تسمیه این کلمه را آن می دانسته اند که رستم و اسفندیار بعد از هر کامیابی، خوانی از اغذیه لذیذ می گسترند. عده ای هم بر این اعتقادند که ترکیبی از هفت + «خان»، به معنی منزل و مرحله است.

هند: در اصل «هنت» بر وزن فعل و مؤنث «هن» بوده است و هن یعنی چیزی اهمیت و چون عرب ها در دوره جاهلیت برای دخترها اهمیتی قائل نبودند، بعضی از آنها نام دخترشان را «هنت»، یعنی موجود بی اهمیت و بی ارزش می گذاشتند.

هندوانه: «هند» + پسوند نسبت، یعنی میوه ای که از هند می آید. یعنی دست راست و قسم. عرب ها هنگام قسم، دست راست خود را بلند می کردند.

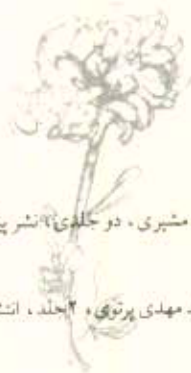
ییلاق: (ترکی) مرکب از «یی» = «یای»، به معنی تابستان و «لاق» که پسوند مکانی است؛ یعنی جایی که در تابستان سکنا گزینند (لغت نامه).

زیر نویس

۱. علاقه مندان به شرح بیشتر می توانند، به محله «آموزش زبان و ادب فارسی» شماره ۵۳ زمستان ۱۳۷۸ صفحه ۴ به بعد مراجعه کنند.
۲. همکاران علاقه مند می توانند، توضیح «نام آواها» را در مقدمه مسوط «فرهنگ نام آوایی فارسی»، تألیف آقای دکتر نفی وحیدیان کامیاب مطالعه کنند.

منابع

۱. لغت نامه دهخدا، دوره چهارده جلدی.
۲. برهان قاطع، به تصحیح دکتر معین.
۳. فرهنگ معین.
۴. فرهنگ فارسی عمید، دوره سه جلدی.
۵. فرهنگ فارسی، الغیبی-قیاس، دکتر مهشید مشیری، دو جلدی، نشر پیکان، چاپ اول ۱۳۷۸.
۶. ریشه های تاریخی امثال و حکم، تألیف محمد مهدی پرتوی، ۴ جلد، انتشارات سنایی.





عدد π



نکته ۲: باید توجه داشت که محیط دایره، خط راست نیست؛ بلکه منحنی است؛ لذا اگر بخواهیم اندازه آن را بر حسب واحد طول - که برای خط مستقیم وضع شده است - محاسبه کنیم، ناچار عمده محاسبه شده، تقریبی خواهد بود. هرچه محاسبات ریاضی تر و دقیق تر باشد، این تقریب به مقدار حقیقی خود نزدیک تر می شود.

محیط بیضی نیز همین طور است؛ به طوری که هنوز فرمول دقیقی برای تعیین آن به دست نیامده و در آنالیز ثابت شده است که قابل محاسبه نیست.

نکته ۳: افرادی در داخل یا خارج از کشور وقت گرانهای خود را ماه‌ها یا سال‌ها صرف کرده و به دنبال حل مسائل سه گانه یونانی، یا به دست آوردن محیط بیضی و یا ارقام دقیق تری برای π بوده‌اند.^۲ وظیفه دیرین محترم دوره راهنمایی است که تا می‌توانند و زمینه ذهنی و درک بچه‌ها اجراء می‌دهند، برای آن‌ها روشن سازند که در آینده هیچ‌گاه دنبال این گونه مسائل نباشند و عمر خود را تلف نکنند. به آن‌ها متذکر شوند که امروزه، محلات خارجی کسانی را که دنبال این گونه کارها می‌روند، بیمار یا تثلیث‌گرا یا غیر طبیعی یا... می‌دانند.

تعریف

وقتی می‌نویسیم

$$3/14 < \pi < 3/15$$

اعداد طرفین نامساوی‌ها را کراهه‌ها می‌خوانیم.

بررسی تاریخی π

بابلیان در فاصله سال‌های ۱۶۰۰-۱۲۰۰ ق. م. بابلیان عدد π را مساوی با سه فرض گرفته و از آن‌جا مطالب زیر را بیان کرده‌اند:

الف: محیط دایره سه برابر قطر آن است.

ب: مساحت دایره $\frac{1}{4}$ محذور محیط آن است.

حرف یونانی π در سال ۱۷۳۷ م توسط چند ریاضیدان انگلیسی به نام‌های ویلیام اوترد، ایساک بارو و دیوید گریگوری برای فرمول محاسبه محیط دایره مورد استفاده قرار گرفت. اولین کسی که این نماد را به صورت ثابت محیط به قطر π به کار برد، ویلیام جونز بود که بعدها از طرف اولر (ریاضیدان شهیر) نیز تأیید و رسماً وارد کتاب‌های ریاضی شد.

ثابت شده که π یک عدد گویا نبوده همچنین ریشه یک معادله جبری نیز نمی‌باشد و یک عدد متعالی است.^۳

سه مسأله معروف عهد باستان در یونان

در آن زمان با استفاده از خطکش و پرگار اقلیدسی، مسائل زیر مطرح بود:

۱. تضعیف مکعب: یعنی ترسیم ضلع مکعبی که حجم آن دو برابر حجم مکعب مفروضی باشد.

۲. تثلیث زاویه: یعنی تقسیم یک زاویه دلخواه به سه قسمت مساوی، با خطکش و پرگار اقلیدسی.

۳. تربیع دایره: یعنی ساختن مربعی که مساحت آن برابر مساحت دایره مفروض باشد یا ترسیم مربع هم‌مساحت با یک دایره.

نکته ۱: مسأله تربیع دایره با محاسبه π پیوند نزدیکی دارد. امروز عدم حل دقیق آن‌ها در کتاب‌های جبر اثبات شده و فقط حل تقریبی آن‌ها با کمک خط کش و پرگار اقلیدسی میسر است.

خط کش و پرگار اقلیدسی

خط کش اقلیدسی، خط کشی است که می‌تواند خط مستقیمی را با طول نامعینی از هر دو نقطه متمایز مفروض رسم کند.

پرگار اقلیدسی پرگاری است که می‌تواند دایره‌ای رسم کند که از هر دو نقطه مفروضی عبور کند به طوری که یکی به عنوان مرکز و دیگری روی دایره باشد.

$$\frac{355}{113} = 3.1415929...$$

در سال ۵۳۰ بعد از میلاد یک ریاضیدان هندی آن را به شرح زیر محاسبه کرد:

$$\frac{62832}{20000} = 3.1416...$$

و در سال ۱۱۵۰ میلادی، ریاضیدان دیگر هندی آن را چنین به دست آورد:

$$\frac{3927}{1250} = \frac{22}{7} = \sqrt{10}$$

در سال ۱۵۷۹ یک ریاضیدان فرانسوی مقدار π را با روش کلاسیک و با استفاده از چندضلعی‌های منظم که ۳۹۳۲۱۶ ضلع داشتند تا ۹ رقم اعشار محاسبه کرد.

در سال ۱۵۹۳ باز هم یک ریاضیدان هندی π را با چندضلعی‌های منظم با ۲۳ ضلع تا ۱۵ رقم اعشار به دست آورد.

۲. روش جبری محاسبه π : در سال ۱۶۵۰ یک ریاضیدان انگلیسی به نام والیس بسط زیر را ارائه داد (به صورت و مخرج خوب توجه کنید):

$$\frac{\pi}{2} = \frac{2 \times 2 \times (4 \times 4) \times (6 \times 6) \times (8 \times 8) \dots}{1 \times 1 \times (3 \times 3) \times (5 \times 5) \times (7 \times 7) \dots}$$

در سال ۱۸۶۷۱ ریاضیدان اسکاتلندی به نام گریگوری سری نامتناهی زیر را ارائه داد که با استفاده از آن، π را حساب کرده بود:

$$\arctan x = x - \frac{x^3}{3} + \frac{x^5}{5} - \dots \quad \text{و} \quad -1 \leq x \leq 1$$

در سال ۱۶۹۹ شارپ با استفاده از سری گریگوری تا ۷۱ رقم اعشار و $x = \sqrt{1/3}$ را به دست آورد.

در سال ۱۷۰۶ جان ماخین تا ۱۰۰ رقم اعشار را با استفاده از سری گریگوری و در رابطه با تساوی زیر حساب کرد:

$$\frac{\pi}{4} = 4 \arctan\left(\frac{1}{5}\right) - \arctan\left(\frac{1}{239}\right)$$

در سال ۱۷۱۹ یک ریاضیدان فرانسوی تا ۱۱۲ رقم اعشاری را حساب کرد.

در سال ۱۸۴۱ ویلیام راترود انگلیسی، π را تا ۲۰۸ رقم اعشار با استفاده از سری گریگوری و در ارتباط با تساوی زیر حساب کرد:

$$\frac{\pi}{4} = 4 \arctan\left(\frac{1}{5}\right) - \arctan\left(\frac{1}{70}\right) + \arctan\left(\frac{1}{99}\right)$$

در سال ۱۸۴۴، زاخارپاس دازه، معروف به محاسب برق آسا عدد π را تا ۲۰۰ رقم اعشار با استفاده از سری گریگوری در ارتباط با تساوی

مصریان: اولین کسانی که سعی داشتند رابطه بین مساحت دایره و مربع را پیدا کنند (توسیم دایره) مصریان بودند. آن‌ها در یافته‌های خود به این نتیجه رسیدند که مساحت هر دایره برابر با مساحت مربعی است که طول ضلع آن $\frac{A}{4}$ طول قطر دایره باشد. بعدها در پاپیروس ریند مقدار π چنین ثبت شد:

$$\pi = \left(\frac{4}{3}\right)^2 = 3.1604$$

روش‌های مختلف محاسبه π

۱. روش هندسی یا کلاسیک محاسبه π : اولین کوشش علمی برای محاسبه π ظاهراً از آن ارشمیدس بوده که در ۲۴۰ ق. م می‌زیسته است. او برای سهولت در محاسبات، دایره‌ای به قطر واحد اختیار کرد و n ضلعی‌های منظم محیطی و محاطی آن را رسم کرد. مثلاً برای $n=6$:



محیط هر دایره، بین n ضلعی‌های منظم محاطی و محیطی آن دایره قرار دارد؛ به طوری که اگر اضلاع آن‌ها به ترتیب a و b باشد، داریم:

$$na < \text{محیط دایره} < nb \quad \text{و برای } n=6: \quad 6a < \text{محیط دایره} < 6b$$

مسئله مهم در این شیوه کلاسیک این بود که ارشمیدس می‌دانست چگونه با داشتن محیط‌های n ضلعی‌های منظم محیطی و محاطی یک دایره محیط‌های $2n$ ضلعی محیطی و محاطی را به دست آورد. با به کار بردن این روش به طور متوالی و شروع از شش ضلعی‌های منظم محیطی و محاطی، او محیط‌های ۱۲، ۲۴، ۴۸، ۹۶ ضلعی را به دست آورد و به این ترتیب کرانه‌های نزدیک‌تر و نزدیک‌تری برای π به دست آورد تا، در نهایت، به نامساوی‌های زیر رسید:

$$\frac{223}{71} < \pi < \frac{224}{71}$$

که با دو رقم اعشار $\pi = 3.14$ به دست آمد.

بعد از ارشمیدس در ۱۵۰ ب. م، بطلمیوس در کتاب «المجسطی»

مقدار دقیقی برای π به دست آورد:

$$\frac{377}{120} = 3.14166...$$

در سال ۴۸۰ بعد از میلاد، یک نفر چینی مقدار π را چنین نوشت:

زیر به دست آورد:

$$\frac{\pi}{4} = \arctan \frac{1}{2} + \arctan \frac{1}{5} + \arctan \frac{1}{8}$$

در سال ۱۸۵۳ راترود مجدداً π را تا ۴۰۰ رقم اعشار حساب کرد.
در سال ۱۸۷۳ ویلیام تنکس از انگلیس π را تا ۷۰۷ رقم محاسبه کرد.
در سال ۱۹۴۸ ریچ جونوز آمریکایی مقدار π را تا ۸۰۸ رقم حساب کرد.

۳. روش رایانه‌ای محاسبه π : در سال ۱۹۴۹، رایانه الکترونیکی "ENIAC" در ایرویس واقع در اسکاتلند π را تا ۲۰۳۷ و در سال ۱۹۵۹ فرانسوا ژنوی در پاریس π را با استفاده از ال‌ئی‌بی، اعداد تا ۱۶۱۶۷ رقم اعشار حساب کرد.

در سال ۱۹۶۱ در واشنگتن، ۱۰۰۲۶۵ رقم اعشار و در ۱۹۶۶ با یک رایانه "STRETCH" تا ۲۵۰۰۰۰ و در سال ۱۹۶۷ با رایانه CDC ۳۰۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰۰ رقم اعشار حساب شد.

ادامه محاسبه با رایانه: اخیراً یک ریاضیدان در این زمینه مطالعاتی

داشته و خود محاسبه π را تا ده هزار رقم انجام داده است.

نکته ۴. امروز برای به دست آوردن اعداد اول با ارقام نجومی از رایانه استفاده می‌شود.

از جمله عدد $2^{67}-1$ با رایانه محاسبه و اول بودن آن ثابت شده است. این عدد ۲۵۹۶۲۰۰ رقم دارد و به نام عدد اول اسلویسکی شهرت دارد. اسلویسکی با رایانه حول یکتر کون-ون از پیش کرد و رایانه پس از یک ساعت و ۳ دقیقه و ۲۲ ثانیه جواب داد که این عدد اول است.

زینویس

۱. تصحیح کننده تقویم مسیحی

* Transcendental number

۳. حیرانگی از همکاران روم در رقم اول اعشار π به صورت ۳٫۱۴۱۵۹... دارد. در سال ۱۹۳۱ نیز یک نفر امریکایی این عدد را بر $\frac{355}{113}$ محاسبه کرد.

یعنی $\pi = ۳٫۱۴$

• عدد π یک عدد گنگ یا اسم است. چنان که می‌دانیم عدد گنگ عددی اعشاری است که دوره‌گردش ندارد و نامی نهایت ادامه می‌یابد. آقای محسن مهرنی دانش آموز دبیرستان زوربه تهران، با استفاده از رایانه عدد π را تا ده هزار رقم اعشار محاسبه کرده است که بخشی از آن را تا ۱۲۲۲ رقم (در زیر) ملاحظه می‌کنید.

3.1415926535897932384626433832795028841971693993751058209749445923078164
062862089986280348253421170679821480865132823066470938446095505722317253
5940812848111745028941027019385211055596446229489549303819644288109756659
334461284756482337867831652712029091456485669234603486104543266482133936
072602491412737245870066063155881748815209209628292540917153643678925903
600113305305488204665213841469519415116094330572703657595919530921861173
819326117931051185480744623799627495673518857527248911279381830119491298
336433624406566430860213949463952247371907021798609437027705392171762931
767523846748184676694051320005681271452635608277857713427577896091736371
7872146844090122495343014654958537105079222796892589235420199561121290219
608640344181598136297747713099605187072113499999983729780499510597317328
160963185950244594553469083026425223082533446850352619311881710100031378
387528865875332083814206171776691473035982534904287554687311595628638823
5378759375195778185778032171226806613019278766111959092164201989380952
5720106548586327886593615338279682303019520353018529689957736225994138
912497217752834791315155748572424541506959508295331168617278558690750983
817546374649393192550604009277016711390098488240128583616035637076601047

جدول

۱	۲	۳		۴		۵	۶	۷	۸
۹			۱۰		۱۱		۱۲		
۱۳			۱۴			۱۵		۱۶	
		۱۷			۱۸		۱۹		
	۲۰			۲۱		۲۲		۲۳	
۲۴			۲۵				۲۶		
	۲۷		۲۸			۲۹			
۳۰		۳۱				۳۲			۳۴
۳۵	۳۶		۳۷		۳۸			۳۹	
۴۰		۴۱		۴۲			۴۳		
۴۴						۴۵			

افقی

۱. ۴۵ افقی منهای سی و سه
۵. ۴۴ افقی بعلاوه ۱۳۱
۹. ۲۶ افقی بعلاوه سی و چهار
۱۰. ۱۴ عمودی منهای نود و چهار
۱۲. تعداد سانتی مترها در شش متر
۱۳. مربع یک عدد
۱۴. ۵ افقی بعلاوه ۵۶۸۸۱
۱۶. پنج برابر ۱۳ افقی
۱۷. تعداد سانتی مترها در سه متر
۱۸. هفت برابر ۳۵ افقی
۲۰. تعداد سانتی مترها در نه متر
۲۲. ۱۸ افقی بعلاوه پانزده
۲۴. تعداد میلی مترها در ۱۲ سانتی متر
۲۵. دو برابر ۱۶ افقی
۲۶. تعداد میلی مترها در ۱۱ سانتی متر
۲۷. سه برابر ۱۵ عمودی
۲۹. ۲۲ افقی بعلاوه ۱۰۸
۳۱. هشت برابر ۳۸ عمودی

۳۳. ۱۲ افقی بعلاوه شش

۳۵. ۲ عمودی تقسیم بر نه

۳۷. ۳۰ عمودی بعلاوه ۹۱۶۹

۳۹. یک عدد اول

۴۰. ۳ عمودی ضرب در یازده

۴۲. ۴۳ عمودی ضرب در شش

۴۳. یک عدد اول

۴۴. تعداد سانتی مترها در ده متر

۴۵. ۳۰ عمودی منهای هفتاد و هفت

عمودی

۱. ۵ افقی منهای سیزده

۲. ۴۳ افقی بعلاوه هفت

۳. مکعب یک عدد

۴. تعداد میلی مترها در ۱۰ سانتی متر

۶. ۳۵ افقی منهای هفتاد و هشت

۷. ۳۶ عمودی منهای نود و دو

۸. ۱ عمودی منهای ۱۱۰

۱۰. سه برابر ۲۵ افقی

۱۱. ۷ عمودی ضرب در دو

۱۴. تعداد سانتی مترها در پنج متر

۱۵. ۳ عمودی ضرب در چهار

۱۷. ۱۴ افقی منهای ۲۷۹۴۳

۱۹. ۱۴ افقی بعلاوه ۲۹۱۷۴

۲۰. ۲۰ افقی بعلاوه بیست و هفت

۲۱. نه برابر ۴۱ عمودی

۲۳. ۹ افقی بعلاوه ۱۶۷

۲۸. ۲۰ عمودی منهای چهل و شش

۲۹. تعداد سانتی مترها در هفت متر

۳۰. ۵ افقی بعلاوه ۸۴۰

۳۲. ۳۹ افقی ضرب در پنج

۳۳. ۱۱ عمودی بعلاوه سی و دو

۳۴. ۵ افقی بعلاوه ۲۶۳

۳۶. تعداد سانتی مترها در چهار متر

۳۸. ۴ عمودی بعلاوه بیست و سه

۳۹. ۲۹ عمودی بعلاوه ۱۳۹

۴۱. ۱۰ عمودی تقسیم بر دوازده

۴۳. ۴۰ افقی تقسیم بر هشت

از کتاب جدول اعداد متقاطع، ترجمه پرویز امینی - امیر صالحی طالقانی، انتشارات مدرسه

۱. امتحانات و اضطراب

همه یا نگرانی و اضطراب جلسه امتحان را کم یا بیش تجربه کرده‌ایم. اضطراب هیجان ناخوشایندی است که با اصطلاحاتی مانند نگرانی، دلشوره، وحشت و ترس بیان می‌شود. هرچند ممکن است که معنای دقیق این اصطلاحات به طور کامل یکسان و مترادف نباشند؛ اما در این بحث با هم مفهوم مرتبطی دارند. ترس مادامی که شدت بیافته است، می‌تواند ارزشمند باشد؛ زیرا یک هشدار و احتیاط در مقابل خطر است. اما حالت خیالی ترس بدون محرک مستقیم محیطی که گاهی از آن به نگرانی یاد می‌شود، در صورت شدت یافتن، حالت اضطراب پیدا می‌کند. این حالت عبارت است از: «ناآرامی درون‌گرا ذهنی درباره پیش‌بینی یک تهدید یا ناخوشی در آینده».

اضطراب ایام امتحان از همین گونه است. به نظر می‌رسد که ترس یا نگرانی از عدم موفقیت در امتحان در مورد نوجوانان و بزرگ‌ترها، کفایت فرد مورد تأیید را مورد تردید قرار می‌دهد و نیازهای عزت نفس تأمین نمی‌کند. در مورد نوآموزان و کودکان، نمره‌های پایین امتحان و یا عتاب و خطاب‌های معلم و والدین احساس امنیت و دوری از خطر را مورد تهدید نیز قرار می‌دهد و نیازهای ایمنی برآورده نمی‌شود. در هر دو مورد، نمره‌های پایین و برچسب‌های ناشی از آن احساس تعلق و پذیرفته شدن از سوی دیگران را مورد تهدید قرار می‌دهد؛ طوری که فرد احساس طرد شدن می‌کند و نیازهای تعلق و محبت وی ارضاء نمی‌شود. نیازهای ایمنی پس از نیازهای فیزیولوژیکی، پایین‌ترین سطح نیازها در سلسله مراتب نیازهای

کاوشرگی و توجه به نظم، زیبایی و شکوفایی استعدادها، نمی‌تواند به صورت عوامل تعیین‌کننده در عمل درآیند.

۲. پروژه آزمون گروهی

درست به همین دلایل است که در روش‌های انسان‌گرایانه (دانش‌آموز محور) که به جای نقش منفعل دانش‌آموزان، به مشارکت دانش‌آموزان در جریان ارزشیابی تأکید می‌شود، ارزشیابی به عنوان جزء جدایی‌ناپذیر آموزش و همراه با آن، حتی در شکل پایانی خود، گامی برای دستیابی همه دانش‌آموزان به موفقیت است. برای آن‌که این هدف از حالت یک شعار خارج شود و راهکار عملی پیدا کند، تجربه‌های فراوانی وجود دارد. در ادامه، نمونه‌ای از این تجربه‌ها شرح داده می‌شود که با هدف مشارکت دانش‌آموزان، تأکید بر موفقیت عمومی و کار گروهی طراحی شده‌اند. به نظر نمی‌آید که این روش‌ها گام مؤثری برای کاهش اضطراب باشند. به هر حال، جلسه امتحان به‌مندی برای تلاش جمعی و عینی تبدیل می‌شود. هیجان ناخوشایند رقابت چند دانش‌آموز بالای کلاس برای کسری از نمره که گاه هیچ معنای درستی نیز برای آن قابل تصور نیست، به هیجان خوشایند و عمومی گروه‌هایی که اینک این دانش‌آموزان عضو آن‌ها هستند، بدل می‌شود و صحنه تلاش همگانی و پرشوری ایجاد می‌شود. دانش‌آموزان فراموش شده نیز فرصت می‌یابند تا توانایی‌های خود را به نمایش بگذارند و نمایش توانمندی‌ها، اعتماد به نفس را در آن‌ها تقویت می‌کند. نویسنده شاهد بوده است که در



علاء نوری

پروژه آزمون گروهی

جلسه‌های «پروژه آزمون گروهی» چگونه گذر زمان در تریبی شوق و نشاط دانش‌آموزان غرق شده و برای هیچ‌یک از آنان خسته نبوده است، حال آن‌که درگذر پربشتاب شبیه‌ها در آزمون‌های نافرجامیت پاسخ محدود، برای همه آزمون‌دهندگان، نوبزه آن‌هایی که پیش از آن هستند هستند، همیشه دلپره‌آور و نگران‌کننده است؛ در آزمون‌های نافرجامیت آزاد نیز که نگرانی پایان وقت در آن چندان جدی نیست، حسرتی آزادنده است. «پروژه آزمون گروهی» که در این جابه‌عنوان یک آزمون

مازلو تصور می‌شوند. نیازهای درجه‌های پایین باید دست کم تا حدودی ارضاء شوند تا نیازهایی که در مراتب بالا قرار دارند، به صورت منابع مهم انگیزش درآیند.

بدیهی است، فراگیری که به طور مکرر در موقعیت‌های نگران‌کننده قرار نمی‌گیرند و ناکامی در برآورده شدن ساده‌ترین نیازها را تجربه می‌کنند، نمی‌توانند شخصیت‌های متکاملی پیدا کنند و نیازهای سطوح بالاتر آن‌ها همچون نیازهای شناختی، دانستن، فهمیدن،



پایانی پیشنهاد می شود، در مرحله های مختلف خود با تشکیل «گروه های تخصصی و یادگیری از طریق همیاری» فرصت های جمع آوری اطلاعات و سازماندهی یادگیری مرور آموخته های یک نوبت (ترم) تحصیلی را تدارک می بیند و اجازه می دهد تا دانش آموزان، سلیقه خود را برای برقراری ارتباط مؤثر به منظور بیان اهداف، مفاهیم و تعمیم های آموزشی به کار گیرند.

برخی از معلمان، چنین امتحان هایی را غیر واقعی یا غیر قابل اجرا تصور می کردند؛ اما با مشاهده عینی چنین آزمون هایی که در هنگام انجام آن، تمام افراد گروه کوشا بوده و یافته ها و نتایج را با هم جمع آوری و مرور کرده اند، باور کرده اند که می توان به روش های دیگری نیز ارزشیابی کرد. شما هم تجربه کنید تا ببینید که چگونه حتی در آزمون پایانی، دانش آموزان می آموزند و همزمان با آن، ارزشیابی می شوند و لذت می برند.

۳. مراحل کار در «پروژه آزمون گروهی»

پروژه آزمون گروهی به شرایط و امکانات موجود بستگی دارد و می تواند مراحل مختلف داشته باشد. جمع آوری اطلاعات علمی از کتاب درسی و چند مقاله، یا کتاب های دیگر، مشاهده چند فیلم علمی، انجام یک آزمایش و در نهایت ارزشیابی کار توسط خود دانش آموزان، از مراحل اصلی است که می توان در یک پروژه آزمون گروهی پیش بینی کرد. این پروژه، فعالیتی هیجان انگیز در مسیر پژوهش های علمی، دانشمندان به برخورد کردن و هنرمندان حاصل اندیشه ها را ارائه دادن به شمار می آیند.

در هر آزمون از این پروژه، دو مرحله اصلی جمع آوری اطلاعات و ارائه آن ها در شیوه ای مناسب و قابل توجه وجود دارد.

۱.۳. فعالیت های جمع آوری اطلاعات در پروژه آزمون گروهی

۱.۱.۳. فعالیت های دانش آموزان

با توجه به تجارب قبلی دانش آموزان در این زمینه ها و سطح توانایی های آن ها، مراحل زیر برای جمع آوری اطلاعات پیشنهاد می شود. با افزایش شمارگان هر مرحله، سطح آن نیز دشوارتر و نیازمند توانایی های بیشتر است:

۱. هریک از دانش آموزان عضو یک گروه قسمتی از کتاب درسی را می خواند و در ارتباط با آن، چند عکس، نقاشی و یا آزمایش ساده از چند منبع معین شده توسط معلم انتخاب می کند. آن ها در روز آزمون در کنار هم اطلاعات جمع آوری شده را سازمان می دهند.

۲. هریک از دانش آموزان عضو یک گروه، بخش تعیین شده از

کتاب درسی را به طور کامل مطالعه می کند. از مجموعه کتاب های مربوط به آن بخش که توسط معلم یا کتابخانه مدرسه و یا خود دانش آموزان تهیه شده است نیز قبلاً یک کتاب انتخاب و موارد مناسب موضوع پروژه از آن برگزیده می شود و در روز آزمون با کمک دیگر اعضا، گزارشی از اطلاعات فراهم آمده تهیه می کنند.

۳. موضوع پروژه تعیین می شود. دانش آموزان بدون راهنمایی معلم به منابع اطلاعاتی مختلف (کتاب، مجلات، اینترنت و...) مراجعه

و اطلاعات لازم را جمع آوری می کنند. سپس در روز آزمون با کمک دیگر اعضا، گزارشی جذاب از اطلاعات فراهم آمده تهیه می کنند.

۲.۱.۳. فعالیت های معلم

در کنار فعالیت های دانش آموزان، معلم نیز می تواند شرایط و امکاناتی را برای جمع آوری اطلاعات لازم توسط دانش آموزان فراهم کند. این فعالیت ها مواردی جز معرفی کتاب یا مقاله را شامل می شود:

۱. تهیه چند فیلم مرتبط با موضوع پروژه که اطلاعات تکمیلی برای تعمیق و تعریف مفاهیم کتاب درسی در اختیار دانش آموزان قرار می دهد.
۲. تهیه وسایل یک آزمایش ساده (آزمون عملکردی) که آموزش مفهومی تازه یا تعریف مفهومی موخته شده قبلی را در ارتباط با موضوع پروژه در جلسه آزمون فراهم می کند.

۳. تهیه چند نمایشنامه کوتاه (گفت و گوهای چند دانش آموز) و مباحثه علمی که پیش از روز آزمون در اختیار گروه های متحسی از دانش آموزان قرار داده شده است و با نظارت معلم، نمایش های مقدمه ای صورت گرفته است و بخشی از اطلاعات لازم مربوط به موضوع پروژه را ارائه می دهد.

۲.۱.۴. سازماندهی و ارائه اطلاعات جمع آوری شده

مهم ترین فعالیتی که دانش آموزان در روز آزمون گروهی انجام می دهند، ارائه پروژه در قالبی است که تواند جذابیت لازم را داشته باشد و در عین حال، سازماندهی خوبی از آموخته های مربوط به موضوع پروژه، یعنی اهداف آموزشی کلاس درس ارائه دهد. دانش آموزان لازم است آموزش های لازم را در ارتباط با استفاده از جدول و نمودار، چارت، دسته بندی موضوعات، استفاده از شکل و تصویر برای بیان اطلاعات، صفحه بندی و... دیده و یا در جریان کار مدرسه یا این مورد آشنا شده باشند.

۴. برنامه ریزی برای پروژه آزمون گروهی

برای برنامه ریزی چنین آزمونی، لازم است قبل و بعد از انجام پروژه و در هنگام اجرای آن، همه فعالیت ها و وسایل لازم اندیشیده شده باشند نتیجه در براساس اهداف تعیین شده به دست آید.

۱.۴. فعالیت های قبل از انجام پروژه

۱.۱.۴. توجیه دست اندرکاران مدرسه

معلم درس مورد نظر یا مسئولان مدرسه درباره پروژه صحبت کند. برای مثال، از کتابدار مدرسه بخواهد که بچه ها را درباره موضوع پروژه راهنمایی کند، منابع لازم را در اختیار آن ها بگذارد و یا براساس فهرست تهیه شده برای خرید کتاب اقدام کند. مدیر مدرسه موافقت لازم را اعلام

کند و معلم های دیگر کلاس یا فرزند کلاس خود را اختیار معلم درس مورد نظر و همراهی با وی در روز پروژه موافقت کنند.

۲.۱.۴. توجیه دانش آموزان

دانش آموزان که به امتحانات سنتی عادت کرده اند، لازم است نسبت به برنامه پروژه توجیه شوند. با تبلیغات مناسب آگاهی لازم را درباره موضوع پروژه کسب کنند. علاقه مندی به فعالیت در این مسیر در آن ها ایجاد شود. از آن جا که پروژه آزمون گروهی ممکن است چند ساعت به طول انجامد، آگاهی دانش آموزان از این که زمان زیادی صرف آزمون کسی به روش متداول نخواهد شد، و فعالیت های مسوومی را انجام خواهند داد ضروری است.

۳.۱.۴. برنامه ریزی منظم و تدارک وسایل لازم

پروژه آزمون گروهی، یک آزمون معمولی نیست. معده امکانات لازم (کاغذهای مناسب برای ارائه اطلاعات در چند رنگ مختلف) تصویرهایی متناسب با موضوع پروژه جهت استفاده دانش آموزان، صفحه یا مقایسه ای برای ارائه پروژه و... را به تعداد گروه ها فراهم می کند. در یک بابون به همراه برنامه پروژه در روز آزمون در اختیار دانش آموزان قرار می دهد. می توان تهیه بخشی از امکانات ارائه دانش آموزان و نگهدار کرد، چسب، فیچر، ملاتر بگی، لوازم التحریر و دیگر وسایل مورد نیاز دانش آموزان که در روز پروژه نیاز است. بچه ها در روز مورد نظر به هم راه خواهند آورد و فهرست آن ها از قبل توسط معلم به اطلاع آن ها می رسد.

۴.۱.۴. معرفی منابع و یا تهیه آن ها

اگر دانش آموزان برای جمع آوری اطلاعات به منابعی که معلم معرفی کرده است مراجعه کنند، لازم است معلم در برنامه زمانی خود فرصت کافی برای مطالعه منابع را در اختیار دانش آموزان قرار دهد و آن ها را در این مسیر شریک کند. همچنین برنامه های نمایشی دانش آموزان بیاورد. فرصت کافی برای تمرین و آماده سازی و تدارک وسایل مورد نیاز است. اگر در روز آزمون پروژه لازم باشد فیلم هایی به دانش آموزان نشان داده شود. این فیلم ها باید از قبل تهیه و انتخاب شوند و ایجاد امکانات نمایش آن برای روز پروژه، جزء فعالیت های معلم پیش از انجام پروژه است.

۲.۴. فعالیت های هنگام انجام پروژه

پروژه آزمون گروهی، یک آزمون معمولی نیست. اگر قرار باشد، پس از پایان و شایط تربیت دهنده و حضوری علمی دانش آموزان، با اهداف

۵.۱. مرحله اول، مرور اهداف

با شناخت و بررسی دقیق اهداف کتاب درسی در بخش ۱ علوم تجربی اول راهنمایی، سؤال‌هایی که نمونه معرفی اهداف آموزشی باشند، تهیه شد. مجموع سؤال‌ها در سه برگ جداگانه (سه رنگ مشخص) تکثیر شد. هر برگ سؤال برای یک عضو گروه در نظر گرفته شده بود. برگ اول، سؤال‌های سطوح پایین اهداف یادگیری، برگ دوم، سطوح بالاتر و برگ سوم، بالاترین سطح اهداف آموزشی را در برداشت. تعداد و نوع سؤال‌های هر برگ، چنین بود:

- برگ اول، شامل سؤال‌های پرسش و پاسخ و سؤال تکمیل‌کردنی

- برگ دوم، شامل پرسش چهارگزینه‌ای؛

- برگ سوم، شامل پرسش‌های کوتاه پاسخ و گسترده پاسخ؛

اعضای هر گروه پس از مطالعه سؤال‌های مربوط به خود، در گروه تخصصی (با اعضای مشابه خود از دیگر گروه‌ها) شرکت می‌کنند و پس از مشورت با هم، به کتاب درسی مراجعه می‌کنند و در صورت نیاز به معلم (در حد راهنمایی و نه پاسخگویی به سؤال‌ها) تلاش می‌کنند پاسخ را دریابند و اهداف آموخته شده بخش ۱ را مرور کنند. اعضای هر گروه در بازگشت به گروه اولیه خود، با درمیان گذاشتن اهم سؤال‌ها، مهم‌ترین هدف‌های آموزشی را در گروه تکرار کرده‌اند. در

هزینه‌ها و امکانات و برنامه اجرایی آن یک جلسه سخنرانی یکسان است؟
پروژه آزمون گروهی تجلی مهارت‌ها و کاربرد دانستگی‌های دانش‌آموزان در جریان ارتباطی مؤثر و پویاست. جشنواره تولید نوشتاری علمی، حاصل تجربه‌های علمی دانش‌آموزان، مطالعه ایشان و مشاهده هوشمندانه است. در جریان انجام پروژه، اگر وسایل و امکانات لازم از پیش تهیه شده باشد، وظیفه معلم، رعایت زمان و برنامه پیش‌بینی شده پروژه و هدایت دانش‌آموزان در جهت انجام بهینه آن است.

۳.۴. فعالیت‌های پس از انجام پروژه

دانش‌آموزان دوست دارند نتایج کار خود را مشاهده کنند. پس چه خوب است که بتوان نتایج کار آن‌ها را در نمایشگاهی در معرض قضاوت و دید همگان قرار داد. در صورت امکان، از اولیای آن‌ها برای بازدید دعوت به عمل آورد. همچنین نکات اساسی برای پیشرفت کار دانش‌آموزان را به آن‌ها یادآور شد و از جنبه‌های مثبت تلاش جمعی آن‌ها تقدیر و تشکر به عمل آورد.

۵. نمونه‌ای از پروژه آزمون گروهی

نمونه‌ای که در ادامه ذکر می‌شود، پروژه آزمون گروهی است که برای بخش اول کتاب علوم تجربی اول راهنمایی طراحی و اجرا شده است. این پروژه، شامل سه مرحله «مرور»، «جمع‌آوری اطلاعات» و «سازماندهی و ارائه اطلاعات» بوده است. دانش‌آموزان شرکت‌کننده در گروه‌های سه نفره در مدتی که این بخش تدریس شده است، با هم بوده‌اند.



و... باشند. خلاصه سازماندهی شده، گزارش گروه‌ها در ارتباط با تأثیر گرما (انسباط و تغییر حالت) بوده است. در پایان این مرحله می‌توان دانش آموزان را در ارزشیابی کارها نیز سهیم کرد. کافی است یک برگ از ارزیابی را که حاوی فهرستی از انتظارات و شاخص‌های گزارش کامل باشد، در اختیار هر گروه قرار داد. گروه‌ها برگه گزارش خود را به طور اتفاقی باهم عوض می‌کنند و با پر کردن برگ ارزیابی، نظر خود را درباره گزارش گروه همکلاسان خود اعلام می‌دارند. بدیهی است که معلم کلاس قضاوت نهایی را برعهده خواهد داشت. این تلاش جمعی و هدفمند، دانش آموزان را آماده می‌سازد تا در صورت لزوم، آزمون کتبی پایانی را نیز با موفقیت به انجام رسانند؛ زیرا سؤال‌های کار شده در قسمت مرور، معرفی اهداف آموزشی است و آزمون پایانی نیز بی‌شک نمی‌تواند جز این باشد!

مزایا و معایب

در ابتدای این مقاله، مزایای پروژه آزمون گروهی در برابر آزمون‌های سنتی ذکر شد. مهم‌ترین مسأله‌ای که می‌تواند مانع از اجرای چنین روش‌هایی توسط معلمان شود وقت‌گیر بودن آن است. همچنین تدارک امکانات و وسایل لازم ممکن است در همه شرایط مقدور نباشد.

برای دستیابی به راه‌حل‌های مناسب جهت این مسائل، توجه به تأثیر روانی و عاطفی این گونه آزمون‌ها بر دانش آموزان و این که صحنه آزمون به همایش شکوهمند آموزشی بدل می‌شود، حائز اهمیت است. این دو نکته از یک سو باعث می‌شود که تمهید شرایط خاص آزمون ضروری جلوه کند و از سوی دیگر، جنبه آموزشی پیدا کردن آزمون، مسأله زمان را جبران می‌کند.

آنچه مهم است، تلاش در مسیر طراحی و اجرای چنین آزمون‌هایی است. با هر مقدار از امکانات، اگر چند گام کوتاه از این پروژه را بردارید و یا قسمتی از یک مرحله کوچک آن را انجام دهید، جالب و هیجان‌انگیز است. پس دست به کار شوید.

زیر نویس

۱. ابراهام مازلو (Abraham Maslow): یکی از متفکران نو سده روان‌شناسی انسان‌گراست که راه‌نویسی برای طبقه‌بندی انگیزه‌های آدمی عرضه کرد. وی نیازها را از سطح بسیار ساده و اساسی (زیستی/فیزیولوژیکی) تا سطح بالای خودشکوفایی (معنایی) تقسیم کرده است.
۲. جهت اطلاع بیشتر، مراجعه کنید به: «انگیزش» دیبال و دیگران، زمینه روان‌شناسی، جلد دوم، ترجمه محمدنقی براهنی و دیگران، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۶۹.

صورت‌نامه‌گن بودن سطح اعضای گروه‌ها معلم می‌تواند عضو یک دو و سه را خود تعیین کند تا به هر یک از دانش آموزان سؤال‌های مناسب سطح پیشرفت تحصیلی وی داده شود.

۲.۵. مرحله دوم: جمع‌آوری اطلاعات

۱.۲.۵. چند آزمایش ساده

اگر هر گروه از دانش آموزان دو لیوان یا دو استکان، یک فاشق، آب گرم، آب سرد و دو جبه‌فند در اختیار داشته باشند، می‌تواند عوامل مؤثر بر سرعت حل شدن (گرما، هم‌زدن و خورد کردن) را دریابد. این آزمایش در چارچوب یک آزمون عملکردی اجرامی شود بدیهی است که برگه کار را معلم از پیش آماده کرده است و در اختیار گروه‌های دانش‌آموزی قرار می‌دهد.

۲.۲.۵. مشاهده فیلم

فیلم‌های کوتاه و درخور فهم دانش آموزان نمایش داده می‌شود. بعد از هر فیلم فرصت کوتاهی برای بحث گروهی در ارتباط با فیلم تدارک دیده می‌شود.

در نمونه انجام شده، ۵ فیلم کوتاه که از شبکه دو سیما جمهوری اسلامی ایران ضبط شده بود، انتخاب و نمایش داده شد. فیلم‌ها کارتون‌ها با عنوان «با فتم!» بودند که به بررسی موضوعات مهم فیزیکی می‌پرداختند. در جلسه مذکور، از این سری فیلم‌ها «انسباط و انقباض»، «دما و گرما»، «اندازه‌گیری دما»، «تبخیر و تراکم» و یک فیلم منتخب دیگر درباره «کار دما» نمایش داده شد. در جریان آزمایش و مشاهده فیلم، دانش آموزان اطلاعات لازم را برای کار پایانی خود جمع می‌کنند؛ در صورتی که تدارک لازم از قبل دیده شده باشد. کتاب‌های متفرقه هم که مورد مطالعه دانش آموزان قرار گرفته است، می‌تواند بخشی از اطلاعات جمع‌آوری شده باشد.

۳.۵. مرحله سوم سازماندهی و ارائه اطلاعات

با انجام مراحل قبل، بخصوص مرحله دوم، اینک از دانش آموزان خواسته می‌شود که اطلاعات جمع‌آوری شده را در چارچوب یک روزنامه دیواری یا مجله کوچک ارائه دهند. تقسیم کار و مسئولیت‌ها در گروه برای این مرحله بسیار مهم است؛ زیرا گروه باید در زمان محدودی (حد اکثر ۹۰ دقیقه) نتیجه کار خود را ارائه دهد. معلم می‌تواند چند تصویر یا چند عنوان که با خط خوش نوشته شده است، در اختیار گروه‌ها قرار دهد. لازم است تأکید شود که گزارش‌ها باید منظم و دقیق و حاوی شکل، جدول، چارت، دسته‌بندی‌های منطقی



این نخستین ویژه‌نامه‌ای است که دربارهٔ هنر به شما همکاران ارجمند بویژه دبیران محترم هنر تقدیم می‌شود. امیدواریم مورد توجه و استفاده‌تان قرار گیرد و گامی باشد از سوی ما در جهت خدمت بیشتر به آموزش هنر در مدارس. و اما از آنجا که هنر به تعبیری «جان‌مایهٔ حیات معنوی بشر» و پیونددهندهٔ او با دنیای زیبایی‌هاست، بیش از آن که به مطالعهٔ مطالب داخل این بخش بپردازید قطعه‌ای* بخوانید از «جبران خلیل جبران» نویسنده بزرگ لبنانی و نویسنده کتاب جهانی‌شدهٔ «پیامبر».

زیبایی آن چیزی است که روح تو را به اعجاب وامی‌دارد و آن که دوستدار بخشیدن است و نه گرفتن.

زیبایی شکوهی است آمیخته با اندوه و سرور، آن نادیدنی است که دیده می‌شود و آن مهمی است که مفهوم می‌گردد و آن خاموشی است که اکنون به ترمّ درمی‌آید.

آیا از آراء متشکّلت بشری خاطررت رنجیده‌است؟ آیا در وادی باورهای متعارض کم‌گشته‌ای؟ آیا تو نیز چنان می‌اندیشی که آزادی در عرصه‌های تو خوشایندتر از تسلیم است؟

اگر چنین است، پس زیبایی را آیین خود قرار ده و پیشانی خضوع بر آستان آن بسای. زیرا او کامل‌ترین صنع آشکار و هویدای خداوندی است.

به دور افکن آنان را که پارسایی را به سخره گرفته‌اند و از آن عار دارند و خود را به کبر و آز‌گره زده‌اند. ایمان بیاور به زیبایی عرشی، که آغاز فصلِ قدسی ستایش‌زندگی است و کام‌تشتهٔ تو را چشمهٔ گوارای سعادت!

تنها روح توست که زیبایی را می‌فهمد، با آن زندگی می‌کند و با آن به بلوغ می‌رسد. زیبایی چنان لطیف است که از چنگ واژگان می‌گریزد و اسیر کلام نمی‌گردد.

زیبایی تلاقی دو امر است: نگاه و شیء. و زیبایی حقیقی پرتوی است که از کانون نورانی روح ساطع گشته و تن را روشن می‌کند. همان‌گونه که حیات از اعمال خاک سربرمی‌کشد و به گل، رنگ و بو می‌دهد.

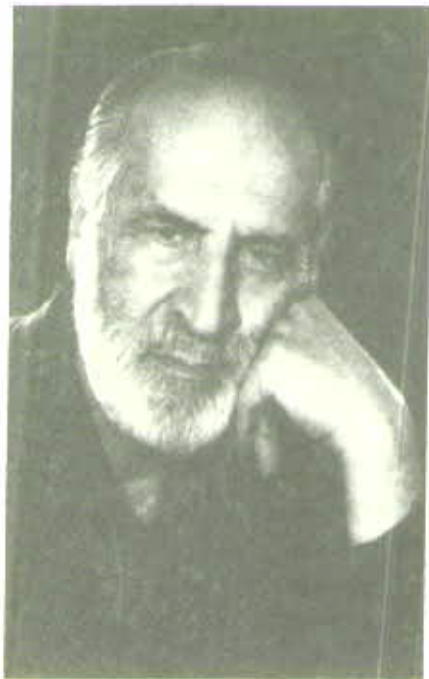
زیبایی صورت نیست، فروغی است در دل.

* ترجمه مریم رضازاده

ویژه‌نامه آموزش

هنر





گفت و گو با استاد اکبر صوتی

اشاره

استاد اکبر صوتی هنرمندی است که در زمان ما هنر مشبک را به تعالی رسانیده است. وی با آفرینش های هنری خود که ماده اولیه ای جز خوب ندارد. چشم هر بیننده ای را خیره می کند و بر حیرت او می افزاید. همین خیره کنندگی و حیرت آفرینی بوده که حاتم دکتر زهرا رسوورد را سرشوق آورده تا نگارش متن کتاب مشبک، استاد را به عهده بگیرد و در مقدمه متن نویسد. هنگامی که توفیق آن را یافته ام که اصل آثار یا تصاویر مشبک هنرمند بزرگ سنتی حیات آقای اکبر صوتی را مشاهده نمایم بجز خود فرض نمودم که بر این آثار بر مبنای فضوئی نگارم و در حد توان راز و رمزهای این هنر سرگ را برملا نمایم.

استاد صوتی که اکنون هشتمین دهه عمر پربرکت خویش را سپری می کند و دبیر مارشلسنه آموزش و پرورش است. با سنوری زاید الوصف و با روحیه ای سرشار از حکمت و معلومت به تولید آثار هنری و نیز نغمه اش هنر به دیگران مشغول است. در کار این استاد مضامین مذهبی و اسلامی نقش اصلی را دارند. سابقه آثار وی از نظر فرم و قالب، منگی بر یک پارچه بودن کار با حداقل اتصال اضلاع بر سطح جوت است و از نظر محتوا اشغال دادن مضامین دینی و ملی و عرفانی ایرانی است. در نهایت باید گفت جوهره وجودی آثار استاد صوتی مملو از پیام های انسانی است. نازگویی این پیام، ندین شیوه کاری پیچیده از روی بی بهایی آن مستطار مشکل است.

دیدار با استاد صوتی، به درخواست ما و بدبیش صمیمانه و بدون تکلف ایشان در یک روز بهاری مغاورن تا هفته مبارک و خدات در منزل استاد رخ داد. استاد، در بند و ورود، ما را به تماشای تابلوهای نقیص خود که بر دیوارهای اتاق نصب شده بود دعوت کرد و راجع به هر یک، توضیح داد که بویژه توضیحات ایشان درباره تابلوی علی ولی الله بسیار عبرت آموز بود. نکته به کارگاه ایشان رفتیم و استاد صوتی از زور و روزگار خود، از آغاز زندگی خویش در کرمان تا امروز که در تهران روزگار می گذراند و نگاه ها را به هنر از حتمت خدایت حلیف کرده است. برایمان سخنرانی گفت. سخنرانی گفت و گوی ما را با ایشان می خوانند.

ش

■ استاد صوتی، با مباس از این که پذیرفتید در این گفت‌وگو شرکت کنید. لطفاً از چگونگی ورودتان به کار هنر مشبک برای ما توضیح دهید.

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام او که زیباست و زیبایی را خلق کرد و در نهاد انسان‌ها زیبایی را قرار داد تا زیباپسند باشند. ولادت با سعادت پیامبر اکرم را به شما تبریک می‌گویم و امیدوارم که همه ما رهر و آن بزرگوار باشیم. اجازه دهید سخن خود را با شعر سعدی شروع کنیم:

ماه فرو ماند از جمال محمد

سرو نباشد به اعتدال محمد

قدر فلک را کمال و منزلتی نیست

در نظر قدر با کمال محمد

وعده هر دیدار هر کسی به قیامت

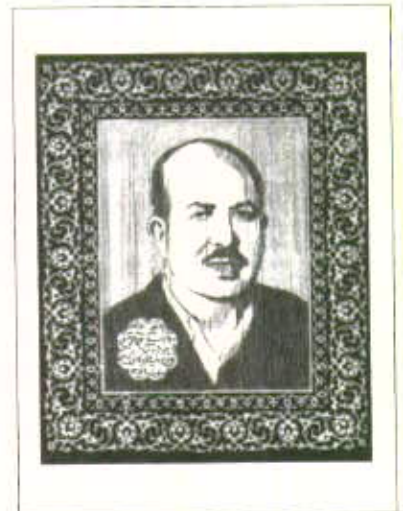
پیش دو ابروی چون هلال محمد
چشم مرا نا به خواب دید جمالش
خواب نمی‌گیرد از خیال محمد
سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی
عشق محمد بس است و آل محمد

من اکبر صوتی هستم، متولد ۱۳۰۸ در کرمان. در گذشته منوال بر این بود که تابستان‌ها تمام شاگردان دنبال شغل و حرفه‌ای بودند. دخترها دنبال خیاطی، گلدوزی (در کرمان پته‌دوزی) و سایر حرفه‌ها. پسران هم تابستان‌ها می‌رفتند دنبال شغل و حرفه‌ای و بعد از شش کلاس همان حرفه را دنبال می‌کردند و متخصص می‌شدند و آن را پیشه خود قرار می‌دادند. در نتیجه، مثلاً معمارها کسانی بودند که در گذشته پیش بنا شاگردی کرده بودند. متأسفانه این زوال امروزه بر افتاده

معلمم، چون ریاضی من خوب بود، یک کمان‌اره به من جایزه داد و چون طراحی می‌دانستم خودم شروع کردم به کار و کاری را انجام دادم که هنوز هم آن را دارم و آن مشبک عمر خیام است. به این ترتیب بود که وارد هنر مشبک شدم.

■ استاد! لطفاً بفرمایید که اصولاً هنر چوب چه هنری است و چه امکاناتی در این هنر وجود دارد که می‌تواند مورد استفاده واقع شود.

□ در مورد هنر چوب یا مشبک باید بگویم که هنر چوب چهار نوع است. نوع اول منبت است که با چکش و اسکنه روی چوب کنده‌کاری می‌کنند مثل مبل و صندلی و تخت خواب و... نوع دیگر هم خاتم کاری است. این دو نوع به کمان‌اره کاری ندارد. اما دو نوع دیگر هست که ابزار آن اره و کمان است. یکی معرق



است و دیگری مشبک. معرق، یعنی سواصوا؛ در ایران تقریباً همه استادان معرق کار می‌کنند. ولی من چون نزد هیچ استادی کار نکرده بودم و از خودم شروع کردم مشبک را بیشتر پسندیدم و کار کردم. مشبک یعنی یک پارچه، یعنی کار با چوب به طوری که

است. به هر حال، من هم پهلوی دایی خودم مرحوم علی صوتی که استاد و طراح نقشه قالی، گچ‌بری، کاشی کاری و... بود می‌رفتم. بعد از این که ششم ابتدایی را گرفتم دو سال مداوم نزد او کار کردم تا تقریباً طراح نقشه قالی و گچ‌بری و اینها شدم. کلاس پنجم دبستان بودم که،

لیله اسیری شب وصال محمد
همچو زمین خواهد آسمان که بیفتند
تا بدهد بوسه بر نعال محمد
شمس و قمر بر زمین حشر نتابد
نور نتابد مگر جمال محمد
شاید اگر آفتاب و ماه نتابد



است. من آدم فوق العاده‌ای نیستم بلکه فقط پیگیر کارها هستم. این را هم به عنوان یک معلم پیر به همکاران خودم عرض می‌کنم که: مطالعه زیاد کنید. هر گندی که بخوابید دیدی جدیدی بر روی شما باز می‌شود. متأسفانه ما ایرانی‌ها به مطالعه اهمیت نمی‌دهیم. منوم این‌که ورزش را فراموش نکنید و اگر عادت کنید که دائم الیوضو باشید آن وقت احساس می‌کنید که نورانی‌تری در وجود شما هست.

■ **آیا پدر و مادرتان هم هنرمند بودند؟**

۱- بله. پدر من در کرمان قالی بافی داشت یک بار کارگاه او آتش می‌گیرد و سرمایه‌اش از دستش می‌رود. مادری که توری بافی می‌دانست و این زاده‌ی مدرسه یاد گرفته بود، با این‌که دو سال پیشتر هم به مدرسه برفته بود به کمک من آن را توسعه داد و توانست سه تا از برادرهایم را که ساکنون دوتای آنها در خارج و یکی در ایران اندک به درجات عالی تحصیل برساند.

■ **منظورتان از توری بافی چه نوع توری است؟**

۲- توری‌هایی که در حاشیه لباس یا پرده یا رختخواب و غیره برای تزئین به کار می‌برند اتفاقاً آن زمان مشتری زیاد داشت و یادم است یکی از مقامات بلندپایه آن زمان وقتی به کرمان آمد، یک دست کامل از توری‌های مدرم را خرید تا از آن برای جهیزه دخترش استفاده کند.

■ **بخش نوشته‌های کتاب امشبیک، شما کار خاتم دکتر زهرا رهنورد است. ممکن است در این باره توضیحی بفرمایید؟**

۳- بله، من چون چند سال است که با دانشگاه الزهرا همکاری دارم و خاتمه رهنورد، که می‌دانید رییس این دانشگاه هستند، وقتی اولین نمایشگاه خود را در این دانشگاه بر پا کردم خیلی به کارهایم علاقه‌مند شدند و در این راه واقعاً رحمت کشیدند و من سعی دارم چگونه از ایشان تشکر کنم. ایشان خودشان اظهار تمایل کردند که بخش توری کتاب را که شامل هرهای

و بعد در گذرهای دینی جهان اول شد و تا به حال دهه سیاه‌شکده در ایران و خارج کشور داشته‌ام و الحمدلله ساکنون موفق شده‌ام تصویرهای پیامبران، تصویب پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) حضرت عیسی، حضرت موسی، حضرت زرتشت را به صورت مشبک در بیارم. از ایران مشغول و مصادح بزرگ مثل حافظ، فردوسی، سعدی، مولوی، امیرکبیر، ابن سینا و دکتر شریعتی را درآورده‌ام و از هر قاره هم یک قر را انتخاب کرده‌ام و چهره او را به صورت مشبک ساخته‌ام. از اسپ گاندی، از اروپا یا استور، از افریقا، پاپائیس نومومبا و از امریکای جنوبی سائو دور آلده را

■ **توضیح شما به معلمان و همکاران ما و شما چیست؟**

۴- این که سعی کنند نه کار هنری علف‌مند شوید، چون کار هنری انسان را از کارهای لغو و بیهوده دور می‌کند. ساعات بیکاری را پر می‌کند و می‌تواند منبع درآمدی هم باشد. من حدود سی سال تلاش کرده‌ام تا موفق شوم، الحمدلله. این حس را به جمیع آموزگاری و دانشگاه‌ها و جامعه شناسانم ن کرسی برای آن گذاشتند و در حال حاضر این هر زاده دانشگاه تعلیم می‌دهم. در خانه هم روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه می‌نشینم. در برنامه صبح بخیر ایران هم اعلام کرده‌ام که روزهای شنبه مخصوص خاتم هست. شب هفتری که شما می‌توانید از خودتان شروع کنید هر مشبک

اصلاً چسب تری آن به کار نرود.

■ **تاریخچه هر مشبک به کجا و چه زمانی می‌رسد؟**

۵- مشبک، از انسان‌های اولیه باقی مانده است. آنها وقتی غارنشین بودند و کوه‌ها سر جمعیت آنها افزوده شد و نه صحرا آمدند، از سنگ اتاقکی ساختند و سقف آن را از چوب ساختند و پنجه‌ای برایش گذاشتند. زمستان که هوا سرد شد، آتش‌شان تاریک شد پوستی در آن پنجه گذاشتند و آن را سوراخ کردند و این آغاز مشبک بود. پس مشبک همراه انسان‌های اولیه به وجود آمد.

در زمان صلویه چو ل همه هنرها زنی کرد مشبک هم به اوج کمال خود در ایران رسید که می‌توان آثارش را در منار، درها و موزه‌ها دید. نه هر حال این لطف خدا بود که من مشبک را شروع کردم و در آن به حالی رسیده‌ام که کارهایم حتی اگر ارتفاع آن یک متر و نیم هم باشد یک پارچه است و چست در آن مطلقاً استفاده نمی‌شود.

■ **کار شما چه ویژگی‌هایی دارد که آن را از کارهای مشابه معاصر می‌سازد؟**

۶- ویژگی کارهای من سه چیز است.

حداقل اتصال در کار. یک پارچه بودن و یکی هم این که ده سال است که با کشیدن خطوط موازی توانسته‌ام تصاویر مشابیه بزرگی را از کار در آورده‌ام.

■ **گویا صحبت از دوران کودکی شما دچار وقته شد. لطفاً فرمایید پس از پنجم دبستان چه کردید؟**

۷- لا ارجا گفتم که من مدرک ششم ابتدایی را گرفتم و پس از دو سال کار کردن رفتم معلم شدم. چون عشق و علاقه زیادی، هم به تحصیل و هم به تدریس داشتم دیلم را متفرقه گرفتم و رفتم دانشسرا و معتم شدم. در همان زمان که در یک روستا کار می‌کردم اثری در دست کرده که در سال ۱۳۳۴ در کرمان بعد در تهران

سنتی است بنویسد، البته باید نوشته ایشان قبل از تصویر آثار من، یعنی در اول کتاب، قرار می‌گرفت که متأسفانه اشتباهی به آخر کتاب رفته است. امیدوارم این در چاپ بعدی اصلاح شود.

■ استاد، آنچه در آثار شما کاملاً مشهود است توجهتان به جنبه معنوی هنر مشبک است اگر در این باره توضیح بفرمایید ممنون خواهیم شد.

۶ ببینید، مذهب ماندگار است. اگر دقت کنید می‌کند آثر صدها سال قبل در رم آثاری را به وجود آورده که چون مذهبی است ماندگار شده است. ممکن است ما اثری درست کنیم که مذهبی نباشد، بکی خوشش بیاید و یکی هم توجهی به آن نمی‌کند. از بین می‌رود. بهرحال به این دلیل است که آیات و احادیث و... ماندگار هستند.

■ چه راهی پیشنهاد می‌کنید که معلمان ما، مخصوصاً معلمان هنر، بچه‌ها را بتوانند بیشتر به طرف هنر سوق دهند.

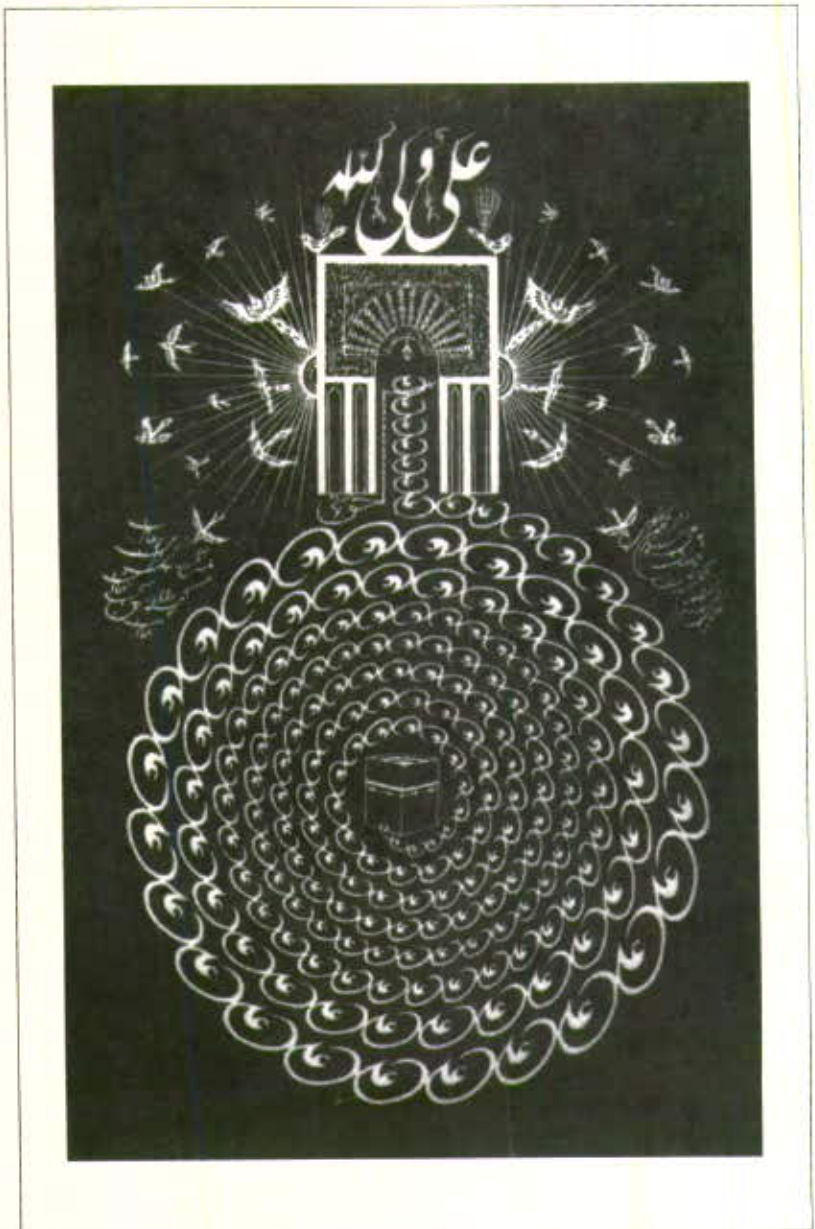
۷ اگر که یک بچه‌ای، دانش آموز، علاقه‌مند به کار هنری بشود و بتواند ساعات بیکاری و فراغت را پر کند هم آینده‌اش تأمین می‌شود و هم از هدر دادن وقت خود دور می‌ماند.

■ استاد، راجع به آقای علی صوتی، که عکس مشبک ایشان را هم تهیه کرده‌اید توضیح بدهید.

۸ بله، ایشان یکی از هنرمندان بنام نقشه‌فروش در کرمان و ایران بود و آثاری از او در موزه لندن است. زمان رضاخان، موقعی که می‌خواستند برای کاخ‌های او قالی تهیه کنند به آقای صوتی سفارش دادند. او هم روی کاغذهای کوچک الگو شب‌ها زیر نور شمع نقشه‌ها را تهیه می‌کرد و بعد می‌داد به بافنده‌ها تا بیافند. بعضی از آثار او اکنون در کاشی‌کاری‌های مسجد جامع کرمان نیز دیده می‌شود. بنیاد نقشه‌قالی‌های جدید در یزد را هم او گذاشت. چون در یزد قبلاً قالی را بدون نقشه می‌بافتند. او خودش قالی‌باف به یزد می‌برد، رنگرز می‌برد، نقشه می‌داد و کارگاه راه می‌انداخت تا این که بحمدالله اکنون شاید هزار کارگاه قالی در یزد باشد که بنیاد آن‌ها را دایی من آقای صوتی گذاشته است.

■ استاد! گویا آثار خطاطی مشبک شما برگرفته از خوش‌نویسی استادان بزرگ است.

۹ بلی. من خودم خطاط نیستم و فقط طراح هستم. این است که خطوط زیبای دیگران را برای کار مشبک انتخاب می‌کنم. گاهی هم از ترکیب آن‌ها طرح‌های جدیدی ابداع می‌کنم. خطاط‌هایی که من از کارهایشان استفاده می‌کنم، استاد جلیل رسولی، استاد زنجانی، استاد مؤمنی و استاد نصراله افجه‌ای و خطاط‌های خارجی مثل حامدی از ترکیه و عراقی از عراق هستند.



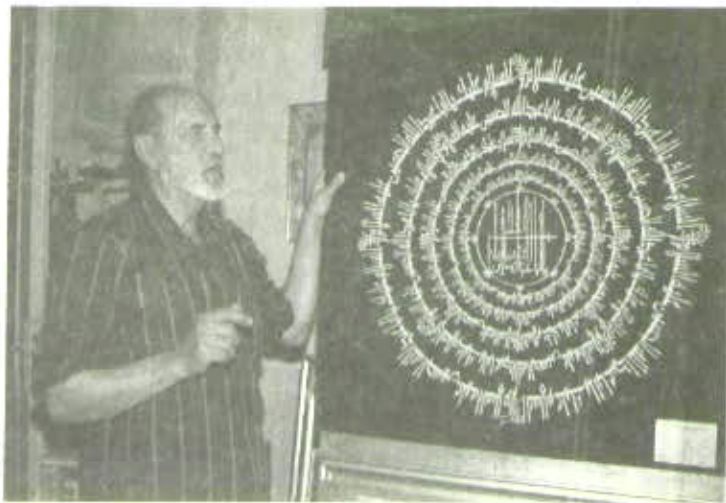
■ استاد دربارۀ تاملوی «علی ولی الله» توضیحی بفرماید

۱- اول عرض کنم که این اثر را در ششمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن که در سال ۱۳۸۰ در دست ریاست محترم جمهوری جناب آقای حاجی تقی‌زاده تهیه و عاشرین آن نیز است که می‌گویم همان طور که می‌باید شعبه در دست است. من تأیید می‌کنم که حضرت علی (ع) مولود کعبه است و مادرش پس از زید بن ابی‌طالب بعد از آن کعبه خارج می‌شود که شرح آن مفصل است. علی (ع) پنج سال دوران طفولیت در آن می‌گذراند که در این دوره نخت سیرت منی‌جانی عبدالمطلب است. لذا در این مشکیه پنج عیسی اول هدهه دقیقاً به یک اندازه انداخته می‌شده که جوی جدا می‌شود از این جا به بعد «علی» اهتزاز گشته می‌شود. چرا که چون زشتی سالکی به بعد از آن است یعنی به جبهه انصاف چون عبدالمطلب فوت می‌کند، علی در واقع با پیامبر هم‌نشینی می‌شود و در آن زمان می‌گذرد. در این شرایط سرگشته و سرگردان می‌شود آنگاه در حالی که مجموعاً هفت بار (در مشکیه) خانه خدا را عتبات کرده است در مقابل «الله» که چنگ می‌شود و در پیان به داخل محراب می‌رود و سرانجام با ششبار این منجم شهادت می‌شود. با شهادت او قطرات خون به پانزدهین محراب می‌ریزد که کلمه «حق» را می‌نویسد.

در داخل محراب هم شعری است، در این مورد موجود که این است
یا علی ذات نبوت قل هو الله احد
یا تو نفس بگین مهر الله القصد
لم یلد از مادر گیتی و لم یولد چو تو
لم یکن بعد از نبی مثلت له کفو احد
بعد از آن هم شعر معروف شهریار است

۱۰۵

علی ای همای رحمت، تو چه آیتی خدا را



که به ماسوی فکندی همه صایه همارا
و داخل محراب هم عیسی است. در آن کعبه و نیز گویواره‌های بالا هم عیسی است مع علی و علی مع الحزب و بالا هم عیسی می‌آید است. و چون محراب به حضور کسی شکل یک سوراخ پیدا کرده است این دو شعر هم نوشته است

اوصاف علی به گفت و گو ممکن نیست
گنجایش بحر در سو ممکن نیست
و تر حرف چپ
میسر نگردد به کسی این سعادت
به کعبه ولادت نه مسجد شهادت

هنگام سخن این کار، شاید بیست و دو دهه بعد از تولد می‌رفته که این مطلب رسیده که در مسجد شریف مدینه (ع) به یک جور شبیه شبیه است که چون در اثر شهادت شکافته شد دو نصف جو شد در دو طرف محراب پدید آمد. هر ششگان هم از آن طرف به بالا می‌رفت که جنم شهادت علی (ع) را به جهان اعلام کنند. این راه هم اضافه شده که در پی من بین تاملو را ساختم و کار تمام شد به صورتی که نه می‌توانستم یک «علی» به آن اضافه کنم. از آن کم کنم. تعداد علی‌ها را که ششده و بیست و یک عدد است که به حروف ایجاد می‌شود
علی ولی الله

■ استاد شما در چه رشته‌ای تدریس می‌کردید؟

۱- من در رشته‌های علوم قرآنی و علوم اسلامی بودم. بعد از علوم قرآنی در جامعه علمی به تدریس اسلامی گذاردم. در آنجا خیلی فعال بودم. از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۲ در قم بودم که آنجا پس از وقوع ۲۵ مرداد ۱۳۶۲ از قم به تهران منتقل شده بودم. بعد از آنجا اقدام کرده بودم که انجمن نهان و اولیاد در تهران و حتی مشهد را تشکیل دهم. در آن وقت در آنجا کتابخانه‌ای داشتند که علمی گذاشته بودم. من کتابخانه‌ای داشتم که در آن مسافری بجهت کتاب من می‌رفتند و می‌دیدند که به پیدایش آن نگاه کرده و کتاب همیشه جویز می‌گردد.

■ در چه رشته‌ای تدریس می‌کردید؟

۱- در رشته ریاضی مشکیه اولیاد در سال ۱۳۶۲ هم در مشهد شروع کردم. آنجا هم به معلم می‌رفتند. من کتابخانه‌ای داشتم که در آن مسافری بجهت کتاب من می‌رفتند و می‌دیدند که به پیدایش آن نگاه کرده و کتاب همیشه جویز می‌گردد. در آنجا کتابخانه‌ای داشتم که در آن مسافری بجهت کتاب من می‌رفتند و می‌دیدند که به پیدایش آن نگاه کرده و کتاب همیشه جویز می‌گردد.

■ در حال حاضر، آیا در دانشگاه مشکیه تدریس می‌کنید؟

۱- بله، در دانشگاه آیت‌الله خراسانی مشهد و دانشگاه خاتم‌الانبیاء خراسان مشهد

■ آیا درباره ابزار و وسایل کارتان توضیحی ندارید بدهید؟

۶ چرا، در حال حاضر ابره خوب، تابلیون آلمانی فراوان است. از نظر نخته هم قبلاً نخته روسی وارد می شد که خیلی خوب بود ولی اکنون نخته های خوبی وارد نمی شود. اگر چه در سلسله نخته های خوبی تولید می کنند که از نخته های خارجی بهتر است و امیدوارم کارشان همین طور بماند. راجع به کمانه یا کمان ابره هم، قبلاً از آلمان می آمد که خوب بود ولی حالا از چین می آید که کوتاه است و انعطاف لازم را ندارد. به طوری که یک مرد بزرگسال هم نمی تواند به راحتی ابره مویس را در آن، جا بگذارد و من به این کمان ها هفده سانتیمتر یا خوشکاری اضافه می کنم تا بلندتر شوند و کار با آنها راحت تر شود.

■ آیا از معلمان خوب خودتان خاطره ای دارید؟

۶ بلی، من معلمان خوبی در کرمان داشتم. از جمله مدبری داشتیم به نام میرزا برزو، که زردشتی بود، تدریس هم می کرد. خدا او را رحمت کند، او آخرین نفری بود که فطهر از مدرسه بیرون می رفت و اولین نفری بود که بعد از فطهر -مدارس دو نوبتی بود- به مدرسه برمی گشت مثل این که غذایش را در دالان مدرسه می خورد.

■ به نظر می رسد ابزار کار مشبک سازی، ارزان و به راحتی قابل تهیه است؟

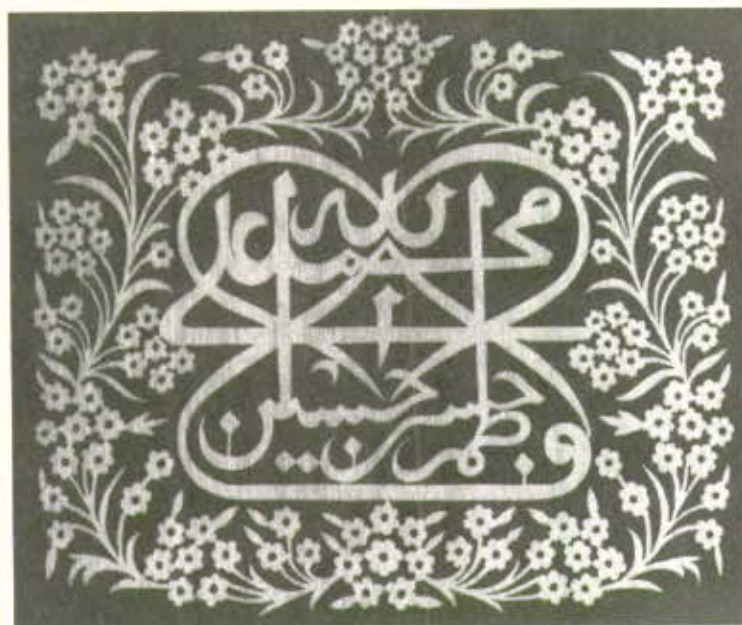
۶ بده، این کار یک کمان می خواهد و یک ابره و مقداری هم نخته، که همه فراوان است. طرح هم که فراوان در دسترس است. مخصوصاً باید بگویم که بعد از انقلاب خطاط ها دین خودشان را ادا کردند. به طوری که هر گوشه می توانید طرح ها و خط های زیبایی پیدا کنید و آن را به مشبک تبدیل کنید.

■ با تشکر فراوان از استاد و آرزوی سلامت همراه با موفقیت بیشتر

چند روزی پس از گفت و گو با استاد صوتی در مجلس بزرگداشت دکتر محمود روح الامینی، مردم شناس برجسته، آقای اردشیر فرمند که از دبیران ریاضی با سابقه کرمان و سپس تهران بوده و اکنون بازنشسته است از خاطرات خود از مدرسه زردشتیان کرمان سخن می گفت و در ضمن آن خاطره ای از میرزا برزو نقل کرد که ما مناسب دیدیم آن خاطره را به گفت و گویمان با استاد صوتی بیفزاییم

در مدرسه زردشتیان کرمان (ایرانشهر) دو روحانی بودند که درس می دادند. آنان چون معتقد بودند که گرفتن حقوق دولتی اشکال شرعی دارد در مدرسه های دولتی درس نمی دادند، اما پول گرفتن از زردشتیان را حلال می دانستند چون عقیده داشتند که پول آنها حاصل دسترنج آنها در زراعت و کشاورزی است. روزی یکی از این دو روحانی ۵ دقیقه دیر به مدرسه آمد. میرزا برزو مدیر مدرسه به او ایراد گرفت. روحانی گفت ۵ دقیقه دیر آمدن در یک روز که چندان اهمیتی ندارد. میرزا برزو جواب داد: «این ۵ دقیقه نیست. شما ۵ دقیقه را ضرب در ۴۰ (نفر شاگرد) بکنید می شود ۲۰۰ دقیقه، و این ۲۰۰ دقیقه را بدهکار می شوید و روز قیامت باید جواب دهید! میرزا برزو چنین آدم دقیق و منظمی بود. شایان ذکر است که آن روحانی امروز در یکی از مساجد کرمان به امامت جماعت اشتغال دارد.

نقل از اردشیر فرمند



عاشق خود و معشوق خود و عشق خودم
نشسته ز اغیار به داماتم گرد
در آن هستی بی نشان، که هیچ انگ و
رنگی را پذیر نیست، خداوند هم عاشق بوده
است و هم معشوق و هم عشق، او، زیبایی
بوده که قمار عاشقی با خویش می ساخته
جامی، عارف و متفکر بزرگ قرن هشتم
تئوری زیبایی شناسی هر اسلامی را ضمن
شعری به صورت سزابویی شورانگیز و
عاشقانه و طی چند پرده فراحی نموده است
که دیلا برای ره شن شدن مفاهیم هر و عشق
و زیبایی به آن اشاره می شود.

پرده نخست: مرحله غیب العیوب است که
عشق و عاشق و معشوق متحد و یگانه اند. در
این وادی، هستی، بی نشان است و عالم به کنج
نیستی پنهان، این مرحله، مرحله عشق سازی
خداوندگاری یا جمال خویش است؛ چرا که
خود هو عاشق است و هم معشوق و هم عشق،
هم ریاست و هم زیرپرست و قمار عاشقی با
خویش خویش می بازی.

صبا از طره اش نگسته تازی
ندیده چشمش از سرمه عیاری
نگشته با گلش همسایه سنبل
تسته سبزه اش پیرایه گل
رخش ساده زهر خطی و خالی
ندیده هیچ چشمی، زوخیالی
نوی دلبری با خویش می ساخت
قمار عاشقی با خویش می باخت
اما کدام خوبروی می تواند در پرده باقی
بماند؟ نکورو (خدا) نیست دارد شناخته شود
و این دلیل بر رگی است برای آفرینش. پس
خلق را می آفریند. لاله زیبای نهاد آشکار
شود؛ چگونه؟ با تجلی، با آینه گردانی
حقیقت. هستی آینه ای است که زیبایی او را
به هزار جلوه از پرده برملا می سازد.
با صد هزار جلوه برون آمدی که من
با صد هزار دیده تماشا کنم تو را (فوغی
بسطامی)
در پرده دوم، جامس حصالات های
زیبارویی و خلق و خوی زیباها را بیان می دارد.

کند شق، شقه گل زیر خارا
جمال خود کند زان آشکارا
چو هر جا هست، حس اینش تقاضاست
نخست این جنبش از احسن، ازل خاست
پرده سوم، مرحله تجلی خداوندگاری
است بر هستی و آینه شدن کلیه پدیده های
هستی.
برون زد خیمه ز اقلیم تقدس
تجلی کرد بر آفاق و انفس
از او یک لمعه بر ملک و ملک نافت
ملک سرگشته خود را چون فلک بافت
پرده چهارم، آینه های هر یک به تناسب
توان خود زیبایی و جمال الهی را منعکس
می کنند:
زهر آینه ای بنمود روی
به هر جا خاست از وی گفت و گویی
و زیبایی او در اشاء و پدیده ها ظاهر
می شود.
ز فرات جهان آینه ها ساخت
ز روی خود به هر یک عکس انداخت



زیبایی شناسی هنر اسلامی*

دکتر زهرا رهنورد



که همه زیباها با طبع تاب مستوری ندارند و
چون در بندی، سر از روزن برآیند.
ولی زان جا که حکم خوبروی است
ز پرده، خوبرو، در تنگ خوبی است
نکورو، تاب مستوری ندارد
چو در بندی، سر از روزن برآرد
و مثال می زند لاله ای ریت را که چگونه
خود را در بطن طبیعت برملا می سازد.
نظر کن لاله را در کوهساران
که چون خرم شود فصل بهاران

در آن جلوت که هستی بی نشان بود
به کنج نیستی عالم پنهان بود
وجودی بود، از نقش دویی دور
ز گفت و گویی مایی و تویی دور
جمالی مطلق از قید مظاهر
به نور خویشش، بر خویش ظاهر
دلارا شاهدی در حجله غیب
میرا ذات او از نهمت غیب
نه با آینه رویش در میانه
نه زلفش را کشیده دست، شانه

پرده پنجم، عشق و زیبایی هویت بی‌همتای خویشت را در مسیر تجلی بر چهره شخصیت‌هایی چون گل و بلبل و شمع و پروانه و لیلی و مجنون، رومشو و ژولیت و تمای دلدادگی‌ها و دلدادگان عالم می‌افکند و از این پس، عشق‌ها در ساحت هستی و سراسر طبیعت هویدا می‌شود:

از این لمعه فروغی بر گل افتاد
ز گل شوری به جان بلبل افتاد
رخ خود شمع زان آتش برافروخت
به هر کاشانه صد پروانه را سوخت
ز نورش تافت بر خورشید یک تاب
برون آورد نیلوفر سر از آب

اینک نه تنها گل و بلبل و شمع و پروانه و نیلوفر و نور، بلکه لیلی و مجنون و خسرو و شیرین و... و همه مردم در پایان قرن بیستم روایات دیگر آن عشق و زیبایی هستند. جامی، شاعر نظریه‌پرداز، اندیشه بلند زیبایی‌شناسی اسلامی - عرفانی را چنین سامان داده است:

ز رویش روی خود آراست لیلی
ز هر مویش ز مجنون خاست میلی
لب شیرین شکر ریز بگشاد
دل از پرویز برد و جان ز فرهاد
جمال اوست هر جا جلوه کرده
ز معشوقان عالم بسته پرده
سر از جیب مه کنعان برآورد
زلیخا را دمار از جان برآورد
به عشق اوست دل را زندگانی
به شوق اوست جان را کامرانی^۱

بدین ترتیب زیبایی در مسیر تجلی از خود، از عالم غیب و ماورای مطلب در یکایک اشیای زیبا و پدیدهای هستی هویدا می‌شود و جلوه‌های عینی زیبایی را در چهره آنان به نمایش می‌گذارد.

زین‌نویس

• برگرفته از متن کتاب مشبک، ناشر: انتشارات سمت، ۱۳۸۰

۱. عبدالرحمن، جامی، دیوان کامل

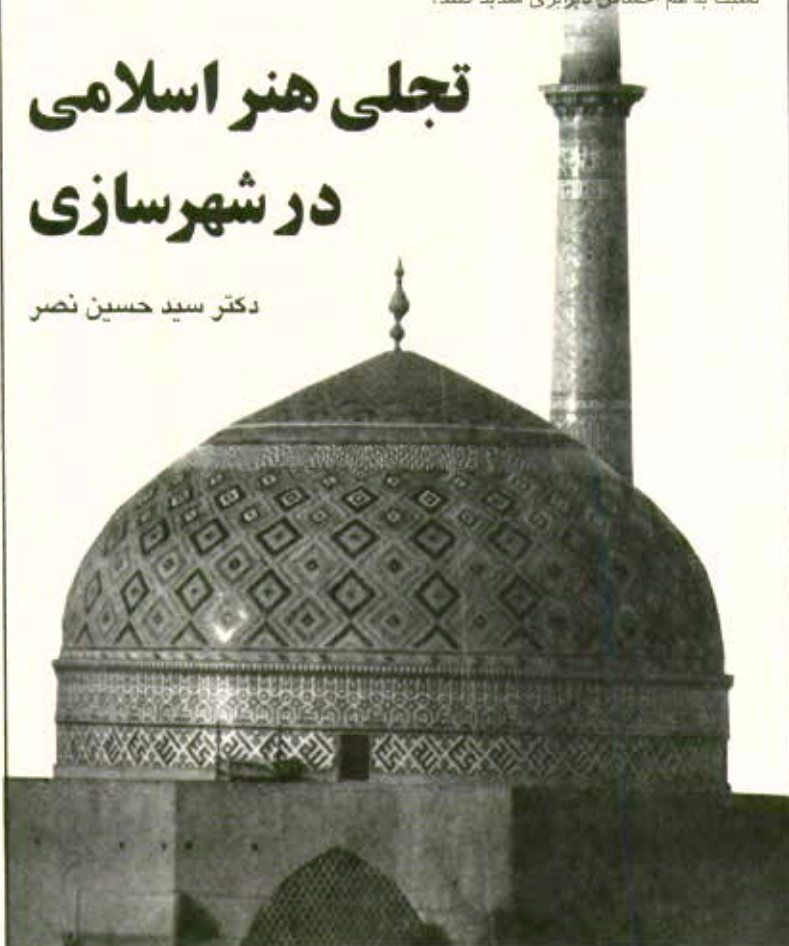
۲. دیوان جامی، مقدمه یوسف و زلیخا

یکی از قابل توجه‌ترین ویژگی‌های شهر اسلامی در مفهوم سنتی آن عبارت بوده است از همسازی کامل آن با بوم طبیعی، و هماهنگی آن با آب و هوا و سایر شرایط طبیعی و اقلیمی. شهر اسلامی هرگز به نحوی ساخته نشده است که نشانگر مخالفت انسان با طبیعت باشد، بلکه به عکس، همواره همساز و همسو با نیروها و عناصر طبیعت بنا شده است. در ساختن این شهرها حداکثر استفاده از نور باد، سایه و موادی که در دسترس بوده به عمل آمده است و این مواد به نحوی مورد استفاده قرار گرفته است که اگر زمانی مردم شهر را ترک می‌کردند، این مواد به طور طبیعی به آغوش طبیعت بازمی‌گشته است. در مراکز شهری اسلامی، اعم از آن که در شمال آفریقا بوده باشد یا در یمن یا ایران یا جای دیگر، تا به امروز شواهد و نمونه‌های فوق‌العاده نظریه‌ی از همسازی اسکنه شهر، یا محیط طبیعی مشهود است. در عصر ما که عصر بحران محیط زیست است، خیلی چیزها می‌توان از طرح‌ریزی شهر سنتی اسلامی و نیز بناهای منفرد آن آموخت.

برخی از عناصر و اجزای شهر سنتی اسلامی نیز صرفاً حیثیت و ربط دینی و معنوی دارد. شهر سنتی اسلامی با سفید رنگ است. همچنان که در شمال آفریقا، یا حتی جنوب اسپانیا، به عنوان یادگاری از گذشته‌های دور آن، تا به امروز می‌بینیم. یا، به صورتی که در ایران و افغانستان و جاهای دیگر مشاهده می‌کنیم، به رنگ خاک و زمین. هر دوی این رنگ‌ها تداعی‌کننده با موجد حس ثبات و آرامش است. شهر اسلامی به هیچ‌وجه تهییج‌کننده و اضطراب‌انگیز نیست، بلکه به عکس، به نظر می‌رسد که آرامشی از نوع صلح و سکوت عالم ابدی شهر اسلامی را در بر گرفته است. کل زیبایی شهر اسلامی متوجه درون آن است نه بیرون آن. خانه‌های سنتی مسلمانان، خواه از آن اغنیا باشد یا از آن فقرا، از بیرون چندان تفاوتی با هم ندارد و این مانع از آن است که مردم نسبت به هم احساس ناآزایی شدید کنند.

تجلی هنر اسلامی در شهرسازی

دکتر سید حسین نصر





کیمیاگران نقش

شهناز واقفی نژاد



کتاب کیمیاگران نقش شرح داستانی زندگی هفت نفر از نقاشان برجسته معاصر است. علی اکبر صنعتی، عیسی بهادری، محسن سهیلی، محمود فرشچیان، حسن اسماعیل زاده، علی کریمی و جواد حمیدی پدیدآورنده این اثر، جامه میزبان آرمین، چنان که در مقدمه کتاب شرح داده است، برای گردآوری اطلاعات لازم درباره پاره‌ای از شخصیت‌ها، از جمله عیسی بهادری و علی اکبر صنعتی، به شهرهای اصفهان و کرمان سفر کرده و ملاقات با بزرگان آن مراکز هنری این شهرها، بعضی از شخصانی که با فرستادن مورد نظر ارتباط داشته‌اند، گفت و گو کرده تا تمایز است این مجموعه بهانه نگارش را آورد. از این جهت می‌توان گفت: اطلاعات داستانی به کار گرفته شده از صحت و اعتبار لازم برخوردار است. اما اکنون باید دید هر یک از این هفت استاد، با به قول نویسنده، کیمیاگر، که در این آثار به بررسی برجستگی بوده‌اند، که سبب شده است زندگی‌شان دست به نگارش در سال‌های گذشته کسالی هستند از این‌ها علی اکبر صنعتی، شاید مشهورتر از آن باشد، که نیاز به گفت و گو باشد! نقاش، مجسمه‌ساز و انسان آموختنی که جز هنر بی‌فانش، زندگی روحی و معنوی او نیز خود یک هنر است. عیسی بهادری، استاد درجه اول هنر میساتور، کسی که استاد محمود فرشچیان، رودوست او در هرستان هنرهای زیبای اصفهان پرورش یافت و فرشچیان شد. محسن سهیلی، نقاش بزرگ، شاگرد مدرسه کمال الملک از کسی که وقتی کمال الملک

تازه‌های او را دیده بود گفته بود: «این پس بهتر است نقاش شود تا مهندس و دکتر». استاد محمود فرشچیان، کسی که چون صنعتی زاده، صنعتی از توصیف است. «کافی است کسی تا بماند معصوم عاشق‌نواز» او را نباید نادانند فرشچیان کیست. پنجشنبه کیمیاگر از این دسته، حسن اسماعیل زاده معروف به چپ است. او شاگرد استاد محمد میر از نقاشان قهوه‌خانه‌ای بود، و می‌دانیم که نقاشی قهوه‌خانه یکی از مدرسی‌ترین هنرهای ایران است. پس از اسماعیل زاده علی کریمی است که هنرگر استاد حسین بهزاد بود و چندین بار استاد اسماعیل اشتیاقی، فرزند هنرمند منابع مستقر، شاگردی کرده بود. هفتین و آخرین کیمیاگر هم استاد جواد حمیدی است که کم‌تر از کمال پیش در تصادفی حسین، چهارراه کالج راه در تهران، رنگین کرده و بدینسان مرگ می‌نوشت او را فرزند حمیدانی نقاشی مشهور بود که با علم و ادب نیز رابطه‌ای صمیمی داشته. در اینجا هر چه شعور به برش کوتاه از زندگی استاد جواد حمیدی جلب می‌کنیم. امید است همین مقدار بتواند علاقه‌مندان به هنر را به مطالعه کامل کتاب ترغیب نماید.



از میدان بهارستان که پر از حوض‌ها و فواره‌های بلند بود، گذشته و به مدرسه کمال الملک رسیدند. اجرهای مدرسه به رنگ آفتاب بود. در چاره‌های بلند آن می‌شد رنگ اولین روزهای پاییزی را دید. آن وقت‌ها مدرسه دو قسمت عالی و مقدمانی داشت. ابتدا

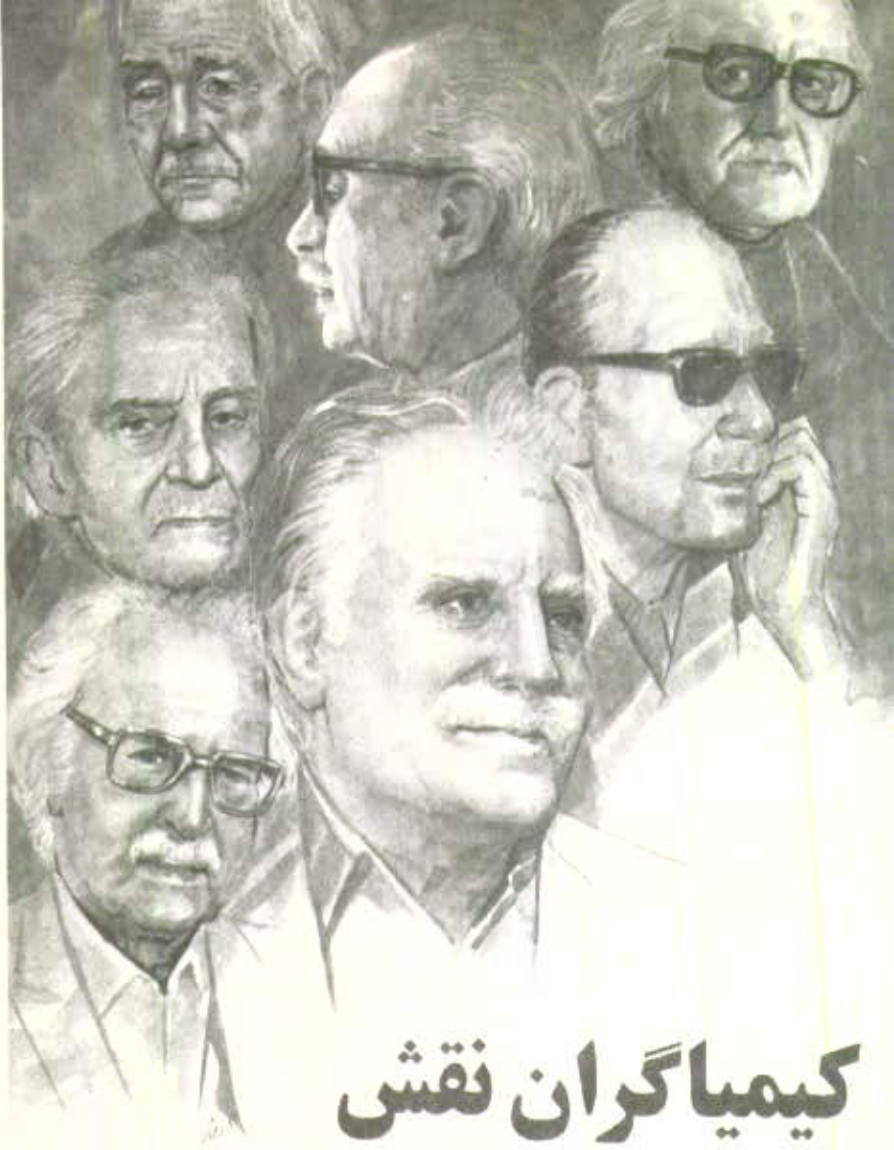
می‌خواستند از راه قسمت مقدمانی برفتند و بوی او گفته! «من کارم را در همین دوره عالی شروع می‌کنم. اگر خوب نبودم، به دوره مقدمانی می‌روم»

بچه‌ها داشتند از روی مدال کار می‌کردند. مدال، کارگر دست و واهی بود که به دلیل کسری بازار داوطلبانه مدال شده بود. چند زمانی کسب کند. جوان بزرگوار و در نگاه‌های سنگین بچه‌ها و استاد جو رفت، در نزدیکی مدال شست. در نقش هر جوان برای بود. مثل روز اول مدرسه. همان روزی که بهرین مشق را نوشته بود و کتاب خوانده بود! استاد گفت: «پس چرا آن بهتر است که در باسنی و طراحی کنی»

پس محجوبانه به استاد نگاه شده گفت: «من این طوری بود می‌شود» در ضمن کار، به عقبه‌های رنگین پررنگ می‌کرد و به ترانه‌های عمیق نقاشی که روی سنگ می‌نهادند! نقش‌های سنگی، پیش از همه به برجستگی‌ها و فرو رفتگی‌ها توجه می‌کرد. ذهن او آشفته از تجربه‌های از حجم‌های سنگی بود.

در پایان، وقتی طرح‌ها را روی دیوار زدند، شاگردان و استاد تصدیق کردند که کار جواد از همه بهتر است. به این ترتیب، وارد دوره عالی مدرسه کمال الملک شد. در چند ماه بعد، مدرسه کمال الملک به تبع جدای سیاست‌های روز منحل شد و هنرجویان به مدرسه مروی رفتند. در واقع، اولین قدم برای تأسیس دانشگاه هنرهای زیبا برداشته شد. بعدها، آندره گدار، که معتقد بود، از ایران، اثر هنر رشته دانشگاهی شود، با استقبال مردم روبه‌رو خواهد شد. رئیس دانشگاه هنرهای زیبا شد.

چندی پس از آن تلاش نقاشی مدرسه مروی را به دانشگاه تهران بردند. دانشجویان هنر در محیط خشک و بی‌عطفی دانشگاهی، شور و حال تازه‌ای برپا کردند. آنها هم‌راه با نقاشی‌های خود گرامافون و صفحه‌های موسیقی آورده بودند. و هر یک پس از شنیدن حرف‌هایشان حال و هوایی تازه‌ای به دانشگاه



کیمیاگران نقش

منیژه آرمین

هنی داده بود.

در میان دانشجویان نقاشی، سه نقشگذار معروف، یعنی جواد حمیدی، باقر عقیقی و حسین کاظمی در کنج زیرزمین دانشکده فنی به کار مشغول بودند. باقر عقیقی پر سر و صدا و شوخ طبع بود و حسین کاظمی کم حرف و ساکت. جواد حمیدی میان آن دو حالت تعادل برقرار می کرد. در سائیل قضایات که کارهای هفتگی دانشجویان جیده می شد، صادق هدایت با عینک گرد دور سیاه و نگاه می طنزآمیز، حرف های خانم آشوب را برای بچه ها ترجمه می کرد. همیشه دو گروه مخالف در برابر هم قرار می گرفتند. خانم آشوب در رأس نوگرایان و استاد حیدرسلطان در رأس

سنت طلب ها. او طبیعت سازی را اصل قرار داده بود. در برخوردهای تندی که میان آنها پیش می آمد همیشه استاد حیدرسلطان برافروخته و عصبانی از در بیرون می رفت، او همواره بر شیوه خود پای می فشرد.

مهندس بازرگان که در آن زمان رئیس دانشکده فنی بود، همواره با بافت کلی دانشکده هنرهای زیبا مخالفت می کرد و بارها گفته بود: «مگر اینجا کلاس موسیقی است که صبح تا نیمه شب صدای ساز و آواز بلند است؟» بچه ها می گفتند: «آقای مهندس! اگر موسیقی نباشد، نمی توانیم کار کنیم. کار ما، کار دل است.» مهندس بازرگان به تندی و تا حدی با خشونت می گفت: «ولی دانشجویان ما

کارهای جدی دارند. اگر بخواهند از روی دل کار کنند، باید ماشین های خراب تحویل جامعه بدهند؛ یا مصالحی بسازند که خانه های مردم روی سرشان خراب شود! بچه های ما باید چیزهایی بسازند که با عقل کار کند و نه با قلب!»

یکی از استادان جواب می داد: «ما چند ماهی بیشتر مهمان شما نیستیم و...» وقتی کار بالا می گرفت، با وساطت استاد حیدرسلطان تا مدتی قال قضیه کنده می شد؛ ولی هیچ کس حرف هنرهای زیبا نبود و تنها کاری که می کردند، این بود که به محض پیداشدن سر و کله مهندس بازرگان، برای مدتی کوتاه، صفحه را از روی گرامافون برمی داشتند.

برخوردهای مضاعف داخلی و خارجی باعث شد که ساختمان دانشکده هنرهای زیبا زودتر ساخته شود. این ساختمان یک آتلیه نقاشی، یک آتلیه معماری، ساختمان مجسمه سازی و قسمت اداری داشت. در حیاط قسمت اداری، باغچه ای بود که نهال بید محنون را در آن کاشتنند. بعدها، این درخت سایه های خیال انگیز و رقصان خود را بر اطراف می افکند.

از میان سه تفنگدار، باقر عقیقی به رشته معماری می رفت و دو نفر ماندند؛ حمیدی و کاظمی. جلیل ضیاءپور و پورسعید هم در کلاس آنها بودند. جواد حمیدی بهترین شاگرد استاد حیدرسلطان بود. او همیشه خود را مدیون استاد می دانست و هرچند که هرگز در برابر استاد حرفی نزد، ولی در برخوردها کم کم دچار تردید می شد. دلش می خواست در میان این تضادها به مفهوم درستی از هنر دست پیدا کند. به این ترتیب بود که تصمیم گرفت هفت کفش آهنین بپوشد و هفت عصای آهنین به دست گیرد و راهی سرزمین های دور شود....

زیرنویس

- ۱- از انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۲- شرح زندگی استاد علی اکبر صنعتی را مادر شماره ۳۱ مجله با همین عنوان به چاپ رسانده ایم.

نه‌یابیش در مدهارسه

سینا کریمی
دبیر مدرسه راهنمایی مفید

معمولاً کتابت به معنایش را به عنوان هنر می‌شناسند، که همین طور هم هست. اما در این نوشته ما می‌خواهیم آن را از دریچه آموزش و تعلیم و تربیت مورد بررسی قرار دهیم و بدانیم این هنر تا چه اندازه می‌تواند در رشد و شکوفایی دانش آموزان موثر باشد.

یکی از علل شکست در زندگی بسیاری از مردم ترس و کم‌رویی است. کم‌ترین زبان این دو عامل ناتوانی در برآورد افکار و عقاید و احساسات است که موجب عدم اعتماد به نفس خواهد شد. به عبارتی دیگر ترس و کم‌رویی از عهده اعتماد به نفس ناشی می‌شود. معمولاً بسیاری از کودکان و نوجوانان خود را در مسائل بزرگ سالان که نزدیک ترین ایشان پدر و مادرها و معلم‌ها هستند ناتوان و حقیر احساس می‌کنند. آنها را دارنده همه حقایق می‌دانند و در نتیجه همواره در مقابل بزرگ‌ترها احساس ضعف و کوچکی می‌کنند. روشن است که این هراس

در درجه اول از بی‌تجربگی و ناشناختی فرد در بزرگ سالان ناشی می‌شود و تحلیل او هم به این مسئله دامن می‌زند و آن را بیشتر می‌کند.

چه باید کرد؟ نخست باید بدانیم که چاره برطرف کردن این هراس و کشش نقطه ترس و کم‌رویی در روح کودکان سالم جوان به دست خودشان نیست بلکه به دست بزرگ‌ترهاست. به این معنی که نباید بزرگ‌ترها خود را به کوچک‌ترها نزدیک‌تر کنند، آنها را وادارند که آنچه فکر می‌کنند بر زبان بیاورند و آنچه را نیاز دارند به یادگی و بی‌تکلف بخواهند. دکتر محمود حسینی، فیزیکی‌دان دانشمند ایرانی نقل کرده است که وقتی برای نخستین بار به حضور ایشان در آمریکا رسیده احساس نکست زبان به من دست داد و کشش که داشت من به خاطر شهرت و اعتبار اوست که چنین می‌شوم گفت: اوجت باش فکر کنی داری با دانش آموز خودت صحبت می‌کنی! او به این طریق مرا به خود نزدیک کرد. اگر صریح





و مستقیم به کودک بگوییم که نترسو و کم رویی؛ اعتماد به نفس نداری؛ باید هراس را از خود دور کنی! و... نتیجه ای ندارد. تنها به روش غیرمستقیم است که می توانیم در این امر موفق شویم و یکی از بهترین و ساده ترین روش ها در این راه، نمایش است.

نمایش زندگی است

در نمایش فرد را به نحوی غیرمستقیم و می داریم که در گروه زندگی کنند و ارزش های خود را نشان دهد و در برخورد با دیگران موقعیت خود را بشناسد و بالاخره در چنین موقعیتی برای خود وضع خاصی را انتخاب کند.

برای زندگی نمی توان تعریفی جامع و کامل به دست داد. زیرا چنین تعریفی حتماً به اندازه زندگی وسیع و به اندازه زندگی پیچیده خواهد بود. اما اگر بگوییم زندگی مجموعه ای است از اندیشه ها و حرکات و سخن ها، چندان از تعریف زندگی دور نیست. کودک در نمایش به نحوی آگاهانه مجموعه ای از اندیشه ها و حرکات و سخن ها را دنبال می کند. یعنی در متن زندگی قرار می گیرد و شیوه زندگی کردن را می آموزد. همواره کسانی که توانسته اند اندیشه های خود را به آسانی و روانی بیان کنند، بر احساسات و هیجانات خود تسلط داشته باشند و در مواقع متفاوت حرکات مناسب از خود نشان دهند در امور زندگانی بیشتر موفق یافته اند. هدف

نمایش در این است که به بازیگر نوجوان کمک می کند که مقداری از این چیزها را یاد بگیرد تا از انزوای خود بیرون بیاید و در گروه و در مقابل گروه بایستد. اجازه بدهید مثالی بزنیم. معمولاً، در مدرسه، پشت میکروفون بلندگو ایستادن و در جمع صحبت کردن برای قریب به اتفاق نوجوانان مشکل و انجام آن هیجان زاست. بسیاری از دانش آموزان سال ها در صف صبحگاهی مدرسه می ایستند و به سخن دیگران، که در واقع بازیگران این صحنه اند، گوش می دهند بدون این که خودشان یک بار پشت بلندگو حرف زدن را تجربه کنند. حال اگر یک مربی یا مدیر آنگذر هشیاری داشته باشد و بتواند این وسیله روزمره را به بهانه های مختلف در اختیار یکایک دانش آموزان قرار دهد تا حداقل هرکس در سال یک بار، از آن به سخن گفتن در میان جمع پردازد بداند که قدم مهمی در رشد اجتماعی و شخصیتی دانش آموزان برداشته است.

ضرورت نمایش در مدرسه

امروزه در مدارس سراسر جهان نمایش یکی از برنامه های همیشگی است. دیگر نمایش را یک امر اتفاقی و تنها برای سرگرمی نمی شناسند بلکه آن را ابزار آموزش و در خدمت پرورش و رشد شخصیت دانش آموزان قلمداد می کنند. این را هم باید دانست که نمایش در مدرسه با نمایش های معمولی تفاوت دارد و این تفاوت در هدف آموزشی و

پرورشی نمایش های مدرسه ای است. نمایش های معمولی اغلب هدف سودمند و سازنده ندارند. بنابراین مربی یا معلمی که در مدرسه می خواهد برای دانش آموزان نمایش ترتیب دهد نباید تصور کند که دارد هنرپیشه ها یا بازیگران آینده را تربیت می کند، چرا که راه و رسم بازیگری در جای دیگر و ویژه افراد خاص است.

هدف از نمایش در مدرسه آن است که کودکان فرصتی برای بروز احساسات و هیجانات و افکار انسانی خود پیدا کنند و نسبت به محیط خود و روابط با اطرافیان آگاه تر شوند. لازم نیست که معلم حتماً برای تدریس یا آموزش نمایش، سراغ نمایشنامه های مشهور برود و حتماً هم بخواهد نمایش را در یک سالن و روی صحنه خاص به اجرا درآورد، بلکه همان طور که کلاس درس برای تدریس همه موضوعات در اختیار اوست و او را کفایت می کند جای تدریس نمایش هم می تواند باشد. معلم هشیار و باذوق می تواند از همان درسی که دارد می دهد یک نمایش بسازد و از یک یا چند نفر بچه ها بخواهد آن را اجرا کنند. نیز می تواند یک لطیفه را تعریف کند و سپس از چند نفر از بچه ها بخواهد آن را روز دیگر به صورت نمایش اجرا کنند. اگر این کار به صورت مستمر و پیوسته انجام گیرد، چندی نخواهد گذشت که دانش آموزان آن مدرسه دانش آموزان دیگری خواهند شد.

لافت بخشیدن به اوقات فراغت
دانش آموزان

حداکثر مدتهای این مدارا مجموعه
نمایشنامه‌هایی است که به منظور اجرا در
مدارس و تئاتر مریک هیلری و آموزشی تلفظ
و ترویج شده است.

انتشارات مدرسه با همکاری جمعی از
نمایشنامه‌ها، برای علاقه‌مندان به تئاتر از ابتدای
صدها نمایشنامه نوشته شده، تعدادی از
اینجانب و اقدام به چاپ آنها کرده است. این
نمایشنامه‌ها که ساختار حدوداً ۳۰۰۰ جلد آن
انتشار یافته و کتابخانه بر ۳۰۰ جلدی هستند
برای اجرا در دبستان‌ها، مدارس راهنمایی و
دبیرستان در نظر گرفته شده‌اند. لذا محتوای آنها
شامل موضوعات سیاسی، آموزشی، فرهنگی
و ایام خاص، مناسب با امکانات موجود
مدارس است.



نمایشنامه‌های مدرسه



نمایش مقوله‌ای است که در کشور ما
هنوز به طور جدی مورد استقبال عمومی قرار
نگرفته است. در صورتی که اگر این هنر به
درستی و در مسیری صحیح اجرا شود می‌تواند
تأثیرات ماندگار و ارزشمندی از جهت تربیتی و
آموزشی در دل و جان تماشاگر به جای
گذارد. این تألیفات، بویژه در دانش آموزان
نوجوان بسیار اندک است.

- ۱- تقویت حس همکاری و دوستی
 - ۲- تقویت نظم و انضاط فردی و گروهی
 - ۳- ایجاد اعتماد به نفس در بزرگ و تماشاگر
 - ۴- ترویج دادن خلاقیت‌های دانش آموزان
- و تعالی بخشیدن به آنها
- ۵- پرورش روحیه مشارکت‌جویی
 - همه‌جانبه در بچه‌ها
 - ۶- تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری



نشان

بهراب سپهری

«فانۀ دوست کجاست؟» در فلق بود که پرسید سوار.
 آسمان مکئی کرد.
 رهگذر شافه نوری که به لب داشت به تاریکی شن ها بخشید
 و به انگشت نشان داد سپیداری و گفت:
 «نرسیده به درفت،
 کوچه باغی است که از فواب خدا سبیزتر است
 و در آن عشق به اندازه پره های صداقت آبی است.
 می روی تانه آن کوچه که از پشت بلوغ، سر به در می آرد،
 پس به سمت گل تنهایی می پیچی،
 دو قدم مانده به گل،
 پای فواره جاوید اساطیر زمین می مانی
 و تورا ترسی شفاف فرا می گیرد.
 در صمیمیت سیال فضا، فش فشی می شنوی؛
 کودکی می بینی،
 رفته از کاج بلندی بالا، جوچه بردار داز لانه نور
 و از او می پرسی:
 «فانۀ دوست کجاست؟»

اسامی نمایشنامه هایی که تاکنون
 چاپ شده به این شرح است:

ویژه دانش آموزان ابتدایی

- ۱- دوست دارم برگردم زمین؛ منوچهر اکبرلو
- ۲- دومی ها و سومی ها؛ مسلم قاسمی
- ۳- یک سبد صوری؛ محمود فرهنگ و مرجان امیراحمد
- ۴- یک، یک دوستی داشتم؛ داود کیانیان و...
- ۵- رنگ رنگ، نقاشی؛ سیمین امیریان و عباس دوست قرین
- ۶- است سفید بالدار؛ علی غلامی و منوچهر اکبرلو
- ۷- خودنویس طلایی؛ علی غلامی و شماسی

ویژه دانش آموزان راهنمایی

- ۱- این منم طاووس؛ اسماعیل هتمی
- ۲- مار زنگی؛ زهرا نوری و...
- ۳- خاصیت هر چیز؛ سیدحسین فدای حسین و...
- ۴- قاصدک؛ محمود فرهنگ و...
- ۵- انتخاب؛ عبدالحی شماسی
- ۶- زنده باد نمایش؛ داود کیانیان و...
- ۷- بچه های مدرسه امید؛ علی غلامی
- ۸- نگاهی از پشت پنجره؛ علی غلامی و...

ویژه دانش آموزان دبیرستان

- ۱- فاطمه و باز هم فاطمه؛ حسین جعفری
- ۲- معجزه نزول باران؛ علی اکبر حلیمی
- ۳- آخرین معرکه؛ علی اصغر خطیب زاده
- ۴- خواجه نصیرالدین طوسی؛ عبدالحی شماسی



امروزه در میان مردم، بخصوص در میان مردم تحصیل کرده، کم‌تر کسی پیدا می‌شود که چون گذشته هر هنر را به‌طور جدی و موسیقی و نمایش و... را به‌دیده تحقیر نکند. این خود نشان دهنده آن است که جامعه نسبت به گذشته نااندازه‌ای به رفاه نسبی دست یافته است که بتواند با نگاه مثبت به هنر و

آموزش حرفه‌ها چنین نیست و مثلاً اگر چند نفر را در یک رشته فنی یا حرفه‌ای خاص آموزش دادیم، تقریباً همه آنها می‌توانند پس از چندی به بهره‌دهی لازم برسند و زندگی خود را اداره کنند. خلاصه این که مردم «حرفه‌ها» را عشق زندگی و «هنرها» را چاشنی زندگی می‌دانند که فقط می‌تواند آن را خوشایند سازد

مثلاً یک گروه، مورد توجه قرار گیرد. در روایات آمده است که خداوند انسان را از آن جهت خلق کرد که می‌خواست خود را به هستی بستاناند و خویش را در آینده‌ای (انسان) تبدیل کند. شاید از این جهت است که پاره‌ای عقیده دارند انسان بجایی که حق است، در عالم هر چه معین‌طور است، اگر کسی مثلاً

آدمی اول حریص نماند بود
چون نه نادر گشت مستغنی ز نمان

زان که قوت دان ستون جان بود
عاشق نام است و مدح شاعران
ملوی/ دفتر چهارم



هنر و زندگی

جعفر ربانی



هنرمندان نگرند، فرحانقت شعر مولوی تا حدی تحقیر یافته است. با این حال بیشتر همین مردم، به حرفه‌هایی چون پزشکی و مهندسی و مشاغل فنی و حتی مشاغل آزاد رغبت بیشتری نشان می‌دهند و هنر را نسبت به اینها در درجه بعدی اهمیت قرار می‌دهند.

این بدان معناست که مردم یک دسته از فعالیت‌ها را «حرفه» می‌شناسند و دسته‌ای را «هنر» و بدیهی است که حرفه را «فن» تلقی می‌کنند و هنر را «تفنن»، یعنی چیزی که به کار ذوق‌آزمایی، تزیین، سرگرمی، تفریح و گذران اوقات فراغت می‌آید.

نظر مردم علی‌الاصول درست است. زیرا می‌باید هنر و هنرآموزی نیازمند داشتن استعداد خاصی است که در همه به یکسان یافت نمی‌شود. بنابراین، به نظر اینان اگر یک بچه بی استعداد یا کم استعداد را به کار هنری وادار کنیم عمر او را هدر داده‌ایم؛ درحالی که

و به‌یشت: این گرایش البته مانع آن نیست که مفهوم هنر و حرفه را دقیق‌تر بشناسیم و هر یک را در جای خود قرار دهیم و بگوئیم هنر را هم در متن زندگی قرار دهیم؛ چنان‌که در پاره‌ای مولود چنین است:

هنر و پرورش شخصیت

چون بحث ما در حوزه آموزش و پرورش است، نخست باید بر این نکته تأکید کنیم که مدرسه باید هنر را در خدمت آموزش و در جهت پرورش شخصیت کودکان و نوجوانان قرار دهد. انسان چون موجودی اجتماعی است هنگامی احساس شخصیت می‌کند که خود را واجد اهمیتی اجتماعی احساس کند و از ارزش یا موقعیت مطلوب خود در میان جمع آگاه شود. یک ارزش خاص، معمولاً به خودی خود در نزد فرد اهمیت پیدا نمی‌کند بلکه هنگامی مهم می‌شود که از سوی جامعه،

ذوق نقاشی دارد، ناملوهای زیبایی هم می‌کشد هنگامی کاملاً از هنر خود لذت می‌برد که دیگران آثار او را ببینند و هنر او را بشناسند و در حدارزش، آنها و او را تحسین کنند.

در دانش امروز، بخصوص دانش امروزان دوره رفاه‌یابی که در آخر شگفتان هستند، این احساس به شدت وجود دارد و تعداد دانش‌آموزان یا دبیران این که دیگران «وجود» او را می‌شناسند و برایش اعتبار و ارزش قائل اند، اندک‌اند و نفس پیدا می‌کند، خودش را فردی شایسته و قابل احترام احساس می‌کند.

معمولاً اگر کسی به خاطر داشتن هنری مورد تشویق قرار گیرد بسیار مؤثر است تا این که برای درس خاصی تشویق شود. چه «هنر» امری فردی است و در هر کس به گونه‌ای تجلی می‌کند درحالی که مثلاً درس زبان فارسی به گونه‌ای است که همه می‌توانند

تا درجه ای در آن موفقیت عالی کسب کنند. به هر حال، با چنین نگاهی به هنر، که نگاه تربیتی است، می توان در وجود هر دانش آموز هنری و خلاقیتی جست و جو کرد و آن را دستگیره تعالی بخشیدن و ترقی دادن شخصیت او قرار داد. این نکته ای است که معمولاً در آموزش هایی که به مربیان و مشاوران مدارس داده می شود مورد توجه قرار می گیرد و ما به اشاره از آن گذشتیم.

هنر و اقتصاد

اگرچه بین «هنر» و «حرفه» نمایز قبایل شدیم اما فراموش نکنیم که در عین حال، بسیاری از هنرها فارغ از جنبه حرفه ای نیستند، بلکه خود یک حرفه اند. در بسیاری از شهرهای ایران، از جمله اصفهان، می توان بازارهایی را مشاهده کرد که تماماً به تولید و فروش آثار هنری اختصاص دارد. از همه اینها چشم گیرتر هنر فروش یا قالی بافی است.



که علاوه بر این یک هنر تمام عیار است. نامین کننده شغل و درآمد میلیون ها نفر در سراسر کشور، از بافنده تا فروشنده نیز هست. از بیان این نمونه ها می خواهیم نتیجه بگیریم که می توان با تغییر جهت دادن به آموزش هنر در مدارس و در آمیختن هنر با اقتصاد، برحسب زمینه های بومی و منطقه ای

هر محل، هزاران شغل و حرفه تولید کرد و بر درآمد خانواده ها افزود. مضافاً که امروزه به کمک شیوه های صنعتی، با هنرهای نوظهوری روبه روییم که بکلی اهمیت و ارزش اقتصادی دارند و به وفور در بازار خریدار دارند از جمله هنرهای گرافیک، نقاشی کودکان، طراحی جلد کتاب، طراحی صحنه، فیلم سازی، پرورش گل های تزئینی، طراحی مدل های لباس و...

این هنرها همچون قالی بافی، از قلمرو هنر صرف خارج اند و به واسطه ارتباط روزمره ای که با زندگی دارند به یک حرفه تبدیل شده اند و در ضمن به ما نشان می دهند که امروزه دیگر جایز نیست در آموزش هنر به همان چند قلم هنر سنتی چون نقاشی، خط و... اکتفا کنیم و لازم است با نگاهی جدید به این مقوله بنگریم.

هنر در مدرسه

باید اذعان کرد که در مدارس ما آموزش هنر به گونه ای اصولی و سودبخش صورت نمی گیرد. تلقی عمومی از کلاس هنرگذران وقت، ضمن انجام دادن یا ندادن تکلیفی، باری به هر جهت است. برنامه درسی هم چیزی بیش از این از معلم و دانش آموز طلب نمی کند. البته از این حسن کلاس هنر، همچون درس ورزش، نباید گذشت که ساعت فراغت در میان سایر ساعات ها، برای بچه ها فراهم می کند تا، اگرچه به ندرت، بتوانند خلاقیتی از خود بروز دهند.

اگر کلاس های هنر ما می توانست برای مثال، تنها مسئله خوش خطی، و بهتر بگوییم، بدخطی همه بچه ها را حل کند کاری بزرگ و در خور ستایش انجام داده بود و دروغا که چنین نیست. لذا اگر دانش آموزی به درجه قابل قبولی از هنرمندی برسد، قطعاً در نتیجه استعداد و پشتکار خودش بوده است و گرنه بسیار بعید است که یک کلاس هنر در مدرسه بتواند حداکثر ۱۰٪ دانش آموزان را در

رشته های مثلاً خط یا نقاشی، به درجه هنری سطح بالایی برساند، گرچه مواردی از استثنا هم وجود داشته باشد. می خواهیم نتیجه بگیریم که آموزش هنر در مدارس به یک بازیینی اساسی حول دو محور نیاز دارد: ۱- پرورش شخصیت دانش آموزان و برآوردن نیازهای روحی و عاطفی آنها (نیاز امروز)، ۲- هم جهت شدن با نیازهای حرفه ای و اقتصادی آینده آنان (نیاز فردا). در واقع همان طور که فرض ما بر این است که آموزش علوم تجربی علاوه بر پرورش ذهن (هدف امروز) در نهایت جمعی از دانش آموزان را هم به سوی وارد شدن به رشته های علمی و فنی و پزشکی سوق می دهد (هدف فردا) به هنر هم باید چنین نگاهی داشته باشیم. با این تفاوت که علوم تجربی در مدرسه جدی گرفته می شود ولی هنر جدی گرفته نمی شود، زیرا نظام آموزشی برای آن هدف اقتصادی و حتی هدف جدی هنری متصور نیست.

یک پیشنهاد

با توجه به آنچه گفتیم، انتظار این که برنامه های فعلی آموزش هنر در مدارس که عمدتاً در دوره راهنمایی وجود دارد، بتواند به اعتلای هنری دانش آموزان بینجامد بسیار دور از انتظار است و باید راهی دیگر را جست و جو کرد. لذا پیشنهاد می شود در مورد درس هنر دو کار صورت گیرد. اولاً برای این که هدف پرورش هنر، که منحصر به کلاس هنر هم نیست، عملی شود. همه معلمان تحت آموزش «زیباشناسی» قرار گیرند تا به مرور زمان «هنر» و «درک هنری» در حرفه آنها جنبه ای زمینه ای پیدا کند. در این صورت، در هر رشته ای که باشند، به تناسب حال، رگه های هنری دانش آموزان خود را کشف خواهند کرد و آنها را در جهت اعتلای هنرشان سوق خواهند داد. برای رسیدن به چنین هدفی می توان در درس های عمومی مراکز تربیت معلم و آموزش های ضمن خدمت، درس یا



دیدگاه‌هایی تازه در این زمینه متضمن رویکردی اقتصادی نیز باشد. این دو درس را با یکدیگر تلفیق کرد و با یک جا کردن امکانات دو درس (ابرویی استثنایی و صنعت تخصصی و امکانات کارگاهی و ابزاری و ...) همه این را از تجربه بی‌عملی کنونی جدت داد و همه به حرفه و فن، البته در بخش‌های ایران، وجهه هنری بخشید. ویژگی چنین اقدامی این است که می‌توان هنرهای بومی ایران (سبک کتله هنرهای صنعتی) به عنوان یک حرفه و رشته برنامه‌ریزی کرد. برای مثال، قالی بافنی، که بدان اشاره شده، در سراسر ایران یک حرفه هنری است. اعداد آموزش‌های درجانی ندارد. همچنین است هنرهای مستطه‌ای چون پتو دوختن (کوبان)، سوزن‌دوزی (سوجستن)، صنایع دستی (اصفهان)، سفالگری اقمه و همدان، صنایع چوبی (شمال کشور) و دهها صنعت دستی دیگر که در حال حاظر مملکت و جود دارد و وارد کردن آنها به برنامه‌های درسی - آموزشی چشم‌برنامه‌ریزان، که علی‌الغایه، در پیش - همه بدانها توجه داشته باشند، مغفول مانده است.

زیرنویس

۱- این همه‌ها آموزشی - مساحتی - قلمداد، جاسوتی، میسرتواری، مست‌کاری، کشی‌سازی، کشی‌کای، افسون‌دوزی و ... لقب - برافراشته و غیرمستطقی هستند. امروزه اغلباً هنرهای درسی به‌شمار می‌روند و در دو سه دهه پیش در دست در میان زدایی قرار داشتند و مثلاً مدها از طرف منی قلم‌بندی شده یا سفید فیکر و ... در خانه‌هاست استفاده می‌کردند.



در هر سال تحصیلی سه نوبت حرفه و فن می‌خوانند. کندی در زمینه کشاورزی، کشی در زمینه صنعت و کتابی همه در زمینه خدمات، به گفته‌ای که اگر مثلاً دانش‌آموزی روستایی، می‌تواند تحصیل در این دوره، سه نوبت به نوبت کشاورزی، حرفه و فن، برای جواد، تا حد قابل قبولی تا مهم‌ترین مسائل و موضوعات رشته کشاورزی آشنایی شود. در پایان سه سال می‌توانست افسس - روشنی از رشته کشاورزی در نظر خود داشته باشد و تحصیل خود را در این رشته ادامه دهد. به همین ترتیب، سه کتاب صنعت و سه کتاب خدمات چنین بیستلی را به دانش‌آموز می‌داد و او را به خوبی آماده تحصیل در رشته‌های فنی و با خدمات سوق می‌داد. در حال حاضر، به هر دلیل، آن سه کتاب حتی خود را به سه کتاب، هر سال یک کتاب، داده است که آن همه حاوی موضوعاتی کلی و بی‌ماده است و به نظر می‌رسد دانش‌آموزان در تمام اوزان ایران مشکلی داشته باشند. و لذا نمی‌تواند هم مثل سابق، به دانش‌آموزان اطلاعات یا مهارت‌های فنی، کشاورزی و حرفه‌ای (خدماتی) بدهد. لذا پیشنهاد ما این است که گاه اوقات فراغت است دانش‌آموز به اندازه گذشته، چیزی از حرفه و فن یاد بگیرد، می‌تواند چندین ساعت در مجامع این دو درس، می‌تواند حرفه و فن و بی‌الحد

درس‌هایی در تمام ایستگاه‌ها، تا لحاظ نمودن جنبه‌های تربیتی و روش‌شناختی موضوع قرار داد. این درست مشابه‌گیری است که اکنون در مورد اصول عقاید اسلام می‌شود. درس‌های اجتهاد بی‌اسلامی و افروزی و احکام او - که اکنون در مراکز تربیت معلم تدریس می‌شود - همی جز این ندارد که زمینه‌های اعتقادی معلمان در همه رشته‌ها تقویت کند و به به خلق و جوی معنوی و اسلامی بچشد. در زمینه هر دو اگر همه معلمان ما، ذوق هنری یا قدرت تشخیص زبانی داشته باشند، می‌توانند هم به پرورش شخصیت دانش‌آموز کمک کنند و هم او را در نهایت، در پایان سال سوم راهنمایی، اگر واجد خلاقیت هنری خاصی تشخیص دادند، به سوی ادامه تحصیل در رشته‌های مناسب، به هیئت‌ها یا بازار کار هدایت کنند.

و اما همین کار این است که درس هنر را حذف از آن زمان در حرفه و فن تلفیق کنیم. چگونه آنه شرحی که می‌آوریم: البته متوقف به این که با آنچه در مورد وضعیت فعلی هنر گفتیم، و کنیم که آموزش هنر فعلی، به باردهی پرورشی و مطلوب را دارد و به بازدهی عملی و حرفه‌ای مورد نظر را، موافق باشیم. در سال‌های اول تا سیزدهم دوره راهنمایی، یعنی از سال ۱۳۴۶ به بعد، دانش‌آموزان



از نگاه تولستوی*

● اگر هنری در ما تأثیر نکند، نمی توان گفت به علت عدم فهم شنونده و تماشاگر است، بلکه باید نتیجه بگیریم که هنر بدی است و یا اصلاً هنر نیست.

● هنر ملی فقط آنگاه به وجود می آید که انسانی از زمره توده مردم ضرورت انتقال احساس نیرومندی را که خود تجربه کرده است دریابد.

● اگر به نظر ما در جامعه ای شعور دینی وجود ندارد، به نظر ما چنین می رسد، زیرا نمی خواهیم آن را ببینیم، نه آن که جامعه واقعاً فاقد شعور دینی باشد.

● آرمان مسیحیت آنچنان همه چیز را دگرگونه ساخت که به گفته انجیل، آنچه نزد آدمی بزرگ بود، پیش خداوند متفور شد.

● دیگر، کمال مطلوب، عظمت قرون مصری و امپراتور رومی و زیبایی یونانی و ثروت فنیقی نبود. بلکه فروتنی و پاکدامنی و غمخواری و دوستی شد... عالی ترین محصول هنر، معبد پیروزی یا مجسمه فانتحان نبود، بلکه نمایاندن روح آدمی بود.

● اگر از من می خواستند که در هنر نو، نمونه هایی از انواع هنر به دست بدهم، در قلمرو ادب به عنوان نمونه هنر عالی، هنری که از عشق به خداوند و همسوی سرچشمه می گیرد، به «راهزنان» اثر شیللر و از آثار متأخران به «مردم نهی دست» و «بینوایان» هوگو و حکایات و داستان های دیکنز: «داستان دو شهر» و «آهنگ موزون زنگ ها» و دیگر آثار وی و به «کلیه عموم» و به آثار داستایوفسکی، بویژه «خانه مردگان» او و «آدام بد» جرج الیوت اشاره می کردم.

می دهد تعیین می کند. از این رو در دیده تمام ملل، هنری که احساسات ناشی از شعور مشترک دینی آن ملت را منتقل کرده است هنر «خوب» دانسته شده است.

● فعالیت هنرمندان قرون وسطی شاید برای عصر ما پست و بی ارزش باشد ولی در آن زمان هنر واقعی بود. زیرا در دسترس تمامی افراد ملت آن هنرمند قرار داشت و همگانی بود.

● پس از تحولات رنسانس در اروپا طبقات غالبه بی هیچ گونه جهان بینی دینی به جای ماندند، و چون فاقد هرگونه جهان بینی بودند، برای ارزیابی خوب و بد معیاری جز لذت نمی توانستند داشت.

● هنر طبقات غالبه، که به سبب گران بودن از دسترس اکثریت افراد طبقه زحمت کش به دور است، از لحاظ مضامین نیز برای آنها بیگانه است، زیرا احساسات مردمی را انتقال می دهد که از شرایط زندگی توأم با کار و زحمت به دوراند و احساسات ایشان برای اکثریت بزرگ بشریت شگفت آور است.

● برای این که هنر را دقیق تعریف کنیم، پیش از همه لازم است که بدان همچون یک وسیله کسب لذت نگریم، بلکه هنر را یکی از شرایط هنر بشری بشناسیم.

● هنر یکی از عالی ترین تحلیلات تصور، خدا، زیبایی و یا عالی ترین لذت روحی و معنوی است.

● انسان به یاری «کلام» افکار خویش و توسط «هنر» احساسات خود را به دیگری انتقال می دهد.

● مختاریم که زیر عنوان هنر، تنها آنچه را که در تماشاخانه ها و کنسرت ها و... مجسمه ها و داستان ها می بینیم و می شنویم و می خوانیم هنر بدانیم؟ اما اینها همه بخش بسیار کوچک از هنر است. سراسر حیات انسانی آکنده از هرگونه فرآورده هنری است.

● همیشه، در همه دوران ها و در هر یک از جوامع بشری، یک شعور دینی وجود دارد که تمامی افراد جامعه در آن سهیم اند، و این شعور دینی معیار بیک و بد است و ارزش احساساتی را که «هنر» انتقال

● لئو تولستوی نویسنده پراوازه روسی در قرن نوزدهم کتابی دارد به نام «هنر چیست؟» که از آثار ارزشمند در موضوع شناخت هنر است. این مطالب را از آن کتاب گرفته ایم.



مطلب

علوم

سهیلا نیک نژاد - شبیا ملک

پیشنهادهایی

برای تدریس علوم پایه دوم راهنمایی

الف) موضوع نور

البته در این جا نقش مایه عنوان معنی فقط راهنمایی و هدایت آن ها بود. به این ترتیب که ابتدا می‌بایست، از ناطق آزمایش و کاربردی با نام موضوع درسی تأیید نموده و سپس، وسایل و ابزار مورد نیاز دانش آموزان را در اختیارشان بگذاریم.

در کلاس ما، دانش آموزان فعالیت‌های ملاحظه‌ای را انتخاب می‌کردند و پس از تکمیل، به گروه‌های دیگر ارائه می‌دادند. یک گروه دستگاه پروژکتور ساختند و با آن تصویر یک قطعه اسلاید را روی پرده، در کلاس نمایش گذاشتند. گروه دیگر، به کمک چند صفحه که هر کدام دارای یک سوراخ ریز بود، برای تحقیق درباره مسیر حرکت نور آزمایش کردند. گروه سوم، با چسباندن سکه‌ای زیر یک بشیر و سپس پر کردن تدریجی آن از آب، پدیده شکست نور را تجربه کردند. گروه چهارم، آزمایش بازتاب نور از سطح آب را به نمایش گذاشتند. گروه پنجم، با استفاده از یک بشیر پر از آب یک عدسی ساختند و با تاباندن نور چراغ قوه به آن، کوه‌های جیبی را ایجاد

برای ایجاد انگیزه بیش تر در دانش آموزان در بحث نور، می‌توان از روش‌های متفاوتی استفاده کرد. یکی از این روش‌ها، استفاده از کتاب‌هایی است که به موضوع نور به صورت کامل تر، همراهِ با آزمایش‌های مناسب و متنوع پرداخته‌اند. مانند: کتاب‌های «فیزیک زنده»، کتاب ۱۰۱۱ آزمایش لذت بخش فیزیک، «سور» (تفریح با علم نور) و مانند اینها. برای آشنایی دانش آموزان با این کتاب‌ها، می‌توان آن‌ها را تهیه کرد و در اختیار گروه‌های دانش آموزان گذاشت.

ما در کلاس، ابتدا عنوان موضوع‌هایی را که در بحث نور سؤال دوم راهنمایی مطرح شده است، با دانش آموزان در میان گذاشتیم و از آن‌ها خواستیم، آزمایش‌های مربوط به این موضوع‌ها را ببینند و با استفاده از وسایل آزمایشگاه، آن‌ها را انجام دهند، یا کاربردی‌هایی را طراحی کنند و بسازند.

طرف دیگر بالن مشاهده می‌شد، به همه دانش آموزان نشان دادند. گروه بعدی هم، به کمک همین عدسی، تصویر یک شمع را روی پرده‌ای مشاهده کردند. ابتکار و خلاقیت بچه‌ها وقتی احساس می‌شود که هیچ دستورالعمل مشخصی برای انجام آزمایش‌ها وجود ندارد و این خود آن‌ها هستند که با ذوق و ابتکار خود می‌توانند آزمایش‌ها را به پیش ببرند و تجربه کنند، در همین رابطه، دو گروه دست به تجربه‌های تازه‌ای زدند:

افراد یک گروه، داخل بالن آب که به عنوان عدسی از آن استفاده می‌کردند، مایع قرمز رنگی ریختند و سپس شمعی جلوی آن قرار دادند. تصویری که از شمع روی پرده افتاد، بسیار جالب و دیدنی بود و همه شمع را قرمز رنگ نشان می‌داد.

افراد گروه بعدی، یک بالن خالی را از دود حاصل از شعله کبریت پر کردند و سپس نور چراغ قوه را از یک طرف به درون آن تاباندند. این آزمایش به خوبی مسیر حرکت مستقیم نور را نشان می‌داد. نوری که مانند یک مخروط از چشمه نور (چراغ قوه) دور شده بود، مسیر خود را در فضای پر از دود داخل بالن به خوبی درخشان و نورانی کرده بود.

آزمایشی هم خودمان برای موضوع «بازتاب نور» انجام دادیم. برای این کار از مداد نشانگر لیزر استفاده کردیم و نور آن را به یک آینه تابانیدیم. سپس از بچه‌ها خواستیم هر کدام آینه‌ای در دست بگیرند و سعی کنند، بازتاب‌های مکرر نور لیزر را به کمک آینه‌های خود دریافت و به سایر افراد کلاس بازتاب دهند. البته قبل از آن، موارد ایمنی را در مورد استفاده از نور لیزر به بچه‌ها آموزش دادیم و از آن‌ها خواستیم، آینه‌ها را دور از بدن خود نگه دارند. از آن‌جا که مسیر حرکت نور لیزر به خوبی در فضای تاریک مشاهده می‌شود، دانش آموزان توانستند، مسیر پرتوهای تابش و بازتاب آن‌ها را ببینند، محل بازتاب‌های بعدی را نیز پیش‌بینی کنند و براساس آن، جای آینه‌های خود را تغییر دهند.

ب) مبحث موج

بعد از آن که دانش آموزان با موج‌های طولی و عرضی و روش ایجاد آن‌ها آشنا شدند (فعالیت مشاهده کنید، صفحه ۴۳ کتاب را انجام دادند)، برای آن‌که با مشخصات موج، طول آن و چگونگی رسم شکل موج هم آشنا شوند، فعالیت زیر را طراحی کردیم:

دانش آموزان را به حیاط مدرسه بردیم و از ۲۰ نفر آن‌ها خواستیم روی یک خط راست با فاصله‌های مساوی بایستند. سپس به ترتیب آن‌ها را به شماره‌های (۰، ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰) نامگذاری کردیم و به همین ترتیب تا آخر صف، ادامه دادیم.

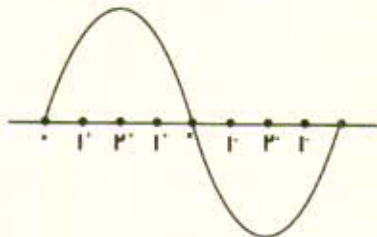
در حالی که بقیه دانش آموزان ناظر بودند، از افراد داخل صف خواستیم مطابق دستور زیر حرکت کنند:

- شماره‌های ۰ سر جای خود بایستند.

- شماره‌های ۱۶ یک قدم به جلو بروند.
- شماره‌های ۲۰ دو قدم به جلو بروند.
- شماره‌های ۱۲ یک قدم به عقب بروند.
- شماره‌های ۲۰ دو قدم به عقب بروند.

بعد، از دانش آموزان ناظر خواستیم در همان وضعیت، مسیر شکلی را که از حرکت بچه‌ها ایجاد می‌شود، با گچ روی زمین بکشند. سپس روی این شکل موجی، نقاط قله و قعر را مشخص کنند و طول موج را اندازه بگیرند.

برای تکمیل فعالیت فوق، از بچه‌هایی که داخل صف ایستاده بودند و شکل موج را تشکیل می‌دادند، خواستیم از یک طرف صف، نفر اول، یک حرکت را انجام دهد و بلافاصله بعد از اتمام، نفر بعدی همان حرکت را انجام دهد و تا آخر. بعد از رسیدن حرکت موجی به نفر آخر صف، حرکتی برعکس حرکت اول، این بار از انتهای صف به طرف ابتدای صف انجام شود. نمایش این حرکت موجی، از دید دانش آموزان ناظر، دقیقاً نحوه انتشار موج و رفت و برگشت آن را نشان می‌داد. این فعالیت برای بچه‌ها، خیلی جالب و آموزنده بود. یا تکرار آزمایش و با تغییر فاصله بین دانش آموزان در صف و نیز تغییر تعداد قدم‌های آن‌ها و نوع حرکت موجی، موج‌های بسیار متنوعی طراحی و به اجرا درآمد که همه آن‌ها به آموزش عمیق‌تر مشخصات موج کمک می‌کرد.



ج) چشمه‌های صوت

برای آن که دانش آموزان با انواع چشمه‌های صوت بیش‌تر آشنا شوند و به عوامل تغییر صوت، در هر یک از این نوع چشمه‌ها، یعنی وسیله‌های زهی، وسیله‌های بادی و وسیله‌های ضریبی پی ببرند، فعالیت زیر را طراحی کردیم:

به هر گروه دو قطعه چوب، کش با ضخامت‌های متفاوت، میخ و چکش، قوطی پلاستیکی، چند تکه پلاستیک و یک قطعه لوله پلاستیکی دادیم. سپس از بچه‌ها خواستیم به کمک این وسایل، یک وسیله زهی، یک وسیله ضریبی و یک وسیله بادی طراحی کنند و بسازند.

بعد از ساخت هر کدام از وسایل، از آن‌ها خواستیم با تغییر یک یا دو عامل، صدای تولیدشده آن دستگاه را تغییر دهند. این فعالیت برای آن‌ها بسیار جالب، لذت‌بخش و آموزنده بود و آن‌ها را با قوانین موج صوتی به خوبی آشنا ساخت.

مدارس راهنمایی

نویسنده: Mel Myriam

ترجمه: سعید قریشی

منبع: Eric (اینترنت)

(چشم اندازی به آینده)

زبان خارجی در



مربوط است). کیفیت آموزش زبان خارجی در دوره راهنمایی تأثیری اساسی در موفقیت یادگیری در سال‌های آینده دانش‌آموزان بر جا می‌گذارد و حال آن‌که در زمینه تهیه متون مناسب آموزشی - برای سطح درک و فهم دانش‌آموزان این دوره، کار زیادی صورت نگرفته است.

فلسفه وجودی مدارس راهنمایی

سازمان آنها و برنامه‌های آموزش زبان خارجی

فلسفه اینکه اساسی در فلسفه مدارس راهنمایی اعتقاد بر این اصل است که دوره راهنمایی تنها ادامه دوره ابتدایی نیست بلکه دارای ماهیت و رسالتی مخصوص به خود است. فلسفه مدرسه راهنمایی به سال‌های آغازین نوجوانی به عنوان دوره‌ای می‌نگرد که دانش‌آموزان، مانند خود و محیط اطراف خود را کشف کنند. در تلاش‌هایی که برای طراحی برنامه‌های درسی دوره راهنمایی متناسب با نیازهای شناسایی دانش‌آموزان

در طی دو دهه اخیر نوآوری‌هایی جدی در طراحی، اجرا و آموزش زبان‌های خارجی در دوره ابتدایی صورت گرفته است. در همین سال‌ها قدم‌هایی اساسی برای بهبود برنامه‌های آموزش زبان خارجی در دوره دبیرستان نیز برداشته شده و شیوه آموزش به سمت شیوه «ارتباطی» (Communicative) متمایل شده است. این تغییر جهت به سوی تأکید بر مهارت‌های زبانی، خصوصاً در دوره متوسطه پیام‌هایی گسترده‌ای به برنامه‌ریزان در مورد محتوا و روش آموزش داشته است. ولی در مقام مقایسه می‌توان گفت برنامه‌های آموزش زبان خارجی در دوره راهنمایی چندان مورد توجه قرار نگرفته است (منظور کشور آمریکا است) به دنبال افزایش تأکید بر روی شروع زود هنگام و تداوم طولانی در آموزش زبان خارجی، ضرورت بازنگری در محتوا و روش آموزش زبان خارجی در دوره راهنمایی دوچندان می‌شود. البته این امر به کشورهای که آموزش زبان خارجی را از دوره ابتدایی شروع می‌کنند،

صورت گرفته مشخصات تعلیم و تربیت به جنبه‌های اکتشافی سهم بیشتری را اختصاص داده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به محتوای اکتشافی (exploratory) برای زبان خارجی اشاره کرد. چنین محتوایی می‌تواند نقش مهمی در استمرار یادگیری زبان خارجی ایفا کند. اما مسائل دیگری هم هست که باید به آنها توجه کرد. در میان متخصصین آموزش زبان خارجی هنوز در مورد نقش، ارزش و زمان مطلوب برنامه‌های مبتنی بر اکتشاف بحث است. در مورد دانش آموزانی که با تجربه آموزش زبان در دوره ابتدایی به دوره راهنمایی وارد می‌شوند، این سؤال مطرح است که چگونه باید آنها را به برنامه‌های اکتشافی وارد کرد، در عین این که باید هنوز فرصتی برای ادامه برنامه‌های مبتنی بر ترتیب و توالی (sequential) برای آموزش آنان در نظر گرفت.

سازمان مدرسه: برخلاف مدارس ابتدایی که دانش آموز بیشتر وقت خود را با یک معلم می‌گذرانند و برخلاف دبیرستان که دانش آموز روزانه با چهار پنج دبیر مختلف سروکار دارد، مدارس راهنمایی اغلب به شکل تیم‌های بین رشته‌ای از معلمان، سازماندهی می‌شوند (چنین روش سازماندهی در کشور ما وجود ندارد). این تیم‌ها مشکل از چهار یا پنج معلم هستند که ۱۰۰ الی ۲۰۰ دانش آموز را تحت تعلیم دارند. تیم اصلی مشکل است از معلمان ریاضی، علوم تجربی، علوم اجتماعی و زبان مادری. این تیم‌ها هر روز با هم ملاقات می‌کنند تا بتوانند آموزش‌های مورد نیاز برنامه درسی را طراحی و اجرا کنند. معلمان زبان خارجی اغلب در این تیم اصلی حضور ندارند و لذا احساس می‌کنند که از ایفای نقش در رسالت محوری مدرسه محروم شده‌اند. بعضی از مدارس سعی کرده‌اند یا شرکت دادن معلمان زبان در تیم اصلی دبیران، به حل این مشکل اقدام کنند.

واحدهای درسی بین رشته‌ای و برنامه درسی زبان خارجی

آموزش به شیوه بین رشته‌ای در مدارس راهنمایی محبوبیت خاصی یافته است زیرا به تدریج این عقیده رایج شده است که وقتی دانش آموزان بتوانند اهداف اصلی مواد درسی مختلف را در ارتباط با یکدیگر درک کنند و از آموخته‌های یک درس در درس دیگر استفاده کنند، سطح یادگیری آنها بالاتر می‌رود. وقتی محتوا و هدف دروس با هم پیوند بخورند، طبیعی است که یادگیری بهتری حاصل می‌شود. سه شیوه متداول در برنامه‌های تلفیقی عبارتند از: شیوه طراحی واحدهای درسی بر اساس یک موضوع (مثلاً انرژی، محیط زیست، حمل و نقل)،

شیوه مرتبط کردن دو درس در مباحث مشترک و شیوه پرورش مهارت‌های فکری.

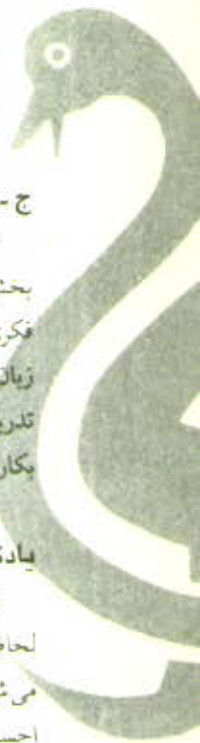
الف - شیوه واحدهای درسی موضوعی:

شیوه متداول در اکثر مدارس راهنمایی این شیوه است. نحوه عمل به این صورت است که معلمان عضو تیم آموزش، محتوا و مهارت مربوط به درس خود را حول یک موضوع از قبل تعیین شده تنظیم می‌کنند. البته این نوع برنامه ریزی بعضاً برای برخی معلمان نگرانی ایجاد می‌کند، زیرا همواره هدف درس مربوط به آنها، با اهداف موضوع مشترک تیم هماهنگ نیست. به عنوان مثال تنظیم برنامه تدریس معلم ریاضی و معلم زبان خارجی پیرامون یک موضوع مشترک که با اهداف هر دو سازگار باشد همیشه ممکن نیست. با وجود این، معلمانی هستند که تلاش می‌کنند راه‌هایی برای ایجاد این ارتباطات بیابند.

ب - شیوه ایجاد ارتباط بین برنامه‌های مختلف:

در این روش معلمان دروس مختلف می‌کوشند آنجا که مطلب درسی به یک موضوع می‌رسد که تا حدی به هم ارتباط دارد، حداکثر ارتباط را بین محتوای دو درس برقرار کنند. مثلاً وقتی معلم علوم اجتماعی در درس خود به بحث کشورهای آمریکای لاتین می‌پردازد، معلم زبان اسپانیایی (به عنوان زبان خارجی) نیز مطالبی را عنوان می‌کند که به فرهنگ و زبان مردم آمریکای لاتین مربوط است. البته ممکن است معلمان با هم توافق کنند که هرکس درس خود را بدهد ولی مطالب مشترک و مربوط به درس دیگر را به صورت فوق برنامه تدریس کند و یا این که ممکن است از ابتدا در طراحی درس‌های خود به این ارتباطات توجه کنند.

ممکن است ارتباط بین یک موضوع در دو درس مختلف گاهی واضح و آشکار باشد و گاهی آشکار نباشد. بسیاری از معلمان مبتکر زبان، شیوه‌هایی را یافته‌اند که این ارتباطات را هرچه بیشتر در شیوه آموزش بین رشته‌ای برقرار کنند. مثلاً برای ایجاد ارتباط بین درس زبان فرانسه (به عنوان زبان خارجی) و درس ریاضی، می‌توان در مبحثی که شاگردان در درس زبان فرانسه در مورد غذا مطلبی می‌خوانند از آنان خواسته شود که میانگین قیمت هر پوند گوشت را از مقایسه لیست قیمت‌های فروشگاه‌های مختلف محاسبه کنند.



ج - شیوه پرورش مهارت‌های فکری

در این شیوه معلمان در دروس مختلف سعی می‌کنند بر روی بخش‌های خاصی که از قبل معین شده طوری تأکید کنند که مهارت‌های فکری خاصی در دانش‌آموزان تقویت شود. مثلاً ممکن است هم معلم زبان خارجی و هم معلم زبان مادری در قسمت مهارت نوشتن به گونه‌ای تدریس کنند که دانش‌آموزان مهارت کسب شده را در درس دیگر نیز بکار بگیرند.

یادگیرندگان زبان خارجی در مدارس راهنمایی

دانش‌آموزان دوره راهنمایی با ویژگی‌های خاص این دوره سنی از لحاظ رشد بدنی، احساسات، قوه درک و روابط اجتماعی مشخص می‌شوند. تغییرات جسمی و روحی دانش‌آموزان در این دوره و احساسات آنها، برای برنامه‌ریزان درس زبان خارجی پیام‌هایی دارد. مثلاً در مورد فعالیت‌هایی که به نحوی به توصیف اندام‌های بدن و یا مقایسه افراد از نظر بدنی مربوط می‌شود باید بسیار محتاطانه عمل کرد زیرا ممکن است شاگردان به خاطر ویژگی‌های بدنی خود (کوتاهی قد، لاغر، چاقی و...) احساس ناراحتی و خجالت کنند و از این که برای توضیح درس به جلو کلاس آورده شوند دچار ناراحتی و کم‌رویی شوند. باید به گونه‌ای عمل کرد که شاگردان احساس امنیت خاطر بیشتری کنند و در گروه‌های دو سه نفره با هم فعالیت کنند و معلم با آنها تعامل بهتری داشته باشد. نیاز به تحرک جسمی، فعالیت‌هایی را طلب می‌کند که دانش‌آموزان از نظر بدنی نیز برای انجام فعالیت درگیر شوند. فعالیت‌های بدنی و دست‌ورزی فرصت‌هایی را برای دانش‌آموزان پرتحرک و عمل‌گرا فراهم می‌کند. کار گروهی باعث آمد و رفت شاگردان در محیط کلاس می‌شود و غیرمنتظره نیست اگر بینیم بعضی از دانش‌آموزان روی زمین نشسته‌اند و یا پایشان را دراز کرده‌اند. (مقتضیات سنی چنین ایجاب می‌کند) پیازه عقیده دارد که سنین دوره راهنمایی زمانی است که بچه‌ها از مرحله تفکر عینی به مرحله تفکر انتزاعی وارد می‌شوند. چگونگی یادگیری مفاهیم جدید در این دوره تحت تأثیر تحولات ناشی از دوران بلوغ است. مشکلی که برخی دانش‌آموزان در یادگیری مفاهیم انتزاعی از قبیل دستورات گرامری زبان در این دوره دارند، نه به خاطر بی‌استعدادی بلکه به خاطر مرحله بلوغ آنها است. چنین دانش‌آموزانی از همان شیوه‌های عینی (که در دوره ابتدایی تجربه کرده‌اند) بهتر یاد می‌گیرند و با کمک اشیاء و تصاویر مفاهیم را بهتر درک می‌کنند.

راهبردهای مدارس راهنمایی

جهت‌گیری‌های گوناگونی که در برنامه‌های درسی مختلف وجود دارد، بر روی انتخاب راهبرد آموزش زبان خارجی نیز اثر می‌گذارد. دو تا از این جهت‌گیری‌ها عبارتند از: آموزش عملکرد محور (با آموزش با تأکید بر مهارت‌های ربانی) و آموزش بر مبنای ساحت‌گرایی (یا ساختارگرایی)

الف - آموزش عملکرد محور یا (مهارت محور)

نحوه عمل در این شیوه از آموزش چنین است که آموزش حول آن چیزی متمرکز است که دانش‌آموزان پس از یادگیری باید انجام دهند. حرکت به سوی نظریه معتقد به تأکید بر مهارت‌های زبانی (Proficiency) که موجب اصلاحاتی در شیوه آموزش زبان در دهه اخیر شده است، مبتنی بر همین روش است. در تنظیم برنامه‌های آموزش زبان خارجی در مدارس راهنمایی باید غلبه بر فعالیت‌هایی باشد که دانش‌آموزان را به کاربرد معنی دار و هدف‌دار زبان وادار کند. (به‌راحتی بتوانند تفهیم و تفاهم کنند).

برخی گزارش‌ها حاکی از این است که وقتی در آموزش زبان در دوره راهنمایی، شیوه تأکید بر مهارت به کار گرفته می‌شود، درصد بیشتری از دانش‌آموزان موفق می‌شوند. در دهه ۱۹۸۰ در یکی از مناطق آموزش و پرورش (آمریکا) که شیوه مهارت محور در تدریس به کار گرفته می‌شد، تعداد ثبت‌نام در مدرسه رشد چشم‌گیری یافت. در سال ۱۹۹۳ شورای ملی سرپرستان واحدهای آموزش زبان در مورد جایگاه برنامه‌های آموزش زبان خارجی بیانیه‌ای صادر کردند. در ضمیمه این بیانیه از آموزش زبان با شیوه مهارت محور، دفاع شده است. به طوری که از برنامه‌ریزان می‌خواهد اهداف، روش‌ها و محتوای برنامه‌های آموزش زبان را بر این مسأله قرار دهند.

ب - شیوه ساختارگرایی:

نظریه ساخت‌گرایی یا ساختارگرایی معتقد است که نقش فعال یادگیرنده در ساختن دانش خود دارای اهمیت زیادی است و نقش متقابلی بین دانش فعلی دانش‌آموز و دانش جدید وجود دارد. آموزش زبان خارجی به شیوه فعال و موثر باید فرصتی را برای شاگردان فراهم کند که با خلاقیت، فهم خود را از آنچه می‌شنوند و می‌خوانند شکل دهند (بسازند) و با خلاقیت آنچه را که فهمیده‌اند به شکل نوشتار و گفتار درآورند و بیان کنند. برای آن که شاگردان از یک زبان خارجی

فهم درستی بدست آورند، لازم است در معرض آن زبان قرار گیرند. چنین مواجهه‌ای سبب می‌شود که مفاهیم در زبان خارجی راحت‌تر فهمیده شوند. ادراک و عقیده به این که بین مفاهیم و شکل عباراتی که برای بیان آن به کار می‌رود، رابطه‌ی جدی برقرار است در امر مفهوم‌سازی نقش مهمی دارد. دانش‌آموز نمی‌تواند به زبانی که آن را نفهمیده و یاد نگرفته سخن بگوید. در مرحله‌ی اول از درونی کردن یادگیری زبان، دانش‌آموز می‌کوشد بین آنچه می‌شنود و معنی آن، انطباق ایجاد کند. یادگیرنده نیاز دارد بین صورت‌های مختلف زبانی (لغت، ساختار دستوری، محاوره) که با آنها روبرو می‌شود و مفاهیم آنها رابطه برقرار کند. در پی اجرای یک برنامه‌ی اجرایی که قدم به قدم دانش‌آموزان را به جلو ببرد، دانش‌آموزان در مسیر ساخت مفهوم پیش خواهند رفت. باید برای دانش‌آموزان مثال‌های قابل فهم در مورد ساختارهای جدید زبان آن‌طور که بین اهل زبان به کار می‌رود، فراهم کرد و زمینه‌ی گسترش صحبت کردن و نوشتن و همچنین شنیدن را ایجاد کرد تا هر چه بهتر بتوانند ساختارها را با مفاهیم منطبق نمایند.

برنامه و مواد آموزشی برای مدارس راهنمایی

مواد آموزشی که برای زبان خارجی در دوره‌ی راهنمایی فراهم می‌شود بایستی منعکس‌کننده‌ی مقتضیات سن رشد دانش‌آموزان این دوره بوده و با شیوه‌های متداول آموزش زبان همخوانی داشته باشد. کتاب‌ها و سایر مواد درسی باید هدف‌هایی را دنبال کنند که پس از اجرای آنها دانش‌آموزان به احساس موفقیت و رضامندی دست یابند. علاوه بر آن، مواد آموزشی باید دارای ویژگی‌های زیر باشند:

- متناسب با سن دانش‌آموزان بوده و دارای چنان انعطافی باشند که پاسخ‌گوی تنوع موجود در بین شاگردان باشند.
- منعکس‌کننده‌ی سبک‌های مختلف یادگیری بوده و توانائی‌ها، علائق، زمینه‌ها و میزان توجه دانش‌آموزان مختلف در آنها لحاظ شده باشد.
- فعالیت‌ها باید طوری باشند که تصور مثبت دانش‌آموز از خودش را تقویت کنند.
- یادگیری به صورت عینی و با به کارگیری کلمات مرتبط با زندگی انجام شود و تا آنجا که ممکن است از وسایل صوتی تصویری مثل عکس، پوستر، ویدئو و نوار استفاده شود.
- تمرینات و فعالیت‌ها طوری باشند که فعالیت بدنی دانش‌آموز را طلب کند و دانش‌آموزان با تعامل بدنی یا با فعالیت بدنی عملاً با آن درگیر شوند.
- فعالیت‌های یاددهی باید با تأکید بر فهم انجام شود نه اینکه صرفاً

در حفظ یک سری از کلمات و ساختارهای نامرتبط خلاصه شود. - مفاهیم مجرد و انتزاعی باید به کمک مثال‌های محسوس و ملموس و از طریق انجام فعالیت‌های کوچک و به هم پیوسته برای دانش‌آموز قابل فهم شود. - تعامل با همسالان باید در متن برنامه‌ها گنجانده شود تا شاگردان از منافع اجتماعی و آموزشی حاصل از کار گروهی بهره‌مند شوند.

زیرنویس:

۱. منظور از برنامه‌های مبتنی بر ترتیب و توالی برنامه‌هایی هستند که معتقدند در آموزش زبان باید ابتدا قواعد به ترتیب گفته شود و یادگیرنده به تدریج که قواعد را یاد می‌گیرد آنها را در جمله‌سازی به کار ببرد. در برنامه‌های اکتشافی، برنامه مفید به رعایت ترتیب در آموزش قواعد زبان نیست و دانش‌آموز را با خود زبان آن‌طور که در متن اجتماع به کار می‌رود، روبرو می‌کند و به دانش‌آموز یاد می‌دهند که قواعد را از متن زبان استخراج کند (کشف کند).



طرح زیر را، که نشان‌دهنده‌ی چهارم‌مرحله زبان‌آموزی است، آقای علی نصیرزاده، دبیر دبیرستان‌های سراب (آذربایجان

شرقی) تهیه و ارسال نموده و در مورد آن توضیحات زیر را نوشته است:

اولین مرحله زبان‌آموزی Listening است که به صورت دم‌قو (L) نشان داده شده است. بعد از این مرحله، مرحله Speaking است و در تصویر به صورت گردن و سینه‌ی قو (S) ملاحظه می‌شود. باز بودن دهان قو به منزله‌ی تکلم است. سومین مرحله نیز Reading است که بخش مهمی است و در واقع بدنه‌ی زبان‌آموزی است که به صورت پاهای قو و قسمتی از بدن آن (R) دیده می‌شود؛ و سرانجام مرحله نوشتن یا writing است که به صورت موج (W) در زیر پای قو ملاحظه می‌کند.

با تشکر از آقای نصیرزاده

اشاره: تاریخ عظیم و سیزده جلدی ویل دورانت مشهورتر از آن است که نیاز به معرفی داشته باشد. اما ویل دورانت کتاب کوچک و کم حجم، ولی پرمحتوایی نیز دارد که قابل توجه و خواندنی است و آن «درس های تاریخ» است که وی پس از به پایان رساندن تاریخ خود نوشته است. در اینجا گزیده ای از این کتاب را برای شما دبیران ارجمند مطالعات اجتماعی و دیگر علاقمندان به «پیش تاریخ» نقل می کنیم.

● تاریخ تابع زمین شناسی است. اگر چندی یازاد ببرد، تمدن در زیر شن مدفون می شود، چنان که در آسیای مرکزی اتفاق افتاد. و اگر چندی باران به شدت فرو بریزد، پیشروی جنگل موجب اختناق تمدن می شود. چنان که در آمریکای مرکزی رخ داد.

● نخستین درس تاریخ از نظر نگاه زیست شناسی این است که زندگی رفعت است. و نابرابری های اثری نابرابری های اجتماعی و غیرطبیعی با می آورند.

● طبیعت به جمع شدن آزادی و برابری در مبادی های فاصله ما ریشه خند می زند. زیرا که آزادی و برابری.

دانشمندان میگویند جوهره ایلی هستند. برای متوقف کردن رشد نابرابری باید آزادی را فدا کرد چنان که پس از سال ۱۹۱۷ در روسیه اتفاق افتاد.

● صد بی موالید نیز مانند جنگ می تواند تعیین کننده سرنوشت مذاهب باشد. همان طور که شکست مسلمانان (۷۳۲) در تور نگذاشت که قرآن در قرآسه و اسپانیا جایگزین کتاب مقدس شود، سارماک و انطاچه و اخلاقیات و ایمان و بیروزی برتر کاتولیک ها هم ممکن است که سرانجام بر اصلاح دین پروتستان ها و روشنفکری قرآسه حصر یفایان بکشد.

از بخش زیست شناسی و تاریخ

● تاریخ میان رنگ ها فوق نمی گذارد و می تواند در محیط مساعدتی توسط هر نوع مودمی تمدن پدید آید. مادی ها تمدن های خائل و آشور و سوریه و فلسطین و قیبه و کارتاژ و اسلام پدید آورند.

● اگر سیاهان آفریقا تمدن بر نمی پدید نیاید بده اند. این احتمالاً از آنروست که شرایط اقلیمی و جغرافیایی آنان را مختل کرده است. توجه کنیم که از تمدن سیاهان امریکایی در خلال صد سال اخیر، با وجود صدها مانع اجتماعی، چه تعدادشان در مشاغل مختلف و هنر و ادبیات به مقامات بلند رسیده اند.

از بخش نژاد و تاریخ



● مرثیت انسان در میان طبقات اجتماعی نیز یکسان است و تفاوت نمی کند. فقرا همان کشتی های اغنا را دارند، جز آن که امکان یا مهارتشان در نجات آنها کمتر است. در تاریخ این نکته از همه روشن تر است که شورشیانی که به قدرت رسیده اند سرالجام رفتار و کردارشان همان شده است که پیش از آن خود همواره در قدرت های حاکمه بگوشت می کرده اند.

● هیچ انسانی هم انداره هم که فهمشده آنگاه باشد ممکن نیست که در طول عمر خود به چنان درجه ای از تمدن فهم برسد که بتواند با اطمینان خاطر در ناره نفس و لذت و بهادهای جامعه اش داور بی کند. نه شعور آنها نقل ندهد. زیرا که اینها شده عقل سال های پستی پس از فن ها تجربه در آزمایشگاه تاریخ است. پس محافظه داری که در زمان تعبیر پایداری می کند به اندازه اصلاح فلسف امراطی که خواهان اصلاح است ارزنده است. و شاید ارزنده تر.

از بخش خلق و جوی تاریخ



● اگر دانش ما از تاریخ اندک باشد، بر تغییر پذیری قوانین اخلاقی تکیه می کنیم اما اگر دانشمان وسیع باشد، بر تاریخ احاطه داشته باشیم بر کلیت و شمول قوانین اخلاقی تکیه می کنیم و نتیجه می گیریم که وجودشان واجب و لازم است. قریب از احاطه اقتصادی نوعی ثروت به حساب می آید. از این رو جلوگیری از انبساطی حلق اخلاقی شمرده شد. زندگی شهری در کار ازدواج قوت و فلسف داری آورد. پس آزاد شدند یعنی صنعتی شدند.

● هم زمان نجام گسیخته ما شاید در صفاک عمر خود و زین بسند که نظم و نجات مطلوب زائد باشد. سرانجام پوششش در پدید آمدن برهنگی خواهد بود.

از بخش اخلاق و تاریخ

تاریخ و زندگی

● حتی مورخ شکاک هم در برابر دین فروتنانه تعظیم می کند زیرا می بیند که دین در هر سرزمینی و هر عصری در کار است و ظاهراً از آن گریزی نیست. دین برای تیره یختان و رنجدیدگان و محرومان و سالخوردهگان نسلاهی فوق طبیعی بار آورده است.

● طبیعت و تاریخ با مفاهیمی که ما برای خوب و بد قائلیم موافق نیستند. در تعریف آنها خوب آن است که بیاید و بد آن است که بعیرد.

● جهان هستی هیچ تعصبی به سود مسیح یا به زیان چنگیز ندارد.

● آگاهی روزافزون انسان بر ناچیزی مقام خود در عالم کائنات نقصان اعتقاد دینی را سریع تر کرده است.

● هزار نشانه جار می کشد که مسیحیت در راه همان انحطاطی است که دین قدیم یونان پس از برآمدن سופسطاییان و دوره روشنفکری یونان افتاد.

● در میان آنان که از ناستواری عقل و استدلال به جان آمده اند و از میان آنان که امیدوارند کلیسا بتواند بر آشفتنگی ذهنی و فکری غالب آید و در برابر موج کمونیسم سندی باشد هر روز پیروان تازه پیدا می کند.

● یک درس تاریخ این است که دین چندین جان دارد و پس از مرگ عادتاً دوباره زنده می شود. خدا و دین در گذشته بارها مرده اند و سر از نو زنده شده اند. بی نظمی اخلاقی خود ممکن است به نهضت جدید حیات دینی بیانجامد.

● تنها چند کشور کمونیست هستند که هم با مذاهب پیوند گسته اند و هم از باری آنها چشم فرو پوشیده اند و شاید توفیق معلوم و موقت این تجربه در روسیه شوروی تا حد زیادی مرهون این نکته باشد که کمونیسم خود موقتاً به عنوان مذهب (یا به قول شکاکان، افیون) مردم قبول شده است و در تسلی بخشیدن و بذر امید افشاندن جای کلیسا را گرفته است. اگر رژیم سوسیالیست در کوشش های خود با شکست مواجه شود و در از میان بردن فقر نسبی توده ها توفیق نیابد این مذهب تازه احتمالاً از حرارت و خاصیت می افتد و دور نیست که دولت برای آرام کردن ناراضیان دوباره در اندیشه بازگرداندن اعتقادات فوق طبیعی برآید.

از بخش دین و تاریخ

● این جاه طلبی اقتصادی بود که هزار کشتی به سوی ایلیوم روانه کرد، نه رخسار هلن، لطیف تر از هوای شامگاه با تن پوشی از زیبایی هزار ستاره. آن یونانیان رند نیک می دانستند که چگونه یک حقیقت اقتصادی عربان را با «برگ انجیر» عبارتی بیوشانند.

● کشف امریکا نتیجه جنگ های صلیبی بود.

● مارکس مدعی بود که افراد همواره به ساقه منفعت اقتصادی اقدام می کنند. هرگز نمی گفت که عشق هابدار، یا آیین بودا، یا اشعار کیتس ناشی از ملاحظیات مادی بوده اند. اما شاید نقش انگیزه های

غیراقتصادی را در رفتار توده ها دست کم می گرفت. نقش حمیت دینی را، شور ملی را، خشم زاینده جماعت عوام را...

● چه کسی ادعا دارد که غلبه اعراب بر اسپانیا یا غلبه مغولان بر آسیای غربی و هند حاصل قدرت اقتصادی بود. در این مورد فقرا ثابت کردند که قوی تر از ثروتمندان اند. پیروزی نظامی توفیق سیاسی آورد و تفوق سیاسی به تسلط اقتصادی منجر شد. اگر قرار باشد، ژنرال ها هم می توانند تفسیری نظامی بر تاریخ بنویسند.

از بخش اقتصاد و تاریخ

● سلطنت مطلقه ظاهراً طبیعی ترین نوع حکومت است. دموکراسی ها در برابر سلطنت های مطلقه میان پرده های بیش نیستند. روی هم رفته سلطنت مطلقه حاصل نه چندان خوب و نه چندان بد بار آورده است. آزادی اقتصادی حتی در نزد طبقات مرفه روز به روز نقصان دارد و از آزادی سیاسی جز ظاهری تسلا بخش چیزی برجای نمانده است. و اینها همه نه ناشی از هرزگی و فساد ثروتمندان بوده است (چنان که در جوانی پرشور خود می پنداشتم) بلکه ناشی از سرشت انسان و سرنوشت محتوم توسعه اقتصادی است و به کسان بخصوصی مربوط نیست.

● دموکراسی از همه صور حکومت دشوارتر است... جهل دیری بر مسند نمی باید زیرا که اختیارش در دست نیروهای است که افکار عمومی را می سازند. شاید همان طور که لیتکلن می پنداشت این درست باشد که: همه مردم را همیشه نمی توان گول زد.

از بخش حکومت و تاریخ

● جنگ یکی از عناصر پایدار تاریخ است. صلح آرامشی است تابدار که تنها با قبول تفوق یا در صورت تساوی قدرت ها قابل دوام است. در طی هر عصر فرمانروایان و امیران لشکر بر بیزاری فلاسفه از جنگ پوزخند زده اند. در تفسیر نظامی تاریخ، جنگ حاکم و داور نهایی است و همه، جز ترسوها و ساده لوح ها، آن را لازم و طبیعی دانسته اند.

● نظام جهانی با توافق افراد شریف به وجود نخواهد آمد.

از بخش جنگ و تاریخ



مواد آموزشی

در این مقاله باید به آن دقت شود، نوع رویکرد معلم در نظام آموزشی است

هرگاه رویکرد آموزشی براساس «معلم محوری» باشد، غیر از معلم همه وسایل و ابزاری که به کار گرفته می شود (همچون کتاب درسی، نقشه و...)، جنبه کمک آموزشی پیدا می کند. اگر آموزش در کلاس براساس رویکرد دانش آموز محوری اتفاق بیفتد، به طوری که دانش آموزان در فرایند یادگیری خود نقش و مشارکت داشته باشند،

در گذشته، معلمان از وسایل کمک آموزشی کم تر استفاده می کردند، زیرا معتقد بودند که معلم می تواند، یا به کار بردن زور و اجبار و ترساندن از «نمره» و «امتحان»، دانش آموزان را به درس خواندن وادارد.

امروزه روش آموزش به کلی دگرگون شده و معلمان به حوسه آگاهند که یادگیری امری درونی است و به جای زور و اجبار، باید در



تولید یک برنامه آموزشی

در جغرافیا

منصور ملک عباسی



دانش آموزان علاقه و انگیزه آموختن به وجود آورد.

تجربه نشان می دهد که فراهم کردن موقعیت های آموزشی، همچون تنظیم فعالیت های مناسب یادگیری همراه با امکانات آموزشی، ایجاد گروه های کوچک در کلاس درس، شرکت دادن دانش آموزان در تهیه برنامه ها و فعالیت های ذوقی، استفاده به جا از وسایل کمک آموزشی، بهره گیری از نمایش و بازی های آموزشی و... در جذابیت و مطلوب کردن امر یادگیری نقش بسیار مؤثری دارند. لازم است برخی تعاریف در ابتدای کار مشخص شود تا به ادبیات یکسانی در باب برنامه آموزشی، وسایل کمک آموزشی و مواد آموزشی برسیم.

مواد آموزشی چیست؟

مواد آموزشی عبارت است از کلیه ابزارها، وسایل، برم افزاها و... که در فرایند یاددهی-یادگیری مورد استفاده قرار می گیرند. از طریق آن ها یادگیری در دانش آموز اتفاق می افتد. لیکن، هرگاه معلم در آموزش ها و انتقال مفاهیم و اهداف آموزشی، از وسایلی استفاده کند، به آن ها «ابزار و وسایل کمک آموزشی» اطلاق می شود. نکته ظریفی که

(روش تدریس فعال) هر آنچه که در دسترس آنان قرار می‌گیرد، مواد آموزشی تلقی می‌شود.

برنامه آموزشی چیست؟

در رویکرد «دانش آموز محور»، معلم از قبل طراحی برای تدریس دارد و در اجرای طرح خود، ابزاری را به کار می‌گیرد تا دانش آموزان به مهارت‌ها، دانش‌ها و نگرش‌هایی برسند. در این فرایند، معلم هدایت‌گر و نظاره‌گر و تسهیل‌کننده امر آموزش است. در کشور ما متأسفانه بیش‌تر معلمان نقش انتقال‌دهنده مفاهیم را دارند و شغل معلمی، شغلی خدمت‌محسوب می‌شود. ولی می‌توان نظام آموزشی را به گونه‌ای طراحی کرد که با توجه به سرفصل‌ها و اهداف، معلم خود به عنوان طراح و کارشناس آموزشی عمل کند، یعنی، با توجه به شرایط کلاس و فضای آموزشی، نقشه آموزش هر واحد درس را طراحی کند و متناسب با زمانی که در اختیار دارد، از متن کتاب، تصاویر، جدول‌ها، اسلاید، فیلم، نرم‌افزارهای رایانه‌ای و مدل‌های جغرافیایی، به عنوان مواد آموزشی استفاده ببرد.

اگر معلم به شیوه سنتی و به روش سخنرانی، مفاهیم را از ذهن خود به ذهن دانش‌آموز انتقال دهد و ضمناً از یک فیلم ویدیویی نیز استفاده کند، این فیلم یک وسیله کمک آموزشی محسوب می‌شود؛ زیرا می‌توانست در فرایند آموزش قرار نگیرد.

در این رویکرد، ابزار و وسایل کمک آموزشی می‌تواند، کتاب درسی و کمک‌درسی، نقشه، مدل، عکس، ابزار دیداری و شنیداری و... باشد.

بنابراین، براساس نوع رویکردی که معلم در کلاس انتخاب می‌کند و به کمک آن روش تدریس خود را برمی‌گزیند، «مواد آموزشی» یا «وسایل کمک آموزشی»، مفهوم و مصداق متفاوتی پیدا می‌کنند. پس اگر بخواهیم معلمان در طراحی و تولید برنامه آموزشی موفق باشند، ضرورت دارد، ابتدا نگاهشان را به نقشی که در کلاس دارند اصلاح کنند و خود را به سطح یک طراح آموزشی و یک کارشناس «یاددهی-یادگیری» ارتقا دهند.

با توجه به اهمیت موضوع، به عنوان نمونه یک نوع طراحی و تولید برنامه آموزشی را مطرح می‌کنیم تا مبانی نظری این مسأله بهتر در ذهن شما شکل بگیرد.

طراحی و تولید برنامه آموزشی

همان‌گونه که از عنوان این بحث برمی‌آید، ضرورت دارد معلمان ما برای آموزش مفاهیم در کلاس طراحی خاصی باشند و مواد

آموزشی گوناگونی به کار گیرند. در غیر این صورت، معلم به عنوان متکلم وحده و به «روش غیرفعال» عمل خواهد کرد. بدیهی است در طراحی یک برنامه آموزش نخست، او باید اهداف و مفاهیم موضوع درس را نشانه‌برد و به گونه‌ای تدریس کند که «یادگیری پایدار» اتفاق بیفتد. همان‌گونه که قبلاً هم اشاره شد رویکرد معلم و نگاه او در تدریس حائز اهمیت است. معلم اگر بخواهد یادگیری با استفاده از مواد آموزشی صورت پذیرد و در دانش آموز مهارت‌ها، شناخت‌ها و نگرش‌ها تعبیر کند، بقیماً طراحی او در قالب یک «تدریس فعال»، ظاهر خواهد شد. در این حالت ابزار مورد استفاده، نه به عنوان وسایل کمک آموزشی، بلکه بخشی از مواد آموزشی تلقی می‌شوند. در طراحی و تولید یک برنامه آموزشی ضرورت دارد معلمان به دو اقدام مهم زیر توجه کنند:

الف) تهیه و تدارک مواد آموزشی مورد نیاز

با شناختی که معلم از اهداف و مفاهیم واحد درسی مورد نظر در ذهن دارد، ابتدا مواد آموزشی لازم را در نظر می‌گیرد و سپس به تهیه (ساخت) و تدارک آن‌ها اقدام می‌کند. مواد آموزشی می‌توانند: متون درسی، تصاویر، نقشه‌ها، جدول‌ها، نمونه مسائل خاص، پرسش‌ها و سوالات هدف‌دار، فیلم، اسلاید، نرم‌افزار رایانه‌ای، مدل‌های جغرافیایی، کره و از این قبیل باشند. این مواد آماده و به موقع به کلاس برده خواهد شد.



ب) طراحی یک برنامه اجرایی گام به گام برای درگیر کردن دانش آموزان در کلاس

خالد نوشت به طراحی یک برنامه اجرایی می‌رسد که معلم باید آن را در ذهن خود پیرو زند (سناریو). او طبق طرح کلی که در ذهن دارد، نقشه کار را می‌ریزد که در کلاس، درس را از کجا آغاز کند، چگونه به کارگیری هر یک از مواد آموزشی ذکر شده، دانش آموزان را به صورت فردی یا گروهی یا سؤالاتی درگیر کند، چه زمانی توجه دانش آموزان را به جدول یا نمایش فیلم جلب نماید و چه سؤالی را در این رابطه مطرح سازد؛ چه موقع متن و یا تصویر کتاب را مورد توجه قرار دهد و با توضیح خواستن از دانش آموزان، آنان را به فکر وادارد و بالاخره مفهوم ساخته شده را روی تابلو کلاس بنویسد.

در این فرایند، مهارت مشاهده کردن، فکر کردن، استدلال کردن، حل مسئله، تفسیر عکس یا نمودار و... در دانش آموزان تقویت می‌شود و آنان نگرش مثبتی نسبت به خود، نسبت به موضوع درس، نسبت به معلم و... پیدا می‌کنند و با نقش پذیرگی دانش آموزان (روشن فعل) اهداف مهم درسی تدریجاً در ذهن آن‌ها ساخته و پرداخته می‌شود بدون داشتن طرح بگ برنامه اجرایی، تمامی مواد آموزشی یا ابزار و وسایل آموزشی در کلاس بدون استفاده خواهند ماند. با این روش، معلم از یک انتقال دهنده مفاهیم به سطح یک طراح، برنامه‌ریز، تسهیل کننده و هدایت کننده ارتقاء می‌یابد.

ویژگی های طراحی و تولید یک برنامه آموزشی

- الف) سادگی طراحی در اجرا
- ب) ارتباط مستقیم آن با مطالب کتاب درسی.
- ج) امکان استفاده همه دانش آموزان از مواد آموزشی پیش بینی شده
- د) مناسب بودن مواد آموزشی با شرایط سنی و هوشی دانش آموزان.
- ه) تلفیق بازی و آموزش.
- و) توجه به مهارت دقت و مشاهده در دانش آموزان.
- ز) به کارگیری قوانین علمی در عمل.
- ح) تحریک دانش آموزان به کاوش و یافتن پاسخ مناسب
- ط) امکان ارزشیابی دانش آموزان

مثال

آموزش مفاهیم «نتایج حاصل از گردش وضعی زمین»

موضوع: حرکات زمین

اهداف:

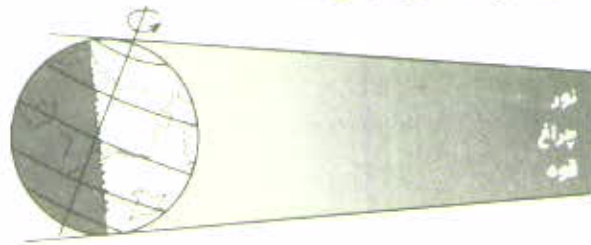
۱) شناختی: شناخت حرکت وضعی زمین و آثار آن

۲) مهارتی: تقویت مهارت مشاهده، یادداشت برداری، اکتشاف، بحث و گفت و گو و ارائه نتایج اکتفی یا شفاهی

۳) نگرشی: ایجاد و تقویت اعتماد به نفس و علاقه مندی به مطالعه و ذوق در طبعیت و سیاره زمین

امکانات و مواد آموزشی: گویه بزرگ جغرافیه، چراغ قوه، کعبه عمودگرد، ادمک کوچک و اتاق تاریک

چگونگی اجرای برنامه آموزشی: در ابتدا طراح آموزش اندک حاصل از حرکات زمین، همان گویه که اشاره شد، به دست می‌گیرد. به توجه به مواد آموزشی طرح اجرایی تدریس خود را به روش فعال مد نظر دارد و آن را به ترتیب بر روی کلاس اجرا می‌کند.

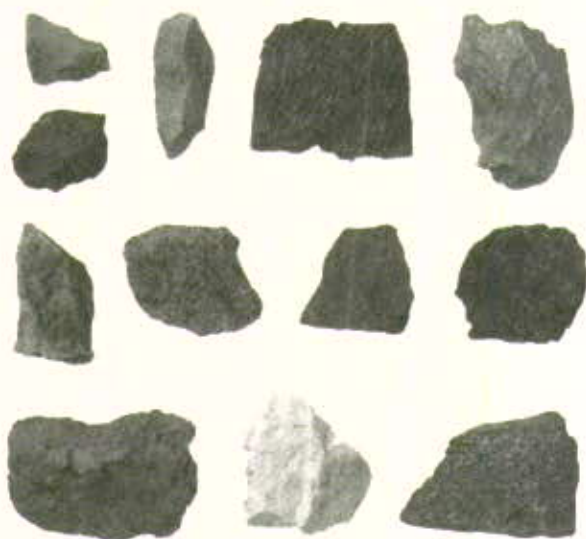


● ابتدا، یکی از دانش آموزان با چراغ قوه ای که در دست دارد، سمت راست دبیر می‌ایستد. دبیر، گویه جغرافیه را مقابل خود روی میز قرار می‌دهد، دانش آموز نور چراغ را از یک سمت به گویه جغرافیه می‌تاباند (جویشید). در حالتی که کلاس تاریک و نیمه روشن است، دبیر از دانش آموزان می‌خواهد، کعبه عمودگرد آماده کنند و هر چه از گویه زمین (بخش روشن و تاریک آن) را مشاهده می‌کنند، روی قاعده بکشند. بعد از آن که حدود ۵ دقیقه به دانش آموزان فرصت داده شد، دبیر آرام گویه جغرافیه را از جهت غرب به شرق می‌چرخاند و از دانش آموزان می‌خواهد، این بار هم هر چه که می‌بینند، یادداشت کنند (۵ دقیقه)

کلاس آرام و ساکت است. هر دانش آموز خود، به گویه زمین و نیمه روشن و تاریک آن دقت می‌کند و تغییرات را یادداشت می‌کند. مشاهداتی که به طور طبیعی از این رهگذر، به وسینه بسیاری از دانش آموزان استنتاج می‌شود (اکتشاف)، می‌تواند به شرح زیر باشد:

- ۱- شب و روز شدن در هر منطقه از زمین به صورت متوالی به دلیل چرخیدن زمین حول محور شمالی- جنوبی آن.
- ۲- روشن بودن کامل یک قطب و تاریک بودن کامل قطب دیگر، با توجه به انحراف محور زمین.
- ۳- روزهای بلند ۲۴ ساعته در یک قطب و شب‌های ۲۴ ساعته در قطب دیگر (برخی از دانش آموزان متوجه آن نکته می‌شوند).

و امکاناتی که در این تدریس به کار گرفته شده است (کره جغرافیا، آدمک، نور، کاغذ و قلم و...)، به عنوان مواد آموزشی تلقی می‌شود. اما اگر رویکرد در تدریس، رویکرد «معلم محور» باشد و دبیر به شیوه سنتی، خودمفاهیم و نگرش‌ها را القا کند و انتقال دهد، ابزاری هم اگر به کار گرفته شود، به عنوان وسایل کمک آموزشی محسوب می‌گردد.



۴. روزهای بلند و شب‌های کوتاه در یک نیم کره و برعکس، شب‌های بلند و روزهای کوتاه در نیم کره دیگر. (اندکی از دانش آموزان متوجه می‌شوند)

حال دبیر آدمکی را روی یکی از نیم کره‌ها قرار می‌دهد و باز کره زمین را به آرامی می‌چرخاند و از دانش آموزان می‌خواهد، با توجه به محل استقرار آدمک و حرکت آرام زمین و تغییرات حاصله، آنچه را که در مورد طلوع و غروب آفتاب، تغییر زمان، اختلاف ساعت و چرخش ظاهری ستارگان از دید آدمک (ناظر زمینی) متوجه می‌شوند، بنویسند (۵ دقیقه).

● حال کار متوقف می‌شود و معلم از دانش آموزان می‌خواهد دوباره به گردش زمین توجه کنند و این بار دو به دو درباره آنچه که می‌بینند، بحث و گفت‌وگو کنند.

● پس از پایان این مرحله که ۵ تا ۱۵ دقیقه به طول می‌انجامد، بعضی از افراد به طور داوطلب، نتایج مشاهده و اکتشاف، یادداشت برداری و بحث و گفت‌وگوی خود را به صورت کتبی یا شفاهی ارائه می‌کنند. مدت ارائه نتایج نیز ۵ تا ۱۰ دقیقه است. در صورت لزوم، دبیر نکات دیگری را به نتایج حاصله می‌افزاید و یادداشت‌های دانش آموزان را تکمیل می‌کند.

از آن جا که در این روش، دانش آموزان محور هستند و خود در تولید مفهوم، مهارت و نگرش دخالت و مشارکت دارند، همه ابزار



معلم می‌تواند با آماده نمودن وسایل از قبل، دانش آموزان را به تحقیق، اکتشاف و یادداشت برداری وادارد

توجوالات، مرحله دوم تعلیمات عمومی را از نظر شرایط رشد و ظهور استعدادهای فردی، براتی مطالعات علمی و تربیتی و هدایت توجوالات مناسب دانسته اند و از دوره راهنمایی تحصیلی نامیده اند.

سابقه راهنمایی تحصیلی در ایران:

در ایران از سال ۱۳۳۲ شمسی، مطالعات تطبیقی درباره راهنمایی تحصیلی شروع شد و در سال ۱۳۳۴ با اهتمام کار مطالعه، مراکز تربیت

۵

دوره راهنمایی

یکی از دوره های تحصیلی در آموزش عمومی ایران دوره راهنمایی تحصیلی است؛ گروهی مشغول به تحصیل در این دوره، توجوالات ۱۳ تا ۱۶ ساله اند. در ساختار آموزش و پرورش مصوب سال ۱۳۴۴، دوره ابتدایی به مدت ۵ سال به عنوان دوره اول تعلیمات عمومی، دوره راهنمایی تحصیلی به مدت سه سال به عنوان دوره دوم تعلیمات عمومی، و دوره متوسطه به مدت ۴ سال پیش بینی شده بود (اصول و فنون مشاوره و راهنمایی - احمد صافی).

در مورد علت نام گذاری این دوره به راهنمایی تحصیلی گفته اند: «راهنمایی از نظر تربیتی، خاص یک دوره تحصیلی معین نیست و در نظام آموزش و پرورش نیز بر این اصل کلی توجه شده است و آنچه مورد نظر بوده است، وارد شدن مفهوم راهنمایی در آموزش و پرورش و لزوم توجه به تفاوت های فردی و فراهم ساختن شرایط بهره برداری صحیح از استعدادهاست که در همه سطوح تعلیمات رسمی باید مورد توجه قرار گیرد (برنامه تحصیلی دوره سه ساله راهنمایی تحصیلی، اداره کل مطالعات و برنامه ها، تیرماه ۱۳۴۶).»
به همین دلیل و به علت تأکید بر شناخت استعدادها و لزوم راهنمایی



معلم با نام دانش سرای راهنمایی تحصیلی^۱ موظف شدند، به منظور تأمین نیروی متخصص، افرادی را با مدرک تحصیلی فوق دیپلم (کاردانی) تربیت کنند.

از سال ۱۳۲۹، با اجرای آزمایشی این طرح کتاب‌های درسی این دوره تألیف و سرانجام از سال ۱۳۵۰، دوره راهنمایی تحصیلی در نظام آموزشی کشور تثبیت شد و به طور رسمی در سطح کشور شروع

۳. افزایش تجربه‌ها و معلومات عمومی دانش آموزان برای بهتر زیستن در اجتماع.

۴. تشخیص استعدادها و رغبت‌های فردی دانش آموزان در رشته‌های نظری و فنی و حرفه‌ای و راهنمایی آنان برای انتخاب رشته برحسب استعداد آنان و نیاز کشور (غلامحسین شکوهی، تعلیم و تربیت و مراحل آن).



تحصیلی در ایران هدف‌ها و چالش‌ها

اکبر حسامی

دبیر آموزش و پرورش منطقه زرین شهر - اصفهان

واضح است که هدف‌های فوق علاوه بر طرح ملاک‌های کلی، بیش‌تر بر «راهنمایی تحصیلی و شغلی» دانش آموزان تأکید دارد. پس از پیروزی انقلاب، به منظور تجدید نظر در برنامه‌های نظام آموزشی، طرح تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش ایران مطرح و مصوبات آن در سال ۱۳۶۷، توسط «دبیرخانه شورای تغییر نظام آموزش و پرورش» منتشر شد. براساس این طرح مقرر شد، دوره ارشاد جایگزین دوره راهنمایی تحصیلی شود و هدف‌های این دوره را دنبال کند. هدف کلی دوره ارشاد، هدایت دانش آموز در مرحله انتقالی بین کودکی و نوجوانی و آماده‌سازی او برای انتخاب مسیر زندگی، منطبق با استعداد و علاقه وی و نیازها و امکانات کشور است (طرح کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، خرداد ۱۳۶۷، ص ۹۲).

آنچه در تعیین هدف کلی دوره ارشاد مهم است، توجه به ویژگی‌های رشد و حساسیت‌های دوره نوجوانی دانش آموزان و توجه به هدایت آنان در زمینه‌های گوناگون در مسیر زندگی است.

با اجرای طرح جدید آموزش متوسطه در کشور، توجه به دوره‌های آموزشی دیگر (راهنمایی تحصیلی و دبستان) کم‌رنگ شد. توان و امکانات وزارت خانه و مدیران اجرایی، بیش‌تر به اجرای تغییر نظام آموزش متوسطه معطوف شد. به نظر می‌رسد، اکنون که تمامی دانش آموزان دوره متوسطه زیر پوشش نظام جدید قرار گرفته‌اند، توجه معقول و منطقی به دوره‌های ابتدایی و راهنمایی تحصیلی، خواسته

به فعالیت کرد. این دوره تاکنون به عنوان دومین مرحله از دوره آموزش عمومی به فعالیت خود ادامه داده و می‌دهد.

از سال ۱۳۵۰ تا پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، با تربیت مشاوران و افراد متخصص، در تثبیت این دوره گام‌های مؤثری برداشته شد.

از دیدگاه برنامه‌ریزان، هدف این دوره آن است که دانش آموزان ضمن آموختن معرفت مهارت نیز کسب کنند و دانش بیندوزند و نظام راهنمایی مدرسه نیز، تفاوت‌های فردی آن‌ها را بشناسد و روحیه خلاقیت و ابتکار آنان را تقویت کند تا برای زندگی آینده راهنمایی شوند. به همین دلیل، برای هر دانش آموز پرونده تحصیلی تشکیل می‌شود و مشاوران مدرسه سعی می‌کنند، با انجام آزمون‌های گوناگون استعداد او را کشف کنند و به راهنمایی او بپردازند.

با پیروزی انقلاب اسلامی، به دلایل متعدد از جمله: رشد سریع جمعیت دانش آموزی، کمبود معلم، و... فعالیت مشاوران در دوره راهنمایی تحصیلی متوقف شد.

هدف‌های دوره راهنمایی تحصیلی از دیدگاه نخستین برنامه‌ریزان این دوره بدین شرح است:

۱. پرورش فضایل اخلاقی و معنوی دانش آموزان.
۲. کمک به ایجاد نظم و ترتیب و پرورش عادت به تفکر علمی در دانش آموزان که از دوره پنج‌ساله ابتدایی آغاز شده است.



نامه‌حاجی نداشت. شاید پرهیز همین اساس، شورای عالی آموزش و پرورش در ششصد و چهل و هفتمین جلسه خود به تاریخ ۲۹ اردیبهشت ۷۹، هدف‌های زیر را برای دوره راهنمایی تحصیلی تعیین، تصویب و ابلاغ کرده است.

رای صادره در ششصد و چهل و هفتمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش، مورخ ۷۹/۲/۲۹

اهداف دوره راهنمایی تحصیلی^۱

در راستای رسالت و مأموریت آموزش و پرورش و جهت‌دهی به رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان بر پایه تعالیم و دستورات دین مبین اسلام، اهداف دوره راهنمایی تحصیلی به شرح زیر تعیین می‌شود. مدیران، برنامه‌ریزان و همه افرادی که در تعلیم و تربیت دانش‌آموزان پیشی برعهده دارند، مکلفند در برنامه‌ریزی امور، سازمان‌دهی فعالیت‌ها و انجام وظایف مربوط، به گونه‌ای اقدام نمایند که تا پایان دوره تحصیلی، دستیابی دانش‌آموزان به اهداف تعیین شده ممکن باشد.

۱۷. دفاع از دین، علاقه نشان می‌دهد.
۱۷. اوقات‌ها و مکان‌های مقدس را می‌شناسد و به وظیفه خود در مقابله با آنها عمل می‌کند.
۱۸. در مسجد با رغبت حضور می‌یابد و در برنامه‌های خدایی، فرهنگی و اجتماعی آن شرکت فعالانه دارد.

اخلاقی

۱. راست‌گو، امانت‌دار و رازنگه‌دار است.
۲. به ارزش‌های اخلاقی علاقه نشان می‌دهد.
۳. به ارزش‌ها و تالیفات خوبی خود آگاه است و سعی در پرورش آنها دارد.
۴. دختری متقیف و با حیا و پسری شجاع و بخور است.
۵. اطاعت از والدین را وظیفه می‌داند.
۶. برای انجام کارهای خود شخصاً اقدام می‌کند و خود را از مشورت دیگران بی‌نیاز نمی‌داند.
۷. موفقیت دیگران را باعث می‌شود و خود نیز برای رسیدن به موفقیت تلاش می‌کند.
۸. به دیگران کمک می‌کند و در رفع ضعف‌های آنها می‌کوشد.
۹. زینت‌های منسب اسلامی را می‌استفاده می‌کند.
۱۰. اوقات فراغت خود را با فعالیت‌های مناسب می‌گذراند.
۱۱. وضع ظاهری خود را به نوحه به موازین دینی و اجتماع منسب می‌کند.
۱۲. توانایی عفو کردن دیگران در او بوجود آمده است.
۱۳. مادت در اعمال خود نسبت به دیگران، زینت‌اشبهه و خطای آنها را فرموده خود از بین می‌برد.
۱۴. رعایت احترام به دیگران را در صحبت، آه‌لام می‌داند و با جملات احترام‌آمیز سخن می‌گوید.
۱۵. کاری از دیگران خواستنی، مگر در صورت اجزین امری ناپسند می‌داند.

اعتقادی

۱. اصول دین را به‌طور دارد و بر مبنای آن عمل می‌کند.
۲. خدا را به دلیل ربوبیت، شایسته اطاعت می‌داند.
۳. با الیا و الهه معصومین (ع) آشنایی دارد و به مطالعه زندگی آنها علاقه نشان می‌دهد.
۴. با ولایت فقیه آشنایی دارد و رابطه آن را با امامت می‌داند.
۵. به رعایت نوا و تقوا توجه دارد.
۶. با اولیای دین، بزرگان و شخصیت‌های اسلامی آشنایی دارد و به مطالعه زندگی آنها علاقه نشان می‌دهد.
۷. حساب و حساب در آن رور را باور دارد و خود را در رابطه با اعمالش در برد خداوند مسئول می‌داند.
۸. نماز را مهم‌ترین راه ارتباط با خدا می‌داند و به خواندن نمازهای پنج‌گانه علاقه کرده است.
۹. قرآن را صحیح قرآنت می‌کند و با برخی از قصص آن آشناست.
۱۰. با تاریخ صدر اسلام آشناست و به آن علاقه نشان می‌دهد.
۱۱. فریضه دین را می‌داند.
۱۲. می‌تواند از رساله عملیه خاص سنین خود استفاده کند.
۱۳. احکام تقلیدی را می‌داند و مرجعی برای خود انتخاب کرده است.
۱۴. احکام مربوط به محرم و نامحرم را رعایت می‌کند.
۱۵. به انجام امر به معروف و نهی از منکر علاقه نشان می‌دهد.
۱۶. معنای جهاد و شهادت را می‌داند و به حضور در صحنه‌های

۴. مهارت‌های پایه را در ریاضیات می‌داند و با نقش و کاربرد آن در زندگی و پیشرفت سایر علوم آشناست.
۵. با زبان عربی برای فهم بهتر قرآن و احادیث و ادعیه و ادبیات فارسی تا حدودی آشناست.
۶. با یک زبان خارجه در حد توانایی مکالمه ساده و روزمره آشنایی دارد.
۷. می‌تواند از رسانه‌های ارتباطی برای کسب اطلاعات استفاده کند.
۸. جامعه خود و مشاغل آن را تا حدی می‌شناسد و برای زندگی در جامعه مهارت کافی دارد.
۹. نسبت به کاربرد علم در بهبود روش‌های انجام کار، آگاه است.

۱۰. روحیه علمی، قدرت استدلال و تفکر انتقادی و خلاق دارد.
۱۱. نحوه یادگیری خود را می‌فهمد.
۱۲. شیوه صحیح مطالعه و تحقیق را می‌داند.
۱۳. به تفکر و مباحثه علاقه‌مند است و با روش تحقیق آشنایی عملی دارد.

فرهنگی هنری

۱. با استعداد‌های خود آشناست و سعی در پرورش آن‌ها دارد.
۲. ابعاد زیبایی را در مخلوقات الهی توصیف می‌کند.
۳. از مشاهده و بررسی آثار هنری لذت می‌برد.
۴. با استعداد‌های هنری خود آشناست و سعی در پرورش آن‌ها دارد.
۵. از نجارب و دستاوردهای فرهنگی دیگران استفاده می‌کند و از تقلید کورکورانه اجتناب می‌ورزد.
۶. با برخی از هنرهای اسلامی و ایرانی آشناست.
۷. به مطالعه متون ادبی و فرهنگی علاقه‌مند است.
۸. با فرهنگ و آداب و سنن مطلوب جامعه آشناست و نسبت به آن‌ها احساس تعهد می‌کند.
۹. آثار هنری و فرهنگی را با توجه به تأثیرات آن‌ها در رشد انسان بررسی می‌کند.

اجتماعی:

۱. وظایف خود را در مقابل خانواده، دوستان و همسایگان رعایت می‌کند.
۲. نظرات اصلاحی دیگران را در مورد خود جویا می‌شود و از آن‌ها استفاده می‌کند.

۱۶. به پیشرفت کشور خود و هموطنانش اهمیت می‌دهد و یکپارچگی ملی را ارزش می‌داند.
۱۷. استفاده از تجربه بزرگ‌ترها را برای پیشرفت خود و دیگران لازم می‌داند.
۱۸. قبل از عمل فکر می‌کند.
۱۹. به انتقاد از خود و دیگران اهمیت می‌دهد.
۲۰. خوب را از بد تشخیص می‌دهد و گرایش به خوبی دارد.
۲۱. رفتاری متعادل دارد و سعی می‌کند بر احساسات خود تسلط یابد.
۲۲. به رعایت نظم و انضباط عادت کرده است.
۲۳. رعایت قانون را برای حفظ حقوق همه لازم می‌داند.

علمی و آموزشی

۱. نسبت به پدیده‌های علمی، محیطی و تجربی حساس است و ارتباط آن‌ها را درک می‌کند.
۲. اطلاعات لازم را در حوزه‌های علوم طبیعی، انسانی و اجتماعی کسب کرده و به نقش علوم و کاربرد آن‌ها در پیشرفت جامعه آگاه است.
۳. با زبان و ادب فارسی مانوس است و در کاربرد مهارت‌های زبانی و استفاده از متون ساده ادبی توانایی دارد.



۳. برای گرفتن حق خود و دیگران تلاش می کند.
۴. در انجام کارها از دیگران کمک می گیرد و به دیگران نیز کمک می کند.
۵. در کارهای گروهی و اجتماعی شرکت می کند و به اهمیت نقش رهبری و وظایف اعضا واقف است.
۶. برای کسب موفقیت تلاش می کند و از موفقیت های دیگران نیز شاد می شود.
۷. به اهمیت قانون واقف است و رعایت آن را مقید و ضروری می داند.
۸. به وظایف و مسؤلیت های خود آگاه و نسبت به انجام آن ها پای بند است.
۹. به کسانی که مسؤلیت خود را انجام نمی دهند، با شیوه مناسب تذکر می دهد.
۱۰. موفقیت های جامعه خود را در صحنه های بین المللی ارج می نهد.
۱۱. با معنی ابتکار آشناست و در موقع لزوم از خودگذشتگی نشان می دهد.
۱۲. در برابر خدمت دیگران قدرشناس است و از آن ها تشکر می کند.
۱۳. نقش زن و مرد را در خانواده و اجتماع می داند.
۱۴. خدمت کردن به مردم و میهن را وظیفه می داند.

زیستی

۱. کارکرد و وظایف اعضای بدن را می شناسد و تناسب آن ها را حفظ می کند.
۲. با بهداشت فردی و اجتماعی آشناست و آن را رعایت می کند.
۳. در حفظ و احیای محیط زیست کوشش می کند.
۴. برای حفظ سلامتی خود ورزش می کند و در رشته ورزشی مورد علاقه خود دارای مهارت نسبی است.
۵. با کمک های اولیه آشنایی دارد و می تواند از آن ها در موقع لزوم استفاده کند.
۶. برخی از بیماری ها و عوامل بیماری زا را می شناسد و راه های پیش گیری از آن ها را می داند.
۷. نقش تغذیه را در حفظ سلامت بدن می داند و با تغذیه مناسب سلامتی خود را حفظ می کند.

سیاسی:

۱. سلسله مراتب حاکمیت در نظام جمهوری اسلامی را می داند.

۲. تفاوت حکومت دینی مستی بر ولایت فقیه را با سایر حکومت ها می داند.
۳. با تاریخ سیاسی ایران معاصر و منازعات سیاسی بین المللی و جمهوری اسلامی آشنایی دارد.
۴. نسبت به سربوشت مسلمانان جهان حساس است.
۵. راه های حفظ استقلال، آزادی و عدم وابستگی را می شناسد.
۶. با فعالیت های سیاسی و شیوه سرزده پیمان بران و نامه معضومین (ع) در دفاع از حق، آشناست.
۷. دارای روحیه سنحسوری و دفاع از کینان کشور اسلامی است.
۸. با انتخابات و نقش آرای عمومی در جامعه آشناست.
۹. در مواجهه با تبلیغات دشمنان میهن اسلامی از خود هوشیاری نشان می دهد.
۱۰. اهمیت وحدت و امنیت ملی را درک می کند.

از آن جا که در مقدمه اهداف دوره راهنمایی تحصیلی، معیاران برنامه ریزان و همه افرادی که در تعلیم و تربیت دانش آموزان این دوره نقشی برعهده دارید، مکلف شده اند در برنامه ریزی امور، سازمان دهی فعالیت ها و انجام وظایف مربوطه، به گونه ای اقدام کنند که تا پایان دوره دست یابی دانش آموزان به اهداف تعیین شده ممکن شود. نکات زیر قابل توجه و بررسی است:

۱. با مطالعه اهداف جدید دوره راهنمایی تحصیلی و دسته بندی آن ها و نیز مطابقت این اهداف با کتاب های درسی موجود در این دوره، به نظر می رسد در حال حاضر محتوایی و هماهنگی لازم بین اهداف مصوب و کتاب های درسی وجود نداشته باشد. به عبارت دیگر، کتاب های درسی کنونی توانایی تأمین اهداف تصویب شده را ندارند.
۲. بسیاری از اهداف مندرج در بخش های اعتقادی، اخلاقی، فرهنگی-هنری، اجتماعی، سیاسی و حتی تعدادی از اهداف زیستی و علمی، مربوط به درس های حوزه علوم انسانی و اجتماعی است (تنها ۲۳ مورد از ۹۴ مورد به درس علوم اجتماعی مربوط می شود). اما از یک طرف ضعف محتوایی بعضی از کتاب ها (از جمله فارسی و تعلیمات اجتماعی) و از طرف دیگر، کمبود ساعات تدریس هفتگی باعث شده است رسیدن به این

اهداف بعید جلوه کند. به عبارت دیگر، بین اهداف تصویب شده و حجم و محتوای کتاب های درسی موجود و ساعات تدریس هفتگی تناسبی دیده نمی شود. اگر این تناسب ایجاد نشود، تدوین این هدف ها نوعی



آرمان‌گرایی و «سنگ بزرگ نشانه نژاد» است.

معرفی شده در هفته اول اردیبهشت. که به «هفته معرفی مشاغل» معروف است. کم‌تر توجه داشته باشند و از طرف دیگر، مشاغلی که در این هفته در مدارس معرفی می‌شوند، به قدری کلی و مبهم هستند که تنها دورنمایی عبارآلود در ذهن دانش‌آموزان ایجاد می‌کنند. به همین دلیل به نظر می‌رسد، چنانچه شناخت استعدادها و تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان با طرحی منسجم و کامل انجام شود، این دوره رسالت خود را با موفقیت انجام داده است. در حال حاضر، این امر از نظر اجرایی جایگاهی در مدارس دوره راهنمایی تحصیلی ندارد!

۷. صرف نظر از تنظیم توصیه‌نامه برای فارغ‌التحصیلان پایه سوم راهنمایی تحصیلی، اکنون کلیه دانش‌آموزان در سال اول دوره متوسطه به صورت عمومی به تحصیل می‌پردازند و براساس نمراتی که کسب می‌کنند و وضعیت تحصیلی خود در دوره راهنمایی، در سال دوم به انتخاب رشته می‌پردازند. بر همین اساس به نظر می‌رسد، هدایت تحصیلی و معرفی مشاغل به شیوه کنونی عملاً جایگاهی در دوره راهنمایی تحصیلی ندارد. حال با توجه به این موارد، ارزیابی مجدد و واقع‌بینانه از میزان ساعات هفتگی و محتوای کتاب‌های درسی و از جمله در آموزش حرفه و فن، ضرورت پیدا می‌کند.

۸. با توجه به اهداف پیش‌نهادی لازم است، کتابی با محتوای «آداب معاشرت اجتماعی» (برقراری ارتباط، شیوه‌های صحیح صحبت کردن، غذا خوردن، لباس پوشیدن و...) تألیف شود و در اختیار دانش‌آموزان این دوره قرار گیرد.

۹. در هدف شماره ۶ از بخش اهداف علمی و آموزشی، بر آشنایی دانش‌آموزان با یک زبان خارجی در حد توانایی انجام مکالمه ساده و روزمره تأکید شده است. می‌دانیم که دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی فقط در سال دوم و سوم با زبان خارجی آشنا می‌شوند. آیا با وضعیت کنونی میزان ساعات تدریس، محتوای کتاب‌های درسی، معلم و... می‌توان انجام مکالمه روزمره را از دانش‌آموزان انتظار داشت؟ آیا سن زبان‌آموزی به درستی از سال دوم راهنمایی تحصیلی آغاز می‌شود؟ در صورتی که پاسخ مثبت باشد، وظیفه آموزش حروف الفبایی انگلیسی برای یادگیری مفاهیم ریاضیات علوم تجربی در سال‌های قبل، به عهده کیست؟!

در پایان امید است، شورای عالی آموزش و پرورش و سایر تشکیلات ستادی با توجه به توانمندی‌های موجود، از حداکثر ظرفیت‌ها استفاده کنند و آینده‌درخشانی برای نوجوانان امروز که مدیران، برنامه‌ریزان و گردانندگان فردای جامعه خواهند بود، رقم بزنند.

زیرنویس:

۱. این اهداف قبلاً نیز در شماره ۲۶ مجله (پاییز ۷۹) به چاپ رسیده است.
۲. رعایت اصول ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی برای اقلیت‌های دینی، الزامی است.

۳. از آن‌جا که اهداف جدید تصویب شده، زیربنای تألیف کتاب‌های درسی و تصمیم‌گیری برای این دوره است، به نظر می‌رسد در بعضی قسمت‌ها، اگرچه اهداف متعددی در نظر گرفته شده، ولی به نیازهای واقعی نوجوانان در این سن توجه کافی نشده است. مثلاً در بخش اهداف اعتقادی، نیاز دانش‌آموزان به دانستن دلایل پرستش خداوند و لزوم مذهب در زندگی فردی و اجتماعی به فراموشی سپرده شده است و در بین هدف‌های منصوب هم دیده نمی‌شود. روسو در همین زمینه عقیده دارد که: «... امیل را مسیحی یا پیرو مذهب دیگری نباید ساخت، بلکه باید کوشش کرد تا حس عمیق دینی و ایمان به خدا را در او بیدار کرد تا با آزادی، هر دینی را که خود بخواهد، انتخاب کند.» (ژان ژاک روسو، امیل، ص ۳۹۴).

مشخص است که چنانچه برنامه‌ریزی، کتاب‌های درسی و... براساس طراحی دقیق انجام شود، می‌توان مطمئن بود که نوجوانان به همان سمت و سویی که قرار است بروند، هدایت شوند. به هر حال این که اهداف اعتقادی منصوب و کتاب‌هایی که این اهداف را دنبال می‌کنند، می‌توانند به سوالات بی‌شمار عقیدتی دانش‌آموزان پاسخ دهند یا نه، قابل بررسی است.

۴. در اهداف دوره ابرشاد که قبلاً درباره آن مطالبی آمد و در هدف‌های ۱۱ و ۱۲ بخش علمی و آموزشی از مصوبات «شورای عالی آموزش و پرورش» که به مدارس نیز ابلاغ شده است، بر فهمیدن نحوه یادگیری و شیوه صحیح مطالعه و تحقیق با صراحت تأکید شده است. ولی تاکنون کتابی با این محتوا به عنوان درس اصلی دانش‌آموزان تألیف نشده است و دانش‌آموزان با این مفاهیم آشنا نشده‌اند.

۵. اگر شناخت استعدادها و لزوم راهنمایی نوجوانان با توجه به تفاوت‌های فردی آنان و بهره‌برداری صحیح از استعدادهایشان از دلایل تشکیل دوره راهنمایی تحصیلی باشد، می‌توان گفت در اهداف پیش‌نهادی شورای عالی آموزش و پرورش به این موارد توجه کافی نشده است.

۶. سال‌هاست که یکی از هدف‌های مهم دوره راهنمایی تحصیلی را آشنایی با مشاغل موجود در جامعه می‌دانند. اگرچه این مورد فقط به عنوان هدف شماره ۸ از بخش اهداف علمی و آموزشی آمده است، ولی از یک طرف خصوصیات جسمی و روانی دانش‌آموزان این دوره باعث می‌شود، آن‌ها به مشاغل



اندیشه‌های تازه در خصوص آمادگی بدنی

برنامه‌های ورزشی مدارس راهنمایی به گونه‌ای طرح ریزی شود که شیوه‌های متنوع فعالیت بدنی را ارائه دهد و دانش آموزان سرگشته به انجام فعالیت‌های متعدد بپردازند. بخش فیزیکی همچنین از درس تربیت بدنی به فعالیت‌های حرکتی جدید و روش‌های آموزشی گوناگون اختصاص باید داده شود. به طوری که شرایط متفاوت این گروه سنی در نظر گرفته شود. روش‌های آموزشی به صورت لذتبخش و رقابتی اجرا شود. به کار گرفتن موسیقی و وسایل صدایی، شنیداری از جمله راه‌های متعددی است که می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. دانش آموزان به آن دسته از فعالیت‌های بدنی علاقه دارند که هیجان‌انگیز و اشتیاق‌آور باشد. باید به فعالیت‌هایی ویژه و بخش‌های آمادگی جسمانی وابسته به هدایت و نظارتی توجه زیادی معطوف شود. این بخش‌ها عبارتند از: استقامت قلبی-عروقی، تعویض پذیری، قدرت و استقامت عضلانی و ترکیب بدنی. دانش آموزان باید در هر یک از درس‌های آمادگی جسمانی با آگاهی و شجاعت شرکت کنند. به رقابت بپردازند. مثال‌هایی زیر، نمونه‌هایی از فعالیت‌های آمادگی جسمانی است که در کمی تغییر می‌تواند به برنامه آموزشی افزوده شود.

تعویض سرگروه‌های دسته‌های ورزشی

یک فعالیت خوب، فعالیتی است که کار فست و عروقی، تعویض پذیری، قدرت و استقامت عضلانی را با یکدیگر ترکیب کند. دانش آموزان، دسته‌هایی کوچک ۳ تا ۵ نفره یا گروه‌های ۵ تا ۷ نفره تشکیل می‌دهند و فعالیت می‌کنند. هر یک از دسته‌های ورزشی، کارت با نام‌سوی برآبی دارد که در آن، طبقه‌بندی، تمرینات ورزشی نوشته شده است. در این طبقه‌بندی نمونه‌هایی از تمرینات کششی، تمرینات قسمت فوقانی بدن و تمرینات قلبی-عروقی ثبت و در زیر هر یک فهرستی از تمرینات مربوطه عنوان شده است. دانش آموزان باید با هر یک از این تمرینات آشنا شوند. سپس تمرینات دلخواه خود را انتخاب کنند و رهبری گروه خود را نیز به عهده گیرند. بپایان تربیت بدنی طبقه‌بندی کلی را انتخاب می‌کنند و دانش آموزان به تمرینات ویژه آن طبقه‌بندی را برمی‌گزینند. به منظور اجرایی‌تر کردن و مستقیم‌تر کردن تمرینات بهتر است که از موسیقی استفاده شود. موسیقی به هدایت

مدل‌های دوران راهنمایی برای بیش‌تر دانش‌آموزان، سال‌های دشواری است؛ زیرا تغییرات زیادی در زندگی آن‌ها پدید می‌آید. اکثر دانش‌آموزان در یک جریان رشد سریع و نامنظم قرار می‌گیرند. وجود چالش‌های اجتماعی و عاطفی - جسمانی، والدین و معلمان، شرایط یادگیری متعددی به وجود می‌آید. بیشتر والدین و معلمان، مشکلات دانش‌آموزان دوره راهنمایی را به سرعت تشخیص می‌دهند. به سراسر این دوره است که دبیران تربیت بدنی مدارس راهنمایی، ویژگی‌ها و توانایی‌ها و علائق خاص این گروه را محور توجه خود قرار دهند. در این دوران، به تدریج تکامل جسمانی و مقادیر متفاوتی از مهارت و آمادگی حاصل می‌شود و می‌تواند در سطح گسترده‌ای توسعه یابد. دوره راهنمایی تحصیلی یکی از مهم‌ترین دوره‌های است که دانش‌آموزان به آن توجه خاص دارند و به همین دلیل بهتر است که در هنگام تصمیم‌گیری، به خواسته‌ها و نواحی استعدادهای آنان توجه شود. برخی از تصمیم‌گیری‌های دانش‌آموزان در این دوره می‌تواند بر سرنوشت زندگی آن‌ها تأثیر بگذارد. ممکن است برخی از دانش‌آموزان تمایل به انجام فعالیت‌های بدنی نداشته باشند؛ و باید به انواع فعالیت‌های آمادگی جسمانی، برنامه آموزشی بسیار انبساط‌بخش باید شامل یک سلسله فعالیت‌های آمادگی جسمانی گوناگون باشد تا این اطمینان حاصل شود که دانش‌آموزان می‌توانند بسیاری از فعالیت‌ها را کشف و تجربه کنند. فعالیت‌های آمادگی جسمانی مدارس راهنمایی باید به صورتی اصلاح شود و بدین‌جهت که دانش‌آموزان بتوانند با موفقیت در مسیر زندگی فعال جسمی منظم گام بردارند و به پیش روند.



کارت های شانس و مهارت در آموزش آهنگسازی

نویسندگان: بل دلیو دارست، هانس ون در مارس و باربارا اونس کوزیمانو
ترجمه: ماندانا آچودان

۱۰ دقیقه ای در نظر گرفته شود. پرش در جا را می توان بدون طناب نیز انجام داد و حرکات ساده تری را نیز برای افزایش مهارت های پرشی به کار برد.

کارت های شانس و آمادگی (جسمانی)

انواع مختلفی از فعالیت های آمادگی (جسمانی) را می توان روی تعدادی کارت نوشت و در داخل یک جعبه قرار داد. جعبه در جایی قرار می گیرد که برای همه دانش آموزان قابل دسترسی باشد. هر دانش آموز یک کارت از داخل جعبه برمی دارد و به شاگردان دیگر می دهد (می توان کارت ها را روی زمین چید). سپس یک گروه کوچک از دانش آموزان تشکیل می شود؛ با این که هر دانش آموز با یک همبازی فعالیت می کند. آن ها به نوبت کارت ها را از داخل جعبه خارج می کنند. کسانی که نمی توانند برخی از حرکات را انجام دهند، می توانند فعالیت هایی را که با توانایی هایشان متناسب است، انجام دهند. این برنامه شامل حرکات آمادگی پایه است و مهارت های حفظ ثواب و سایر مهارت های دستکاری را نیز در برمی گیرد. نمونه هایی از فعالیت ها که می تواند مورد استفاده دانش آموزان مقطع راهنمایی قرار گیرد، به این شرح است:

- بدود و دست خود را به دیوارهای زمین ورزش بزنند.
- راه برو و با ۱۰ دانش آموز مختلف دست بدهد.
- در هر یک از گوشه های زمین ورزش ۵ بار حرکات پرشی انجام دهد.
- ۲۰ بار روی صندلی بنشینند و بلند شود.
- دور تا دور زمین ورزش را به صورت سر خوردن طی کند.
- ۲۰ بار طناب بازی کند.
- مانند راه رفتن خرچنگ روی زمین حرکت کند و عرض زمین ورزش را طی کند.
- یک لیوان آب بنوشد.
- با همبازی خود سه نوع حرکت استقامتی دو نفره انجام دهد.

۳ دقیقه و یا فاصله زمانی ۱۰ دقیقه بخش می شود. فاصله زمانی ۱۰ دقیقه ای، زمان مناسبی برای تعویض سرگروه های دسته های ورزشی است. وقتی موسیقی قطع می شود، دانش آموزان کارت راه سرگروه جدید می دهند و دبیر تربیت بدنی عنوان طبقه بندی جدید را با صدای بلند اعلام می کند؛ مانند: (تمرینات قلبی-عروقی). پس از آن، سرگروه جدید یکی از تمرینات ورزشی مربوط به طبقه اعلام شده را انتخاب می کند و همزمان با بخش مجدد موسیقی، آن را انجام می دهد؛ مثل دو در جا، مراحل بازی تا آن جا ادامه می یابد که همه دانش آموزان بتوانند در تمرینات مربوط به همه طبقه بندی ها شرکت کنند. لازم است مطمئن شویم که دانش آموزان، تمرینات ورزشی طبقه بندی های گوناگون را شناخته و به اهمیت هر یک از آنها پی برده اند.

کسب آمادگی جسمانی از طریق پرش و دویدن آرام

در این فعالیت، مهارت های طناب بازی با تمرینات قلبی-عروقی ترکیب می شود. دبیر تربیت بدنی ۵-۶ مخروط را دور تا دور زمین دایره ای شکل قرار می دهد و کنار هر یک از آن ها ۲-۳ طناب بازی می گذارد. دانش آموزان، گروه های ۲ نفره تشکیل می دهند و در کنار مخروط ها می ایستند؛ در حالی که یکی از دانش آموزان طناب بازی می کند، همگروهش دور تا دور زمین می دود. زمانی که یک دور کامل دويد، جای خود را با دانش آموز دیگر عوض می کند. دبیر تربیت بدنی می تواند نوع حرکت دانش آموزی را که می دود، تغییر دهد؛ مانند: راه رفتن، دو آهسته، سر خوردن، پرش جفت پا و دویدن در حالی که با پاشنه پا به باسن خود ضربه می زند. همچنین مهارت های پرشی فردی را که طناب بازی می کند، با تغییر دادن حرکات پا افزایش دهد. حرکاتی مانند پرش جفت پا، پرش در جا، پرش از پهلو، پرش قیچی، پرش دو تایی (دوبل) و به همراه پرش پاها را به شکل ضربدر از روی هم عبور دادن، برای افزایش مهارت های پرشی توصیه می شود. برای تعویض جای دانش آموزان، فاصله زمانی

عقب عقب بپروند. آن حبه می‌شد و نکته حرکات آمادگی برای اعصاب پدیری، قدرت و استقامت عضلانی و حرکات فیزیکی-عروقی هم سطح انتخاب شوند.

کسب آمادگی (جسمانی) از راه بازی اشکار پرانده
این برنامه ورزشی به صورت گروهی انجام می‌شود و آنچه که محور توجه دیر الزامیت بطنی قرار دارد، زمین و کار گروهی است. انتخاب هر یک از حرکات با توجه به مفاهیم بهداشتی مربوط به آمادگی (جسمانی) صورت می‌گیرد. در این جا، هر یک از گروه‌ها یک کارت بازی دارد و حرکات خاص ورزشی روی کارت‌ها نوشته شده است. دانش‌آموزان به نوبت کارت‌ها را می‌خوانند و به صورت دسته جمعی حرکات را انجام می‌دهند. شمارش حرکات نیز گروهی انجام می‌گردد. لازم است دانش‌آموزان بتوانند حرکات را و سطوح مقدماتی آمادگی (جسمانی) در گروه‌ها شرکت کنند. همه به‌همین از حرکات پیشنهادی برای آمادگی جسمانی در بازی اشکار پرانده از این فرآیند است.

● دانش‌آموز به طرف هر یک از گوشه‌های زمین ورزش می‌دود و ۲۰ بار حرکت دراز و نشست انجام می‌دهد.

● یک صندلی پیدا می‌کند و ۲۵ بار حرکت پیشین و پشیمان انجام می‌دهد. دانش‌آموزان همگروهی نیز می‌توانند به جسمانی بلند شمارش حرکات را به صورت پیشین، پیشین و پشیمان

● در مرکز زمین ورزش به صورت طاق باز دراز نکشد و در حالی که رانوها را به طرف شکره خم می‌کند، بدن خود را نیز از روی زمین بلند کند (حرکت دراز و نشست). این حرکت را ۱۰ بار انجام دهد.

● طول زمین ورزش را به صورت پرش‌های یک پا طی کند.
● به طرف معلم خود بدود و دست خود را به دست او برسد.
● به طرف ۵ دانش‌آموز مختلف بدود و به آن‌ها بگوید: امروز به خیر!

● به صورت زیگزاگی از روی خطوط زمین ورزش بپرد.
● به طرف دیوارهای زمین ورزش بدود و با دو دست خود به هر یک از دیوارها فشار وارد کند.

فعالیت‌های آموزشی ایستگاهی

۸ تا ۹ ایستگاه ورزشی دورتادور زمین ورزش برپا می‌شود. با استفاده از مخروط‌هایی که کارت‌های برقی روی آن‌ها نصب شده است، می‌توان ایستگاه‌ها را مشخص کرد. دیرترین بطنی متناسب با فضایی که در اختیار دارد، داخل سایل یا خروج از آن ایستگاه‌های ورزشی را مستقل می‌کنند. در هر یک از این ایستگاه‌ها، فعالیت‌های متنوع ورزشی و مجموعه‌ای از حرکات آمادگی-جسمانی آموزش داده و تمرین می‌شود. برای مثال، یک ایستگاه مخصوص حرکات ناحیه شکم، ایستگاه دیگری مخصوص حرکات کششی و سایر ایستگاه‌های انجام حرکات هاروی و کششی اندام‌های فوقانی بدن تعیین می‌شود. بهتر است که ایستگاه‌های ورزشی مجهز به تجهیزات ورزشی شوند تا دانش‌آموزان بتوانند حرکات تازمانی انجام دهند. مسدود حرکات پرشی با طناب، انجام حرکات کششی به کمک کش‌های مخصوص، حرکات دو پا پرش و حرکات استقامتی در سرفه، توصیه می‌شود که از نوازهای موسیقی ۳۰ دقیقه‌ای استفاده شود و در فاصله زمانی ۲۰ تا ۳۰ دقیقه موسیقی قطع شود. با شنیدن صدای موسیقی باز دیگر فعالیت حرکتی دانش‌آموزان از سرگیری می‌شود. در مدت زمانی که موسیقی قطع می‌شود، دانش‌آموزان دورتادور میدان می‌دوند و به هر ایستگاهی که رسیدند، همان‌جا با شنیدن صدای موسیقی، حرکات ورزشی مربوط به آن ایستگاه را انجام می‌دهند. نوع دویدن را می‌توان تغییر داد؛ برای مثال، دانش‌آموزان می‌توانند سر بخورند، لی‌لی کنند و یا این‌که



اعلام کنند.

● به صورت جفت پا به طرف گوشه های زمین ورزش می رود و حرکات پرشی انجام می دهد. به هر گوشه که می رسد، دو نوع حرکت کششی ایستاده انجام می دهد. هر یک از حرکات تا هشت شماره ادامه می یابد.

● به طرف یک ناحیه یاز (خارج از سالن) می دود و دو نوع حرکت کششی نشسته انجام می دهد. انجام حرکات کششی تا شمارش هشت ادامه پیدا می کند.

● می دود و یک طناب بازی پیدا می کند و ۲۵ بار پرش در جا انجام می دهد.

● همراه با سایر اعضای گروه به طرف دیوارهای زمین می دود و دست های خود را به دیوارها می زند.

● می دود، پنج دانش آموز پیدا می کند و پنج بار دست خود را به دست آن ها می زند.

● به طرف مخروط حرکات پرشی به حالت سر خوردن حرکت می کند و ۲۵ حرکت پرشی انجام می دهد. همچنین ۴ حرکتی که تحرک بازوها و پاها را دربر داشته باشد، انجام می دهد.

آمادگی مسابقه ای

یک تاشش ایستگاه ورزشی دوز تادور زمین ورزش برپا

می شود و دانش آموزان با یک همبازی، حرکات را انجام می دهند. هر یک از ایستگاه های ورزشی علامت ویژه ای دارد و شش تمرین ورزشی یا حرکت کششی در آن انجام می گیرد. در اولین ایستگاه، یکی از دانش آموزان در داخل دایره به انجام حرکت کششی می پردازد؛ در حالی که همبازی او دور تادور زمین می دود. وقتی به محل شروع بازی می رسد، دانش آموزی که در داخل دایره ایستاده است، حرکت دیگری را که روی کارت نوشته شده است، با صدای بلند می خواند و آن را انجام می دهد. دیر تربیت بدنی می تواند نوع حرکت دویدن را تغییر دهد؛ یا این که دانش آموز علاوه بر دویدن، سر بخورد؛ عقب عقب بدود؛ جفت پا بپرد؛ و یا دور تادور ایستگاه ورزشی راه برود. حرکات متنوعی که می تواند در این برنامه ورزشی استفاده شود، عبارتند از: حرکات گوناگون کششی، پرش از روی مخروط، راه رفتن مثل خرچنگ، بنشین و پاشو، شنارفتن، چرخش بدن و حرکات دیگر. پخش موسیقی برای تداوم بخشیدن به حرکات دانش آموزان توصیه می شود. بار دیگر بر هم سطح بودن فعالیت های ورزشی تأکید می شود.

کسب آمادگی (جسمانی) از راه پرش بلند با طناب

دانش آموزان گروه های سه نفره تشکیل می دهند و با یک طناب فعالیت می کنند. دو نفر از آن ها دو سر طناب را نگه می دارند و نفر سوم همزمان با شنیدن صدای موسیقی سه بار از روی طناب می پرد و به صورت ضربدری، همبازی های خود را دور می زند و می دود. پس از قطع شدن موسیقی، دانش آموز دیگری حرکات پرشی و دو چرخشی را انجام می دهد. مدت زمان پخش موسیقی ۳۰ تا ۴۵ دقیقه است و ۱۰ تا ۱۵ دقیقه زمان برای جا به جا شدن دانش آموزان در نظر گرفته شده است. این برنامه ورزشی بر مهارت های پرشی با طناب و استقامت قلبی-عروقی تأکید دارد.

منبع

p. w. Darst, H. Van der Mars, B. Ewens Cusimano "New fitness Ideas to challenge your Middle School Students" **Teaching Elementary Physical Education**, Vol. 10, No. 4 (July 1999): 24-26.





آیا شما شجاع هستید؟

من شجاع هستم چون پدرم ثروتمند است. خلاصه آن که هر کسی دلیلی برای شجاعت خود می آورد.

من گفتم: نه، بچه‌ها معیار من برای شجاعت فرد شجاع این است: همه گفتند: پس چیست؟ گفتم: همه شما از امروز به مدت یک هفته فرصت دارید که شجاعت خود را با نوشتن دست‌نویس و مدار خود به اثبات برسانید. در این لحظه برای همه این سوال پیش آمده که: آقای شجاع از کجا خواهید فهمید که ما این کار را انجام داده‌ایم یا نه؟ در پاسخ گفتم: قبل از این که دست‌نویس خود را بنویسید، لحظه‌ای بنشینید و بعد از آن به شما احساس خاصی دست می‌دهد. همان احساسی را که شجاعتی بدهد است کنید و به من بدهید. من به یک نفر به قیود فرجه حیره‌ای خواهم داد. هفته بعد فرامی‌سید. فقط چند نفر از دانش‌آموزان یک کلاس آن عمل را انجام و شرح آن را نیز نوشته بودند. توجه در روز من خوانید. حدس من یک دانش‌آموز است که دست‌نویس و مدار خود نوشته است.

با عرض سلام خدمت آقایان علامه دین محمد آیت‌الله قزلباشی، از

اشاره، آنچه در اینجا می‌خوانید فاطره‌ای است که آقای حمید علامه دبیر یکی از مدارس راهنمایی فریمان برای ما ارسال کرده‌اند که خواندن و قابل تأمل است. ما ضمن چاپ آن، و تشکر از آقای علامه، توضیح کوتاهی را نیز که آقای محمودی اومدی کارشناس روانشناسی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف به درخواست ما بر این فاطره نوشته‌اند، می‌افزاییم.

(شدد)

یک روز آخر رنگ‌اشا که حدود ده دقیقه وقت داشتیم، به دانش‌آموزان گفتم که: می‌خواهم بدانم که کدام یک از شماها خود را فرد شجاعی می‌دانند و چرا؟ هر کدام از دانش‌آموزان دلیلی مبنی بر شجاع بودن خود می‌آورد. یکی می‌گفت: من، چون زورم زیاد است. دیگری می‌گفت: من، چون درش هایه خوب است و سومی می‌گفت:

قدرشناسی بوسه‌ای زدم و با تمام اضطرابی که داشتم از او معذرت خواستم او هم مرا بوسید و گفت: برو بسرم ببین که مادرت چه کاری با تو دارد. در همان لحظه مادرم مرا صدا زد. این خبر عین بادکنک در مجلس عروسی خانه ما ترکیب و همه این بوسیدن‌ها را به حساب قدردانی از پدر و مادرم گذاشتند. البته قبل از این که این خبر همه جا پخش شود، می‌ترسیدم که بعداً مرا مسخره کنند. اما این طور نشد، بلکه همه از این کار من خوشحال بودند و به من احسنت می‌گفتند. این خاطره برای همیشه در ذهنم می‌ماند. من خدا را شکر می‌کنم که امسال معلم خوبی مثل شما دارم. امیدوارم همیشه پیروز و سربلند باشید.

تحلیل

تحلیل روان‌شناختی این خاطره این است که اصولاً درخصوص بوسیدن دست پدر و مادر همیشه و در تمام خانواده‌ها این مسأله نمی‌تواند در قالب شجاعت مطرح شود.

در بعضی از خانواده‌ها بوسیدن به مناسبت‌های مختلف از جمله جشن تولد، سفر و... یک امر مرسوم و جاافتاده است و فرزندان این گونه خانواده‌ها به راحتی با یکدیگر و یا با پدر و مادر خود دیده‌بوسی و احیاناً دست‌بوسی می‌کنند که این مسئله تا حدودی به نوع رابطه پدر و مادر و فرزندان مربوط می‌شود. فی‌المثل در خانواده‌ای که پدر و مادر در جشن برپا شده در خانه و در حضور فرزندان خود، همدیگر را می‌بوسند و فرزندان نیز در نزد سایر اعضای خانواده، پدر و مادر را می‌بوسند این مسئله یک امر عادی تلقی می‌شود. اما در پاره‌ای خانواده‌ها، شاید به دلیل فاصله سنی زیاد بین پدر و مادر، فاصله سنی زیاد بین فرزندان با پدر یا مادر، عدم رابطه کلامی میان پدر و مادر و فرزندان، عدم پیشقدم شدن والدین در برخورد با فرزندان و... که همه از فرهنگ و سنت‌های آن محیط سرچشمه می‌گیرد، فرزندان پدر یا مادر را دور از دسترس می‌بینند و شهامت برخورد نزدیک و به‌خصوص بوسیدن دست آنها- به‌خصوص پدر- را ندارند. شاید در این گونه خانواده‌ها، نزدیک شدن به والدین و بوسیدن آنها بتواند در قالب شجاعت مطرح گردد همان‌طور که در خاطره مورد نظر ملاحظه گردید.

آن روز که شعاع آن موضوع انشا را برای بچه‌های کلاس گفتند من با خودم گفتم بهتر است که دل و جرأت خودم را امتحان کنم. با همین فکر و اندیشه به خانه رسیدم. خانه‌مان به خاطر مجلس عروسی خواهرم که در پیش بود، شلوغ بود و بیشتر اقوام و خویشان در خانه ما بودند. کیف و کتابم را سر جایش گذاشتم و به آشپزخانه آن‌جا که مادرم بود رفتم. مادرم در حال غذا پختن بود. به او سلام کردم و با دلهره تمام به سمت او رفتم. وقتی خواستم که خم شوم و دست او را بوسم یک دفعه خاله بزرگم از راه رسید و گفت: چه کار می‌کنید! امیر را بفرست که برود شیرینی بگیرد، چون شیرین‌هایمان کم آمده است. من در همان لحظه با خودم گفتم: «بخشکی شناس» بعد از این که شیرینی را آوردم، با خودم گفتم: این دفعه دیگر دل را به دریا می‌زنم و کار خود را انجام می‌دهم. از آنجایی که رویم با مادرم باز بود، در همان لحظه با جعبه‌های شیرینی به طرف او رفتم. جعبه‌ها را کنار گذاشتم و دستم را دور گردنش انداختم اول صورتش را بوسیدم و سپس دستش را گرفتم و بوسیدم. مادرم گفت: چی شده؟ چرا این کارها را می‌کنی؟ گفتم مادر خیلی دوست دارم و او هم مرا بوسید و با خنده گفت: «نکنه تو هم به خاطر عروسی خواهرت به هوس افتادی که برای تو هم آستین بالا بزنیم؟ نه، هنوز نوبت تو نشده. انشاء... بعد از سربازی فکری برای تو خواهیم کرد.»

خدا را شکر کردم که به خیر گذشت. حالا نوبت پدرم بود. با خودم گفتم، این مجلس عروسی بهترین موقعیت است که پدرم را ببینم و روی او را بوسم؟ چون شغل پدر من رانندگی است و کمتر در خانه است. پدرم با چند نفر از میهمانان و اقواممان در اتاق دیگری بودند. من که قصدم از بوسیدن دست پدرم امتحان کردن خودم بود به طرف او رفتم. هنوز به پدرم نزدیک نشده بودم که گفتم: امیر بیا برای حاج آقا چایی بریز. گفتم: مادر من را کار دارد و می‌خواهم به مغازه بروم. با این حرف از اتاق بیرون زدم و پشت پرده در ایستادم. آن وقت شنیدم که یکی از میهمانان به پدرم گفت: چه پسر می‌تربیتی داری. در اینجا بود که من از این کار خودم پشیمان شدم. می‌خواستم به او ثابت کنم که بی‌تربیت نیستم و برگشتم و با تمام دل و جرأتی که داشتم به طرف پدرم رفتم. صدای ضربان قلبم را می‌شنیدم. اضطراب و هیجان سراسر وجودم را فرا گرفته بود. هرطور که بود دستم را به دور گردنش انداختم و صورت او را بوسیدم و بعد به دست‌های رنج‌کشیده او به پاس

رشت

امور تخصصی

شرایط اشتراک:

۱. واریز حداقل مبلغ ۱۵۰۰۰ ریال به عنوان علی الحساب به حساب شماره ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت شعبه سرخه حصار، کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست و ارسال اصل رسید بانکی به همراه فرم تکمیل شده اشتراک.
۲. شروع اشتراک از زمان وصول فرم درخواست می باشد.

نام و نام خانوادگی:	تاریخ تولد:
میزان تحصیلات:	تلفن:
نشانی کامل پستی:	شهرستان:
استان:	کوچه:
خیابان:	کد پستی:
پلاک:	شماره و تاریخ رسید بانکی:
مبلغ واریز شده:		

امضا،

دبیران محترم و دیگر خوانندگان عزیز که مقالات و نوشته های خود را برای مجله می فرستند فرم زیر را نیز کامل کرده و ضمیمه نوشته خود به نشانی تهران، صندوق پستی ۶۵۸۵ - ۱۵۸۷۵ ارسال نمایند.

عنوان مقاله یا نوشته:

نام و نام خانوادگی نویسنده:

نشانی دقیق محل کار:

نشانی دقیق منزل:

شماره تلفن و کد شهرستان:

شماره حساب بانکی:



عشایر دامدار بلوچ نزدیک بمپور، سیستان و بلوچستان



مردمان از ایل یمنی در حال پر کردن چمگ از آب
شهر احمدیه، یمن



یکی از آخرین کدخداهای عشایر بلوچ احمد



رقص دستجمعی مردان یکتباری در عروسی، دستفا، نزدیک شهر کرد



ایران شناسی عشایر ایران

از کتاب: عشایر ایران، نصرالله کسرائیان / زینا عرشی



عشایر یکتباری محله بافت



کوچ پاییز عشایر بلوچ ترکاشوند



کوچ بهاره ایلمسون هابه سوی مراتع سردسیری



پذیرایی از زنان بزرگ فامیل با قهوه شیرینی
عشایر ادره، شوری



جمع آوری و بستن وسایل کوچ بهاره
عشایر کرد خراسان، طایفه قهرمانلو



ساده خادز عشایره کوهگله صحرای بخت احمد



کودکی از عشایر کرد خراسان، طایفه قهرمانلو
در محله یوسفعلی، قهرمانلو

رشد آموزش هنر، تازه‌ترین «متولد شده» در «خانواده رشد» است. این مجله که با روی جلدی زیبا و چشم‌انداز اخیراً از چاپ خارج شده، در بردارنده مطالب متنوعی در قالب‌های گفت و گو، گزارش، مقاله، آموزش، نقد و معرفی، اخبار و... است. از جمله اهدافی که در یادداشت سردبیر، برای انتشار مجله رشد آموزش هنر، شمرده شده «تعیین جایگاه و منزلت هنر به عنوان «بستر اصلی آموزش‌های عمومی کشور» در همه دوره‌های تحصیلی» است. عنوان مهمترین مطالب نخستین شماره «رشد آموزش هنر» بدین شرح است:

○ آموزش هنرهای تجسمی در ایران

○ تمیز، رسانه‌ای بدون مرز

○ هنر، صنعت و اقتصاد

○ میراث ۶۰۰ ساله عتیقه‌ها

○ فرش، سفیر ماندگار هنر ایران

○ تصویرسازی

○ آشنایی با کاتبان بزرگ

○ خطوط معقلی و بنایی

○ منابع کنکور هنر و...

